

چاپ هشتم

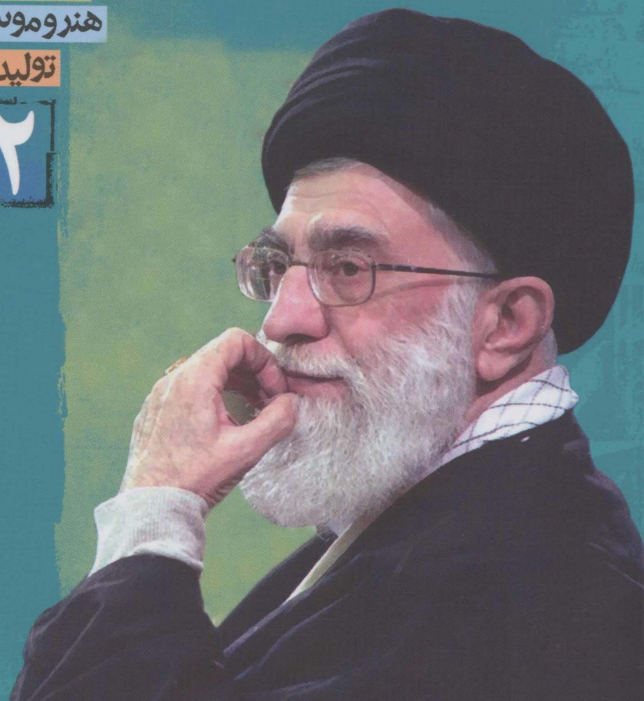
گزیده بیانات
رهبر فرزانه انقلاب
در جمع دانشجویان
و دانشگاهیان

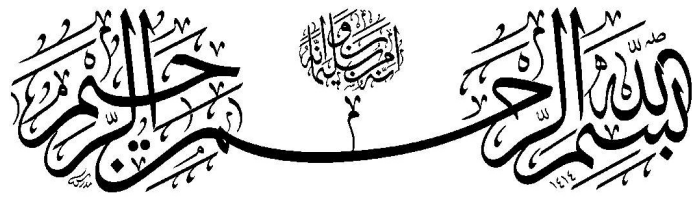
نکته‌های ناب

جوانان

هنر و موسیقی

تولید علم





تهیه کننده: وبلاک شناخت رهبری، آیت الله خامنه ای

www.leader-khamenei.com



برای خواندن کتاب روی صفحه کلیک راست کرده
و گزینه rotate clockwise را انتخاب کنید .



فهرست

فصل اول: تولید علم و جنبش نرم افزاری

۱. نگرش اسلام و غرب به تولید علم ۱۵
۲. بزرگ ترین فاجعه دوران قاجاریه و پهلوی ۱۷
۳. علم ابزار قدرت است، خود غریبی ها با علم به قدرت رسیدند ۱۸
۴. معنای نهضت نرم افزاری ۱۸
۵. امروز، تقویت بنیه علمی کشور، فریضه است ۱۹
۶. امروز کسانی که می توانند دانش را در این کشور رشد بدهند، باید احساس وظیفه مضاعف کنند ۱۹
۷. علم، وسیله اقتدار در دنیای امروز است، باید علم را به دست آوریم ۲۰
۸. رسیدن به اهداف بزرگ، جز با کسب علم امکان پذیر نیست ۲۱
۹. باید تولید علم در دانشگاه ها و مراکز علمی کشور، به صورت امری مقدس و عبادت تلقی شود ۲۲
۱۰. دانشگاه ها باید به صورت علمی، به علم اهمیت بدهند ۲۲
۱۱. نوآندیشی و نوآوری علمی در تمام رشته ها، یکی از وظایف مهم دانشگاه ها است ۲۳



نکته های ناب (جلد دوم)

نظارت: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها

معاونت آموزش و تبلیغ

تدوین و تنظیم: حسن قدوسی زاده

حروف چینی و صفحه آرایی: امیرحسین عزیزاده

ناشر: دفتر نشر معارف

چاپ هفتم: بهار ۱۳۸۸

چاپخانه: پاسدار اسلام

شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

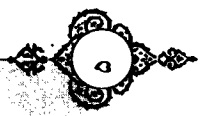
قیمت: ۱۰۰۰ تومان

شابک جلد: ۹۶۴-۵۳۱-۰۰۸-۰۰۲

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

مراکز پخش

۱. قم: بولار امین - بولار جمهوری - معاونت آموزش و تبلیغ، تلفن: ۲۹۰۴۴۴۰
 ۲. مدیریت پخش نشر معارف: قم: خیابان شهدا، کوچه ۳۲، پلاک ۳، تلفن و فاکس: ۷۷۴۴۶۱۶
 ۳. فروشگاه شماره ۱: قم: خیابان شهدا، روبروی دفتر مقام معظم رهبری، تلفن: ۷۷۲۵۲۵۱
 ۴. فروشگاه شماره ۲: تهران: خیابان انقلاب، چهارراه کالج، پلاک ۷۹۱، تلفن: ۸۸۱۱۱۲۱۲، فاکس: ۸۸۰۹۳۸۶
- نشانی اینترنت: WWW.nashremaaref.ir
پست الکترونیک: info@nashremaaref.ir

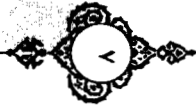




۱۲. دانشگاه باید بتواند یک جنبش نرم‌افزاری همه جانبه در اختیار کشور قرار دهد ۲۴
۱۳. نسل دانش پژوه کشور بدانند اگر امروز برتری علمی با غربی‌ها است با همت و اراده می‌شود کاری کرد که فردا از آن ما باشد ۲۵
۱۴. ما می‌توانیم در فضای معرفت علمی، کارهایی بکنیم که هنوز در دنیا نوباشد ۲۶
۱۵. وقتی علم بومی نشود و کشور گرفتار عقب ماندگی علمی گردد، پیروی از فرهنگ بیگانه و تبعیت اجباری از سیاست‌های آن‌ها نیز حتمی است ۲۶
۱۶. ملتی که بتواند در علم، نوآوری کند، در دنیا احساس عزت و اعتماد به نفس و غرور می‌کند ۲۸
۱۷. نگاه مینکرانه و سازنده به مسئله تولید علم داشته باشید ۲۹
۱۸. در تمام زمینه‌ها و به خصوص در زمینه علوم انسانی به تولید علم نیاز داریم ۲۹
۱۹. ننگ است که ما از تحلیل و درک و فهم خود استفاده نکنیم ۲۹
۲۰. وجود استعدادها، اندیشمندان و استادان در داخل کشور وسیله ترمیم کسودهای علمی کشور است ۳۰
۲۱. هیچ وقت به قدر امروز در این کشور برای انسان فرزانه مستعد، امکان رشد وجود نداشته است ۳۰
۲۲. شوق فراگیری علم از دشمن، غیر از وابستگی است ۳۱
۲۳. گرفتار شدن به تفکر و ذائقه ترجمه‌ای از مصادیق تهجم فرهنگی و مصیبتی بزرگ است ۳۲
۲۴. برتری علمی غرب را به هیچ وجه به معنای برتری فرهنگی غرب ندانید ۳۲
۲۵. تهجم فرهنگی حقیقی این است که در طول سال‌های متصادی به منظر ایرانی تزیین کردند که تو نمی‌توانی ۳۳
۲۶. علم می‌تواند در خدمت ارزش‌های معنوی قرار گیرد، می‌تواند در خدمت حیوانیت و درندگی ۳۴
۲۷. توصیفی به دانشجویان مشغول به تحصیل در خارج از کشور ۳۵
۲۸. مسئله تحقیق و تولید علم، مدیریت سازمان یافته لازم دارد ۳۶
۲۹. تولید علم مسئله فردی نیست یک مطالبه عمومی است ۳۶

۳۰. یکی از استراتژی‌های نظام سلطه این است که نگذارند کشورهای تحت سلطه، دارای علم شوند ۳۶
۳۱. ما دنبال فناوری هسته‌ای هستیم نه تولید بمب هسته‌ای ۳۷
۳۲. چنانچه آمریکایی‌ها علیه ایران در جریان انرژی هسته‌ای به دو علت است ۳۹
۳۳. حرکت به سمت بومی کردن انرژی هسته‌ای در کشور، واجب و وظیفه‌ای ملی است ۴۰
۳۴. اهمیت و نقش جوانی در شکل‌گیری شخصیت انسان‌ها ۴۵
۳۵. جوانی، دوره اعتلای هویت و شخصیت انسانی و فکری ۴۶
۳۶. ویژگی‌های جوان ۴۶
۳۷. امتیازهای پنج‌گانه جوانان دانشجوی به عنوان بهترین مخاطبین روحانیت ۴۸
۳۸. کار تک تک جوانان کشور، در هر زمینه‌ای باشد، موجب اعتلای کشور است ۴۹
۳۹. من از جوان سه چیز می‌خواهم: تحصیل، تهذیب و ورزش ۵۰
۴۰. گوهر شور و عشق و صفا و معنویت، در جوان فروزان است ۵۱
۴۱. دل‌های شما جوان‌ها نورانی است، این را قدر بدانید ۵۱
۴۲. ویژگی‌های برجسته جوان مسلمان و نقش تقوا در شکوفایی آنها ۵۲
۴۳. تقوا، بزرگ‌ترین سرمایه‌ای است که موفقیت دنیا و آخرت جوانان را تضمین می‌کند ۵۴
۴۴. جوان‌های عزیز! درود در میدان معرفت علمی، شما را از پیشرفت در میدان معرفت دینی و کسب فضائل اخلاقی باز ندارد ۵۵
۴۵. نقاط ستایش برانگیز جوانی و تکلیف جوان‌ها در برابر آن ۵۶
۴۶. ستایشگری جوان نباید به خوش‌آمدگویی او تبدیل شود ۵۸
۴۷. مهم‌ترین مسائلی که جوان‌ها باید به آن اهتمام کنند ۵۸
۴۸. اگر شما جوانان، این سه خصوصیت را در خودتان به وجود آورید، در هر شرایطی و در همه زمینه‌ها موفق خواهید بود ۵۹
۴۹. از حوصله جوان‌ها باید حداکثر استفاده را برد و به آنها میدان داد ۶۱
۵۰. جوان، محور حرکت و مرکز تلاش و تحرک جامعه است ۶۱





۵۱. شما جوان ها، هر لحظه برای دو صحنه آماده باشید..... ۶۲
۵۲. یاس، بزرگ‌ترین آفت جوان است..... ۶۲
۵۳. جوان بودن کشور برای نظام و دشمنان نظام، فرصت بسیار خوبی است..... ۶۲
۵۴. شما جوان‌ها که جزو خواص ملت‌اید؛ هر جا هستید، سعی کنید محیط خودتان را بسازید..... ۶۳
۵۵. جوان‌ها، عناصر فعال امروز و ستون‌های فردای انقلاب‌اند..... ۶۴
۵۶. بی تفاوتی و خونسردی نسبت به سرنوشت کشور جایز نیست..... ۶۵
۵۷. بی تفاوتی و بی‌مبالاتی نسل جوان برای یک کشور، از میکروب ویا بدتر است..... ۶۵
۵۸. جوانان در مورد مسائل اساسی کشور جدی برخورد کنند..... ۶۵
۵۹. جوان باید فکر کند و این فکر را مطرح و مطالبه نماید..... ۶۶
۶۰. جوانان و احساس مسئولیت نسبت به مسائل انقلاب..... ۶۶
۶۱. نقش حضرت امام (ره) در جذب قلوب جوانان و پیدایش انقلاب عظیم اسلامی..... ۶۶
۶۲. بزرگ‌ترین فتح جمهوری اسلامی این بود که:..... ۶۸
۶۳. تلاش برای تربیت نسل جوان کشور حضور در خط مقدم دشوارترین کارها است..... ۶۸
۶۴. صهیونیست‌ها بر نامه‌ریزی می‌کنند تا در درجه اول جوان‌ها را از انقلاب جدا کنند..... ۶۹
۶۵. جوان‌ها و بالاکس جوان‌های دانشجوی باید فهم سیاسی داشته باشند..... ۷۰
۶۶. امروز، جوان ما باید بداند در هر لحظه به سمت کدام هدف حرکت می‌کند..... ۷۰
۶۷. از اختلاف سلیقه جوانان در مسائل سیاسی و اجتماعی نباید ترسید به شرط آنکه..... ۷۱
۶۸. بنده دلم می‌خواهد جوان‌های ما روی ریزترین پدیده‌های سیاسی دنیا فکر کنند و تحلیل بدهند..... ۷۳
۶۹. تکلیف جوانان در دوران کنونی سنگین‌تر از همیشه است..... ۷۳
۷۰. نسل جوان در چنین میدانی تکلیف و مسئولیت دارد..... ۷۴
۷۱. همهٔ همت جوان باید این باشد که از نظام حراست کند..... ۷۴
۷۲. لزوم توجه نسل جوان به مسائل تاریخی کشور و چگونگی شکل‌گیری انقلاب..... ۷۵
۷۳. جوان، طالب اصلاحاتی است که در آن عدالت، آزادی‌های مشروع و آرمان‌های اسلامی تحقق یابد..... ۷۶



۷۴. جوانان باید در همهٔ میدان‌ها حضور داشته باشند، ولی با انضباط..... ۷۷
۷۵. نکته مهمی که در مورد فرهنگ غربی وجود دارد و دلم می‌خواهد شما جوانان به آن توجه کنید..... ۷۸
۷۶. علت مقابله ملت ایران با فرهنگ غربی..... ۸۰
۷۷. عمده‌ترین موانع از دواج جوان‌ها، موانع فرهنگی است..... ۸۱
۷۸. نباید به ذهن و دل جوان چیزی بدهیم که او را به سمت گناه و فساد بفرزاند..... ۸۱
۷۹. نوگرایی، آرایش، پوشش و نحوهٔ برخورد جوان‌ها با آن..... ۸۲
- فصل سوم: هنر و موسیقی
۸۰. هنر یک موهبت الهی و یک حقیقت بسیار فاخر و در عین حال تکلیف آور است..... ۸۷
۸۱. من برای هنر نقش واقعی، جدی و اساسی قائل‌ام..... ۸۹
۸۲. نحوهٔ برخورد با هنر و هنرمند..... ۸۹
۸۳. هنر مند، هم در باب فرم و قالب هنر و هم در باب قالب مضمون، تعهد دارد..... ۸۹
۸۴. هنر دینی، هنری است که بتواند مجسم کننده و ارائه کننده آرمان‌های دین اسلام باشد..... ۹۲
۸۵. هنر باید جهت و غایت داشته باشد و هنر مند بداند کارش برای چیست؟..... ۹۳
۸۶. هنر نباید در خدمت شهوت، خشنونت، ابتذال و استحاله هویت انسان و جامعه قرار گیرد..... ۹۴
۸۷. توقع انقلاب از هنر و هنر مند این است که:..... ۹۵
۸۸. اثرات متقابل هنر و سیاست بر یکدیگر..... ۹۷
۸۹. از جاذبه‌های جنسی برای جلوه دادن به کارهای نمایشی، فیلم و موسیقی استفاده نکنید..... ۱۰۰
۹۰. وظیفه هنر مندان در قبال فعالیت‌های بخش هنری سازمان سیا (CIA)..... ۱۰۰
۹۱. ویژگی‌های موسیقی حلال و حرام، قابلیت‌های اجتماعی موسیقی..... ۱۰۱
۹۲. هنر موسیقی تلفیقی از دانش، اندیشه و فطرت خدادادی است، این هنر را در راه خدا مصرف کنید..... ۱۰۴
۹۳. جایگاه و نحوه پیدایش موسیقی در غرب و شرق..... ۱۰۶

۹۲. در این صورت می توان موسیقی را پاک و مقدس نامید!..... ۱۰۷
۹۵. موسیقی را هدفدار، جهتدار و معنادر اجرا و طراحی کنید و صیغه های لهو را از آن بزدانید..... ۱۰۹
۹۶. نباید در دانشگاه ها موسیقی ترویج شود..... ۱۱۱



مقدمه

مجموعه ای که با عنوان «نکته های ناب» فرا روی شما است، گلچینی دانشین و جذاب از بیانات رهبر فرزانه انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای مدظله العالی است که در طول سالهای ۶۸ تا ۸۳ در جمع دانشجویان، استادان دانشگاه ها، مسئولین شورای عالی انقلاب فرهنگی و سایر مجامع علمی و دانشگاهی ایراد گردیده است.

هر چند متن کامل بیانات معظم له در جمع دانشجویان و دانشگاهیان، هر ساله در قالب کتابی با عنوان «دانشگاه اسلامی و رسالت دانشجوی مسلمان» به وسیله نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها چاپ شده و در اختیار دانشجویان عزیز قرار گرفته است؛ اما از آنجا که این بیانات حاوی مباحث بسیار ارزشمند و راه گشا برای نسل جوان و به ویژه دانشجویان عزیز دانشگاه ها است، مرکز فرهنگی نهاد تصمیم گرفت نکات مهم و اساسی این بیانات را استخراج و پس از تدوین و فصل بندی به صورتی مناسب در اختیار مجامع دانشگاهی و فرهنگی قرار دهد. بدین ترتیب تمام مطالب پس از گزینش





و فهرست‌بندی، در ۱۵ فصل تدوین و در قالب ۵ جلد تنظیم گردید:

جلد اول: دانشگاه، دانشجوی، تشکل‌های دانشجویی

جلد دوم: تولید علم و جنبش نرم‌افزاری، جوانان، هنر و موسیقی

جلد سوم: نظام و انقلاب، استکبار جهانی

جلد چهارم: فرهنگ و تهاجم فرهنگی، روشن‌فکری، ارزشهای دینی و

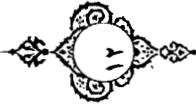
اسلامی، مسائل سیاسی و اجتماعی

جلد پنجم: ویژگی‌های فرهنگ و تمدن غربی، نگرش اسلام و غرب نسبت

به زن، نگرش اسلام و غرب به خانواده.

امید است این مجموعه، راهگشای دانشجویان، دانشگاهیان و نسل جوان فرهیخته کشور در صحنه‌های دفاع از آرمانهای عظیم انقلاب اسلامی گردد و مقدمات حضور هر چه بیشتر دین و ارزشهای الهی در فرآیندهای علمی و محیط‌های دانشجویی را فراهم آورد و پیگیری مسئله تولید علم و جنبش نرم‌افزاری را در دانشگاه‌ها تسریع بخشد. در پایان وظیفه خود می‌دانیم از تلاشهای خالصانه و چندین ماهه برادر عزیز جناب آقای دکتر حسن قدوسی‌زاده، که تدوین و تنظیم کامل این مجموعه را به عهده گرفتند تقدیر و تشکر کنیم.

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها
معاونت آموزش و تبلیغ





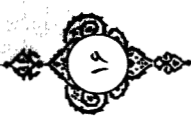
تولید علم و جنبش نرم‌افزاری

۱. تکرش اسلام و غرب به تولید علم
تولید علم - یعنی شکستن مرزهای علم و پیشرفت کردن - با تحصیل علم و تبحر در علم تفاوت دارد؛ ما اولی را نیاز داریم. نه این که به دومی نیاز نیست، اما دومی کافی نیست. این که نوشته و تحقیق و فرآورده دانشمندان در زمینه علوم مختلف - چه علوم انسانی، چه علوم تجربی - بیاید و خوب دانسته شود و همین‌ها محور تشخیص و معرفت نهایی انسان شود، چیز مطلوبی نیست. ما می‌بینیم که در زمینه‌های مختلف، تحقیق و پژوهش و رسیدن به نظر به در دنیای مادی و دنیای غرب، مبنای قابل قبول و مورد اعتمادی نبوده؛ به خصوص در زمینه علوم انسانی، که در علوم تجربی و در فناوری هم اثر خودش را نشان می‌دهد.

نگاه اسلام به انسان، به علم، به زندگی بشر، به عالم طبیعت و به عالم وجود، نگاهی است که معرفت نوینی را در اختیار انسان می‌گذارد. این نگاه، زیربنا و قاعده و مبنای تحقیقات علمی در غرب نبوده. تحقیقات علمی در غرب، در



بسم الله الرحمن الرحيم



ستیز با آنچه آن را دین می‌پنداشتند، آغاز شده، البته حق داشتند؛ دینی که رنسانس علیه آن قیام کرد و خط فکری و علمی دنیا را در جهت مقابل و مخالف آن ترسیم کرد، دین نبود؛ توهمات و خرافاتی بود با عنوان دین. دین کلیسایی قرون وسطایی، دین و معرفت دینی نبود. بدیهی بود که عقده‌ها و گره‌ها در ذهن دانشمندان و نخبگان و زیدگان فکری باقی بماند و برایش راه علاج‌های ضددینی و غیردینی پیدا کنند. لذا هنوز چگونگی کنار آمدن علم و دین برای آن‌ها مسئله است؛ لیکن مسئله ما این نیست.

در جهانی‌بینی ما، علم از دل دین می‌جوشد و بهترین مشوق علم، دین است. دینی که ما می‌شناسیم، جهانی‌بینی دینی‌ای که ما از قرآن می‌گیریم، تصویری که ما از آفرینش و از انسان و از ماوراءالطبیعه و از توحید و از مشیت الهی و از تقدیر و قضا و قدر داریم، با علم سازگار است؛ لذا تولیدکننده و تشویق‌کننده علم است. نمونه‌اش راشما در تاریخ نگاه کنید؛ ببینید حرکت علمی در قرون اولیه اسلام بر اثر تشویق اسلام آن چنان اوج گرفت که تا آن روز در دنیا بی‌سابقه بود. در همه زمینه‌ها - و علم و دین با هم آمیخته و مزوج بود و دانش و تحقیق و فن در حد خود پیشرفت کرد.

پایه و مبنای علوم انسانی‌ای که امروز در غرب مطرح است، از اقتصاد و جامعه‌شناسی و مدیریت و انواع و اقسام رشته‌های علوم انسانی، بر مبنای یک معرفت ضددینی و غیردینی و نامعتبر از نظر کسانی است که به معرفت والا و توحیدی اسلامی رسیده باشند. ما در این زمینه‌ها باید کار کنیم. در زمینه علوم تجربی باید کار و تلاش کنیم. قدرت پیشرفت علمی و باز کردن راه‌های نو و گشودن افق‌های جدید را باید در خودمان به وجود بیاوریم؛ همت ما باید این باشد؛ توقع، این است. خوشبختانه ما پیشرفت کرده‌ایم؛ به وضوح می‌شود این را دید. اگر قرار بود در محیط غیردینی و ضددینی، علم پیشرفت کند، از لحاظ علمی لااقل پیشرفت می‌کردیم. ما از لحاظ علمی، عقب مانده و عقب نگه داشته شده بودیم. بیش از پنجاه سال، تحرک و جوشش علمی در این کشور کند بود؛ در بعضی از بخش‌ها تعطیل بود. موانعی که به وجود آوردند، برای این ملت مثل

سم‌کشنده‌ای بود. باور را از ملت ما گرفتند. ملت و نخبگان و مغزهای ما را به هر آنچه از بیرون این مرزهاست، آن چنان دلبسته کردند که اصلاً کسی این مجال و این جرأت و این شجاعت را پیدا نکند که فکر کند می‌توان برخلاف آن حرف‌ها یا غیر از آن حرف‌ها و آن نظریه‌ها، نظریه‌ای ارائه کرد. ما هنوز هم تا حدودی گرفتار آن حرف‌ها هستیم.

البته اسلام به ما خودباوری داد و انقلاب به ما جرأت بخشید. آنچه امروز مشاهده می‌کنیم، نتیجه همین جرأت است؛ باید این جرأت را تقویت کرد و پیش رفت. استعدادهای ما خوب است. جوان‌های ما خوب‌اند. اگر همین کارهایی که آقایان اشاره کردند - شناسایی و جذب استعدادها در زمان خود، هدایت صحیح این‌ها، به کار گرفتن این‌ها، سازماندهی معنوی صحیح در زمینه نخبگان - صورت بگیرد، که هم انجام شدنی است و هم ان‌شاءالله اراده‌اش وجود دارد و اگر همین بنیاد نخبگانی که ما پیشنهاد کردیم، در نهاد ریاست جمهوری تشکیل شود - که شنیدم مقدماتش را دارند فراهم می‌کنند و اساسنامه‌ای هم نوشته‌اند - ان‌شاءالله به این سمت پیش خواهیم رفت.^۱

۲. بزرگ‌ترین فاجعه دوران قاجاریه و پهلوی

از بزرگ‌ترین فجایعی که در دوران سلطنت قاجاریه و پهلوی برای این کشور پیش آمد و معمولاً به آن توجه نمی‌شود این است که در دورانی که باب علم در دنیا گشوده بود، این‌ها ایران را در بن‌بست نگه داشتند و اجازه حرکت و پیشرفت ندادند! بزرگ‌ترین جنایت، این است. این از کشتن و سوزاندن و زندان کردن و شکنجه کردن، به مراتب بالاتر است! این از بالا کشیدن پول نفت و از مسلط کردن اجانب، بالاتر است! این چیز خیلی مهمی است؛ کسی هم به آن توجه نمی‌کند!^۲



بسم الله الرحمن الرحيم



۱. بیانات رهبر معظم انقلاب پس از سخنان اساتید ۸۳/۹/۲۶.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با رؤسای دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۷۶/۸/۲۶.



بلکه من می گویم در ترجمه و فراگیری نباید توقف کرد.^۱

۵. امروز، تقویت بنیه علمی کشور، فریضه است امروز در کشور، یکی از فزایش حتمی برای این نسل که در درجه اول هم این فریضه بر دوش شما دانشگاهی ها است عبارت از تقویت بنیه علمی کشور است. ما اگر علم نداشته باشیم، اقتصادمان، صنعتمان، حتی مدیریت و مسائل اجتماعی مان عقب خواهد ماند. امروز کسانی که دارند بر دنیا خدایی می کنند، آن دست های مرموزی که امروز اختیار منابع عظیم انسانی و مادی دنیا را در دست گرفته اند و همه اقیانوس ها و همه تنگه های حساس دریایی زیر چشم آن هاست و هر جایی خواهند دخالت می کنند، با ابراز علم بود که توانستند بشریت را به این خاکستر بنشانند؛ لذا برای مقابله با کار آن ها، علم لازم است. اگر بخواهید از لحاظ علمی پیش بروید، باید جرأت نوآوری داشته باشید. استاد و دانشجو باید از قید و زنجیره جزمی گری تعریف های علمی القاء شده و دائمی دانستن آن ها خلاص بشوند.^۲

۶. امروز کسانی که می توانند دانش را در این کشور رشد بدهند، باید احساس وظیفه مضاعف کنند

امروز، یکی از حساسیت های استعمار و استکبار و آمریکا و صهیونیست های طراح فساد در عالم عبارت است از این که نگذارند کشورهای برخوردار از نظام انقلابی، از لحاظ علمی پیشرفت کنند. این حساسیت، نسبت به کشور ما مضاعف است؛ چون حساسیتی که آن ها نسبت به اسلام و انقلاب

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از استادان دانشگاه های سراسر کشور، ۱۳۸۲/۸/۸.
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۹.

۳. علم ابزار قدرت است، خود غربی ها با علم به قدرت رسیدند

یکی از موضوع هایی که نمی گذارند در کشورهای زیر سلطه رشد کند و به شدت مانع آن می شوند، مسئله علم است؛ چون می دانند علم ابزار قدرت است. خود غربی ها با علم به قدرت رسیدند؛ این یکی از پدیده های تاریخ بود. البته علم بین شرق و غرب دست به دست گشته و برای مدتی هم آن ها در جهالت بودند. در همان دوره قرون وسطا، که خودشان توصیف می کنند، در این طرف دنیا وقت شکوفایی علم بوده است؛ اما به معرده ای که آن ها به علم رسیدند، از علم به صورت یک ابزار برای اقتدار و کسب ثروت و گسترش سلطه سیاسی و جذب ثروت ملت ها و تولید ثروت برای خودشان استفاده کردند و از آن ثروت باز تولید علم کردند و علم را بالا بردند و دانش خودشان را رشد دادند. آن ها می دانند که علم چقدر در قدرت بخشیدن به یک ملت و به یک کشور، تاثیر دارد، لذا است که اگر بخواهند نظام سلطه؛ یعنی رابطه سلطه گر و سلطه پذیر باقی بماند و حاکم بر نظم جهانی باشد، باید نگذارند آن بخشی که آن ها مایل اند سلطه پذیر باشند، دارای علم شوند؛ این یک استراتژی است که برو برگرد ندارد و الا ان رفتارشان هم در دنیا بر همین منوال است؛ لذا باید برای کسب علم و تحقیق جهاد کرد؛ باید کار کرد.^۱

۴. معنای نهضت نرم افزاری

چند سالی است که مسئله نهضت نرم افزاری را در محیط علمی کشور مطرح کرده ام. این، یعنی چه؟ یعنی ما نباید به فراگیری قانع باشیم؛ باید هدف تحقیق و آموزش ما تولید علم باشد؛ یعنی رسیدن به جایی که نوآوری های علمی در فضای موجود بشری، از آن جا شروع می شود. ما از لحاظ استعداد نسبت به کسانی که دانش را در دنیا تولید کردند؛ گسترش دادند؛ پیش بردند؛ بر اساس دانش، فن آوری های پیچیده را به وجود آوردند، کمبود نداریم. البته تولید علم به معنایی که ما ترجمه و فراگیری را نمی کنیم؛ نه، آن هم لازم است،

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار هیأت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳/۴/۸.



زور می‌گوید و دنیا هم حروفش را قبول می‌کند! این، به برکت علم است؛ ببینید علم چه قدر مهم است!

طبیعی است که وقتی این را داشت، شما با این که ماده‌ی حیاتی نفت را دارید که او به آن احتیاج دارد، مجبورید محتاج او باشید! او در واقع الان محتاج شما است؛ چرا که اگر نفت شما نباشد، این کارخانه‌ها نمی‌چرخد، این چراغ‌ها روشن نمی‌شود، این هوای سرد، گرم نخواهد شد! همه چیزشان از نفت شما است؛ اما در عین حال شما محتاج آن‌ها باشید، آن‌ها برای شما تکلیف معین می‌کنند، حتی برای نفتتان!! این خاصیت علم است. علم وسیله‌ی اقتدار است. باید علم را به دست آورد؛ چاره‌ای نداریم.^۱

۸. رسیدن به اهداف بزرگ، جز با کسب علم امکان‌پذیر نیست

ما امروز احتیاج داریم روحیه‌ای را که بحمدالله در کشور ما به وجود آمده، حفظ کنیم؛ با مفاهیم اسلامی درست آشنا شویم؛ ارزش‌های اسلامی را پاسداری کنیم و علم را برای ساختن دنیایی که اسلام برای ما تصویر کرده، به کار گیریم. دنیایی را که اسلام برای مسلمانین پیش‌بینی کرده، بدون علم نمی‌شود به دست آورد. آیه «لِنُظهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لِنُكْرِهَ الْمُنْكَرَ كُلَّهُ»^۲ که چند جا در قرآن تکرار شده، یعنی غلبه‌ی فرهنگی بر همه‌ی دنیا و به دست گرفتن زمام هدایت همه مردم عالم و هدایت آن‌ها به سمت نور و معنویت و تکامل الهی. رسیدن به این هدف بزرگ، جز با کسب علم امکان‌پذیر نیست؛ یعنی با جاهل ماندن و بی‌سواد ماندن و درجاءن از لحاظ علمی و همیشه محتاج و نیازمند و، سائل به کف تولیدکنندگان علم بودن، امکان ندارد به آن هدف‌ها رسید؛ بنابراین باید تولید علم کرد.^۳

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با رؤسای دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۷۶/۸/۲۶.

۲. سوره توبه: آیه ۳۳.

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از دانشجویان اتحادیه انجمن‌های اسلامی شرق اروپا، ۱۳۸۱/۵/۱۹.



اسلامی دارند، نسبت به هیچ انقلاب دیگری نداشته و ندارند و نخواهند داشت. البته اگر در آینده، انقلابی غیر اسلامی تحقق پیدا کند، این حساسیت را نخواهند داشت. امروز، کسانی که می‌توانند دانش را در این کشور رشد بدهند، باید احساس و وظیفه‌ی مضاعف کنند؛ چون دشمن نمی‌خواهد بگذارد ما روی پای خودمان بایستیم. روی پای خود ایستادن، آن وقتی تحقق پیدا خواهد کرد که علم از درون خود ما بچوشد و ما دست‌گدایی به سمت دشمنانمان دراز نکنیم. استمدادهای خوب و برجسته، دانش‌آموزان تیزموش و کسانی که می‌توانند برای آینده‌ی کشور مفید باشند، بایستی خیلی احساس وظیفه و مسئولیت کنند.^۱

۷. علم، وسیله‌ی اقتدار در دنیای امروز است، باید علم را به دست آوریم

ما در همه‌ی امور احتیاج داریم که ارتقاء علمی پیدا کنیم؛ باید ارتقاء علمی پیدا کنیم. اگر ما ارتقاء علمی در جامعه پیدا نکرده‌یم، بلاشک فردای کشور دچار مشکلات بزرگی است. بدیهی است آنچه را که دنیای مادی به دست آورده است، به کمک علم به دست آورده است.

علم که دیگر مادی و معنوی ندارد؛ علم، علم است. علم، معرفت است؛ علم، عزیز و شریف است، گوهر است. علم آن چیزی است که انسان باید دنبال آن باشد؛ چشم باز انسان در حرکت است. همه جا باید دنبالش برویم. شما ملاحظه می‌کنید و می‌بینید که دیگران رفتند!

اگر کسی تاریخ اروپا را خوانده باشد، شک نمی‌کند که در ذات اروپایی‌ها خشونت است! با این ظاهر اتو کشیده و کراوات بسته و ادکلن زده، یک باطن بسیار خشن و سختی در آن‌ها وجود دارد که در ادبیاتشان و در فرهنگ آن‌ها آشکار می‌شود! برای کسی که آن‌ها را ترفته و از نزدیک ندیده است، روشن نیست؛ ولی کسانی که رفته‌اند، دیده‌اند! آن‌ها داستان‌ها دارند و انسان می‌فهمد که چه هست! ملتی با این خصوصیات، امروز دارد به همه‌ی دنیا حرف می‌زند و

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمع کثیری از دانشگاهیان و طلاب حوزه‌های علمیه، ۱۳۶۸/۹/۲۹.

۹. باید تولید علم در دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور، به صورت

امری مقدس و عبادت تلقی شود

تولید علم یعنی رفتن از راه‌هایی که به نظر، راه‌های نارفته‌ای است. البته این به آن معنا نیست که ما راه‌هایی را که دیگران رفته‌اند، نرویم و به تجربه‌های دیگران بی‌اعتنایی کنیم؛ بلکه به این معنا است که به فکر باشیم. در این دنیای عظیم و در این طبیعت بزرگ، ناشناخته‌های فراوانی وجود دارد که دانش پیشرفته امروز هنوز به آن‌ها دست نیافته است. ناشناخته‌ها بسیار فراوان است و به گمان زیاد به مراتب بیشتر از چیزهایی است که بشر تاکنون به آن‌ها دست یافته است. باید دقت کنیم، فکر کنیم و به دنبال کشف ناشناخته‌ها باشیم. باید همان استعدادی را که گفته شد و بنده هم می‌دانم مغز و فکر ایرانی آن را دارد، به کار بیندازیم. راه‌های میان‌بر را پیدا کنیم و از بدعت و نوآوری در وادی علم، پیمناک نباشیم. این حرکت باید در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی ما به صورت انگیزه‌ای عام، امری مقدس و یک عبادت تلقی شود. همه رشته‌های علوم باید به این صورت دریابند. ما باید این جرأت را داشته باشیم که فکر کنیم می‌توانیم نوآوری کنیم.^۱

۱۰. دانشگاه‌ها باید به صورت عملی، به علم اهمیت بدهند

دانشگاه‌ها باید به علم اهمیت بدهند. اهمیت دادن، فقط یک امر قلبی نیست؛ عمل لازم دارد. این عمل، مقدمات و برنامه‌ریزی و اهتمام شدید لازم دارد. مایه گذاشتن از وقت و امکانات دانشگاه برای هر کار غیر علمی، به‌طور طبیعی از این اهتمام علمی خواهد کاست. حالا یک وقت آن کار، لازم و در حد ضرورت است، مانعی ندارد؛ اما افراط در آن کارها، به گرایش علمی و حرکت علمی و سازندگی و به دنبالش بالندگی علمی که ما به آن نیاز داریم، لطمه خواهد زد.^۲

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اساتید دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۲/۲۲.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳/۸/۱۷.

۱۱. نواندیشی و نوآوری علمی در تمام رشته‌ها، یکی از وظایف مهم

دانشگاه‌ها است

یکی از وظایف مهم دانشگاه‌ها عبارت است از نواندیشی علمی. مسئله تبحر، فقط بالای محیط‌های دینی و افکار دینی نیست؛ در همه محیط‌ها، تبحر، ایستایی و پابند بودن به چیزی گرایه‌هایی که بر انسان تحمیل شده بدون این که منطق درستی به دنبالش باشد یک بلاست. آنچه برای یک محیط علمی و دانشگاهی وظیفه آرماتی محسوب می‌شود، این است که در زمینه مسائل علمی، نواندیش باشد؛ معنای واقعی تولید علم این است. تولید علم، فقط انتقال علم نیست؛ نوآوری علمی در درجه اول اهمیت است. این را من از این جهت می‌گویم که باید یک فرهنگ بشود. این نواندیشی، فقط مخصوص اساتید نیست؛ مخاطب آن، دانشجویان و کل محیط علمی هم هست.

البته برای این نوآوری علمی که در فرهنگ معارف اسلامی از آن به اجتهاد تعبیر می‌شود دو چیز لازم است: یکی قدرت علمی، و دیگری جرأت علمی. البته قدرت علمی چیز مهمی است؛ و هوش وافر، ذخیره علمی لازم، مجاهدت فراوان برای فراگیری، چیزهایی است که برای به دست آمدن قدرت علمی، لازم است؛ اما این کافی نیست. ای بسا کسانی که از قدرت علمی هم برخوردارند، اما ذخیره انباشته علمی آن‌ها هیچ جا کاربرد ندارد؛ کاروان علم را جلو نمی‌برد و یک ملت را از لحاظ علمی به اعتلاء نمی‌رساند؛ بنابراین جرأت علمی لازم است.

البته وقتی از علم صحبت می‌شود، ممکن است در درجه اول، علوم مربوط به مسائل صنعتی و فنی به نظر بیاید... اما من به طور کلی و مطلق این را عرض می‌کنم: علوم انسانی، علوم اجتماعی، علوم سیاسی، علوم اقتصادی و مسائل گوناگونی که برای اداره یک جامعه و یک کشور به صورت علمی لازم است، نوآوری و نواندیشی علمی یعنی اجتهاد احتیاج دارد. آن چیزی که در فضای علمی ما مشاهده می‌شود که به نظر من یکی از عیوب بزرگ محسوب می‌گردد این



است که ده‌ها سال است که ما متون فرنگی و خارجی را تکرار می‌کنیم، می‌خوانیم، حفظ می‌کنیم و بر اساس تعلیم و تعلم می‌کنیم؛ اما در خودمان قدرت سؤال و ایجاد خدشه نمی‌یابیم. باید متون علمی را خواند و دانش را از هر کسی فرا گرفت؛ اما علم باید در روند تعالی خود، با روح‌های قوی و استوار و کارآمدی که جرأت پیشبرد علم را داشته باشند، همراه بشود تا بتواند پیش برود؛ انقلاب‌های علمی در دنیا این‌گونه به وجود آمده است.^۱

۱۲. دانشگاه باید بتواند یک جنبش نرم‌افزاری همه‌جانبه در اختیار

کشور قرار دهد

باید منزه‌های متفکر استاد و دانشجوی ما بسیاری از مفاهیم حقوقی، اجتماعی و سیاسی را که شکل و قالب غربی آن‌ها در نظر بعضی مثل وحی منزل است و نمی‌شود درباره‌اش اندک تشکیکی کرد، در کارگاه‌های تحقیقاتی عظیم علوم مختلف حل‌جی کنند؛ روی آن‌ها سؤال بگذارند؛ این جزمیت‌ها را بشکندند و راه‌های تازه‌ای پیدا کنند؛ هم خودشان استفاده کنند، هم به بشریت پیشنهاد کنند؛ امروز کشور ما محتاج این است؛ امروز انتظار کشور ما از دانشگاه این است. دانشگاه باید بتواند یک جنبش نرم‌افزاری همه‌جانبه و عمیق در اختیار این کشور و این ملت بگذارد تا آن کسانی که اهل کار و تلاش هستند، با پیشنهادها و با قالب‌ها و نوآوری‌های علمی خودی بتوانند بنای حقیقی یک جامعه آباد و عادلانه مبتنی بر تفکرات و ارزش‌های اسلامی را بالا ببرند؛ امروز کشور ما از دانشگاه این را می‌خواهد.^۲

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۹.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۹.

۱۳. نسل دانش‌پژوه کشور بدانند اگر امروز برتری علمی با غربی‌ها

است یا همت و اراده می‌شود کاری کرد که فردا از آن ما باشد

ما دویست سال از علم دنیا عقب مانده‌ایم؛ اما معنای رسیدن به مرزهای دانش این نیست که راهی را که اروپایی‌ها در طول دویست سال رفته‌اند، ما هم همان راه را در طول دویست سال برویم؛ بعد به آن جایی که امروز رسیده‌اند، برسیم؛ نه، این حرف‌ها نیست؛ ما راه‌های میانبر پیدا می‌کنیم. ما علم را از دست اروپایی‌ها می‌قاییم. ما از یاد گرفتن تنگ‌مان نمی‌کنیم. اسلام می‌گوید قوام دنیا به چند گروه است؛ یکی از آن‌ها کسانی هستند که وقتی نمی‌دانند، در صدد یاد گرفتن باشند؛ از یاد گرفتن ننگشان نکند. ما دانش‌هایی را که امروز فرآورده ذهن و مغز و عقل بشر است، یاد می‌گیریم؛ آنچه را که بلد نیستیم، با کمال میل می‌آموزیم و به استادمان هم احترام می‌کنیم. به کسی که به ما علم بیاموزد، بی‌احترامی نمی‌کنیم؛ اما گرفتن علم از دیگری نباید به معنای این باشد که شاگرد باید تا ابد شاگرد بماند؛ نه، امروز شاگردیم، فردا می‌شویم استاد آن‌ها؛ کما این که آن‌ها یک روز شاگرد ما بودند، اما الان شده‌اند استاد ما.

غربی‌ها علم را از ما یاد گرفتند. شما به کتاب پیر ورسو - «تاریخ علوم» - نگاه کنید؛ آن‌جا می‌گوید: چهار پنج قرن قبل تاجری در یکی از کشورهای اروپایی به استادی مراجعه می‌کند و می‌گوید می‌خواهم فرزندم درس بخواند؛ او را به کدام مدرسه بفرستم؟ استاد در جواب می‌گوید اگر به همین چهار عمل اصلی - جمع و ضرب و تفریق و تقسیم - قانع هستی، می‌توانی او را به هر کدام از مدارس کشور ما یا دیگر کشورهای اروپایی بفرستی؛ اما اگر بالاتر از آن را لازم داری، باید او را به کشور اندلس یا به مناطق مسلمان‌نشین بفرستی. این را پیر ورسو می‌نویسد؛ این حرف من نیست. جنگ‌های صلیبی به آن‌ها کمک کرد تا از ما بیاموزند. هجرت دانشمندان آن‌ها به این مناطق، کمک کرد تا از ما آن‌ها، کمک کرد تا از ما بیاموزند. یک روز آن‌ها از ما یاد گرفتند و شاگرد ما بودند، بعد شدند استاد ما؛ الان هم ما از آن‌ها یاد می‌گیریم و شاگرد آن‌ها



می‌شویم و بعد می‌شویم استاد آن‌ها. پس نسل دانش‌پژوه و محقق و پژوهنده کشور ما بداند؛ امروز اگر برتری علمی با غربی‌ها است، در آینده نه چندان دوری با همت و اراده شما می‌توان کاری کرد که فردا آن‌ها از شما یاد بگیرند.^۱

۱۴. ما می‌توانیم در فضای معرفت علمی، کارهایی بکنیم که هنوز در دنیا نو باشند

جنبش نرم‌افزاری، یعنی در معرفت علمی ننشیدید دست خود را دراز کنید تا دیگران بکارند و میوه‌چینی کنند و هر مقدار از میوه را که لازم نداشتند، بیاورند در دست شما بگذارند. برو بکار، برو آبیاری کن، برو روی بنایی که دیگران ساخته‌اند، بنا بساز؛ این هدف ما بود. عده‌ای می‌گفتند ما نمی‌فهمیم! الان هم از گوشه و کنار شنیده‌ام که عده‌ای سخنان یاس آفرین می‌زنند. مگر ما می‌توانیم؟ بله، می‌توانیم. ما در میدان‌های گوناگون و در فضای معرفت علمی امروز دنیا می‌توانیم کارهایی بکنیم که هنوز در دنیا نو باشند؛ این در همه زمینه‌ها کاملاً امکان‌پذیر است.^۲

۱۵. وقتی علم بومی نشود و کشور گرفتار عقب ماندگی علمی گردد، پیروی از فرهنگ بیگانه و تبعیت اجباری از سیاست‌های آن‌ها نیز حتمی است

وقتی در جامعه‌ای علم محترم شمرده می‌شود که استعداد و سرچشمه درونی عناصر انسانی کشور جوشان شود و علم بومی گردد. سرمایه‌گذاری برای علم، باید با این هدف باشد؛ و الا این که دیگران فرآورده‌های علمی داشته باشند و فرمول‌ها و کلماتی را به ما بیاموزند و ما بدون این که هیچ عمقی از آن به دست بیاوریم، آن کلمات را یاد بگیریم، به پیشرفت هیچ کشوری کمک

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جوانان، اساتید، معلمان و دانشجویان دانشگاه‌های همدان، ۱۳۸۳/۴/۱۷.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷.

نمی‌کند؛ نه ما و نه هیچ کشور دیگری. در گذشته سرچشمه علم در این کشور خشک شده بود. از طرق مختلف این کار صورت می‌گرفت؛ یکی این بود که در مقابل هیمنه پیشرفت دانش غربی، این تصور در کشور ما غلیظ شد و مورد تأکید قرار گرفت که ایرانی قادر نیست، ایرانی نمی‌تواند، ایرانی استعداد لازم را برای پیشرفت علمی و صنعتی ندارد. امروز این حرف به گوش شما بیگانه و ناآشناست؛ اما بدانید که در یک دوره طولانی، این فکر در کشور تولید و ترویج شد؛ گفتند ایرانی به درد ادبیات می‌خورد - ادبیات بزم و گل و بلبل و اینطور چیزها - آن‌ها هم ادبیات به معنای شعر؛ و الا تحقیقات ادبی را هم باز باید اروپایی‌ها و مستشرقین اروپایی می‌آوردند. ایرانی به درد کارهای جدی و اساسی نمی‌خورد. نتیجه فقر علمی، فقر صنعتی شد. نتیجه فقر صنعتی، خرج کردن همه سرمایه‌ها برای رسیدن به سطح زندگی معمولی متعارف دنیایی شد؛ یعنی وارد کردن، صنعت موتاز، دائم دنبال دیگران دوییدن، نفت و همه سرمایه‌های داخلی را تقدیم کردند. نتیجه دیگرش این بود که خیلی از استعدادهای طبیعی - غیر از استعدادهای انسانی - در کشور ما متوقف ماند. وقتی مردمی دانشمند نبودند، اهل صنعت نبودند و فناوری و علم نداشتند، از بسیاری از ثروتهای موجود طبیعی خودشان هم غافل می‌مانند. سال‌های متمادی می‌گذاشت؛ نفت در این کشور بود، اما کسی نبود که بداند این نفت چیست و به چه درد می‌خورد؛ دیگری که پیشرفت کرده بودند، این ماده را می‌شناختند و کاربرد آن را می‌دانستند؛ لذا آن‌ها آمدند آن را کشف و استخراج کردند؛ صاحب آن شدند و به سود خودشان تصرف کردند؛ هم در کشور ما و هم در اغلب کشورهای نفت خیز دنیا. همه این‌ها دنباله عقب‌ماندگی علمی است. وقتی علم نباشد، صنعت نیست. وقتی صنعت نباشد، بسیاری از ثروت‌های جامعه کشف نمی‌شود. وقتی صنعت نباشد، همه موجودی برای به دست آوردن صنعت روز خرج می‌شود؛ دنباله‌روی از بیگانه و گرفتن ناگزیر فرهنگ بیگانه و تبعیت ناگزیر از سیاست‌های بیگانه هم به دنبالش پدید می‌آید. همه این‌ها ناشی از بی‌علمی است. بنابراین علم باید در کشور ترویج شود. یکی از کارهای مهم



انقلاب همین بود؛ علم را در داخل کشور ترویج کرد.^۱

۱۶. ملتی که بتواند در علم، نوآفرینی کند، در دنیا احساس عزت و اعتماد به نفس و غرور می‌کند

علم همچنان که در یک فرد عزت نفس و اعتماد به نفس می‌آفریند، در یک ملت هم عیناً همین کار را می‌کند. شما ببینید یک انسان عالم که برای خودش جایگاهی در معرفت علمی قائل است، در مقابل هر قدرت پولی و سیاسی قرار بگیرد، در ظاهر ممکن است الزاماتی او را مجبور به کرنش‌ها و کوتاه آمدن‌هایی بکند؛ اما در دل خود برای خودش عزت قائل است. موجودی خودش را با تهیدستی طرف مقابلش مقایسه می‌کند، لذا احساس عزت و احساس اعتماد به نفس و احساس غرور می‌کند. یک ملت هم عیناً همین طور است.

ملتی که از علم و دانش برخوردار بود، فتوحات علمی داشت و توانست در دنیا در علم نوآفرینی کند، به‌طور طبیعی دارای اعتماد به نفس و عزت نفس خواهد بود. اگر این عزت نفس و این اعتماد به نفس در ملتی پدید آمد، بسیاری از مشکلات او حل خواهد شد؛ کارهای بزرگ می‌کند، خطرپذیری‌ها می‌کند، در میدان‌های دشوار قدم می‌گذارد و کوه‌ها را از جا می‌کند. کلید این کارها علم است. ما باید علم را در کشور احیا کنیم؛ این، نقطه اصلی مسئله است.

علم، فقط علم مادی نیست؛ علوم انسانی هم مقوله بسیار مهمی است که ان‌شاءالله اگر در خلال صحبت یادم بود، عرض خواهم کرد. در همه رشته‌های علوم، ما باید به معنای حقیقی کلمه، احساس عزت نفس، احساس مولد علم بودن و فتوحات علمی ایجاد کردن را در خود به عنوان یک ملت و یک جامعه علمی به وجود بیاوریم. این کار کیست؟ یکی از مهم‌ترین ارکانش دانشگاه‌هاست.^۲

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با دانشجویان در ماه مبارک رمضان، ۱۳۸۳/۸/۱۰.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳/۸/۱۷.

۱۷. نگاه مبتکرانه و سازنده به مسئله تولید علم داشته باشید

باید اهل علم در محیط دانشگاه به تولید علم، به نگاه مبتکرانه و سازنده در زمینه علم به همان چیزی که بنده از آن به نهضت نرم‌افزاری در محیط علمی تعبیر کردم بپردازند؛ ما نیاز به این موضوع داریم. البته دستگاه‌های دولتی بزرگ‌ترین مسئولیت را دارند.^۱

۱۸. در تمام زمینه‌ها و به خصوص در زمینه علوم انسانی به تولید علم نیاز داریم

مسئله تولید علم فقط مربوط به علوم پایه، تجربی و... نیست، بلکه شامل همه علوم و از جمله علوم انسانی است. ما به خصوص در زمینه علوم انسانی، برخلاف آنچه انتظار می‌رفت و توقع بود، حرکت متناسب و خوبی نکرده‌ایم، بلکه مفاهیم گوناگون مربوط به این علم - حالا چه در زمینه اقتصاد و چه در زمینه جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و سیاست - رابه شکل وحی منزل از مراکز و خاستگاه‌های غربی گرفته‌ایم و به صورت فرمول‌های تغییر نکردنی در ذهنمان جا داده‌ایم و بر اساس آن می‌خواهیم عمل و برنامه خودمان را تنظیم کنیم! گاهی که این فرمول‌ها جواب نمی‌دهد و خراب در می‌آید، خودمان را ملالت می‌کنیم که ما درست به کار نگرفته‌ایم! در حالی که این روش، روش غلطی است. ما در زمینه علوم انسانی احتیاج به تحقیق و نوآوری داریم که به معنای حقیقی کلمه مواد و مفاهیم اساسی که بر اساس آن می‌توان حقوق، اقتصاد، سیاست و سایر بخش‌های اساسی علوم انسانی را شکل داد و تولید و فراوری کرد، در فرهنگ عریق و عمیق اسلامی ما وجود دارد که باید از آن استفاده کنیم.^۲

۱۹. نگاه است که ما آن تحلیل و درک و فهم خود استفاده نکنیم

این که یکی از شعارهایی که بنده در این چند سال تکرار می‌کنم که نباید

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اساتید دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۸۱/۸/۲۲.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از استادان دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۸۲/۸/۸.





به‌طور دائم در عرصه تجربه و ترجمه؛ علم ترجمه‌ای، حتی فکر ترجمه‌ای، ایده و مکتب و ایدئولوژی و اقتصاد و سیاست ترجمه‌ای بهائیم، به خاطر این است که این ننگ است برای انسان که از خرد، سنجش، تحلیل و درک و فهم خود استفاده نکند و چشم را روی هم بگذارد و مرعوب موج تبلیغاتی شود که بر او تحمیل می‌کنند؛ تا سختی را بپذیرد.^۱

۲۰. وجود استعدادها، اندیشمندان و استادان در داخل کشور وسیله ترمیم کمبودهای علمی کشور است

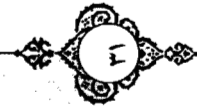
ما از لحاظ علمی از دنیا عقیم، آیاراهی برای این که این فاصله را بپیماییم، وجود ندارد؟ اعتقاد راسخ بنده این است که چرا، ما می‌توانیم از راه‌های میانبر استفاده کنیم، می‌توانیم این فاصله‌ای را که با یک نگاه سطحی به نظر می‌رسد که هرگز قابل پُر شدن نیست - چون آن کسی که با فاصله زیاد در جلو حرکت می‌کند و با ابزارهایی که روز به روز پیشرفته‌تر می‌شود، حرکتش سرعت هم پیدا می‌کند، مرتب فاصله‌اش بیشتر می‌شود - ترمیم کنیم. بنده اعتقاد راسخ دارم که می‌توان تصور کرد که این فاصله پیموده شود و کمبود علمی حالا در کشور ما و کشورهای مشابه ما و شکاف و زخمی که به وجود آمده، ترمیم شود.

آنچه ما را تشجیع می‌کند که این فکر را دنبال کنیم، وجود استعدادها در داخل کشور است. اما دوستان! استعداد به تنهایی کافی نیست. تأکید بنده این است: استعداد شرط لازم است، نه شرط کافی. در کنار استعداد، تلاش و مجاهدت عالمان، اندیشمندان و استادان هم لازم است.^۲

۲۱. هیچ وقت به قدر امروز در این کشور برای انسان فرزانه مستعد، امکان رشد وجود نداشته است

در تاریخ کشور ما - اقلاً در این هفت، هشت، ده قرن [اخیر] - برای جوان

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار استادان و دانشجویان قزوین، ۱۳۸۲/۹/۲۶.
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اساتید دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۸۱/۸/۲۲.



هوشمند و فرزانه، هیچ فرصتی مثل امروز وجود نداشته است. اگر از حدود دوره حمله مغول به این طرف، مروی در تاریخ بکنید (که البته باید تاریخ را یاد بگیرید؛ چون چیز مهمی است. اگر بخواهید وضع و موقع امروز را درست تشخیص بدهید و بفهمید که در کجا قرار گرفته‌اید، باید تاریخ را بدانید. تسلط به تاریخ، چیز خیلی مفیدی است)، خواهید فهمید که در تمام این دوران هفتصد، هشتصد سال، از قبل از حمله مغول تا حالا هیچ وقت نبوده که به قدر امروز در این کشور، برای انسان فرزانه مستعد، امکان رشد وجود داشته باشد.^۱

۲۲. شوق فراگیری علم از دشمن، غیر از وابستگی است

وابستگی را نباید با شوق به فراگیری علم که هرجا انسان آن را بیابد، دنبال آن خواهد رفت اشتباه کرد. گاهی علم در دست دشمن ما است؛ پیش دشمن می‌رویم، زانو می‌زنیم و از او علم را فرامی‌گیریم؛ این اشکالی ندارد. ارزش علم فراتر از این است که انسان به خاطر آن، حتی سراغ کسی که با او مخالف است، نرود. این یک بحث است؛ تحت تأثیر آن دشمن قرار گرفتن از غیر جنبه علم یعنی جنبه سیاست، فرهنگ و چیزهای دیگر یک بحث دیگر است. آنچه که برای ما درست کردند، این دومی است. آنچه که برای به اصطلاح رایج جهان سوم خواستند و برنامه‌ریزی کردند، این دومی است. اتفاقاً کاری کردند که اولی انجام نگیرد. این معضل بزرگ فرار مغزها که الان ده‌ها سال است در جهان عقب‌افتاده کنونی مطرح است، بخشی از همین قضیه است. این‌ها زیاده‌ها و خوب‌ها را می‌بایند و می‌برند و اجازه نمی‌دهند حتی آن‌هایی که یاد می‌گیرند و استعداد دارند، برای آن کشورها به کار بیفتند. بنابراین، این مسئله دوم، اگر نگوییم که بیشتر از مسئله اول در دانشگاه‌ها اهمیت دارد، حداقل به قدر مسئله اول اهمیت دارد.^۲

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمع کثیری از طلاب حوزه‌های علمیه و دانشجویان دانشگاه‌ها، ۱۳۶۹/۹/۲۸.
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۰/۹/۲۰.

۲۳. گرفتار شدن به تفکر و ذائقه ترجمه‌ای از مصادیق تهاجم فرهنگی

و مصیبتی بزرگ است

تهاجم فرهنگی، مخصوص برخی از پدیده‌های ظاهری و سطحی نیست؛ مسئله این است که یک مجموعه فرهنگی در دنیا با تکیه به نفت، حق و تو، سلاح میکربی و شیمیایی، بمب اتمی و قدرت سیاسی می‌خواهد همه باورها و چارچوب‌های مورد پسند خودش برای ملت‌ها و کشورهای دیگر را به آن‌ها تحمیل کند؛ این است که یک کشور گاهی به تفکر و ذائقه ترجمه‌ای دچار می‌شود؛ فکر هم که می‌کند، ترجمه‌ای فکر می‌کند و فرآورده‌های فکری دیگران را می‌گیرد؛ البته نه فرآورده‌های دست اول؛ فرآورده‌های دست دوم، نسخ شده، دستمالی شده و از میدان خارج شده‌ای را که آن‌ها برای یک کشور و یک ملت لازم می‌دانند و از راه تبلیغاتی به آن ملت تزریق می‌کنند و به عنوان فکر نو با آن ملت در میان می‌گذارند. این برای یک ملت از هر مصیبتی بزرگ‌تر و سخت‌تر است.^۱

۲۴. برتری علمی غرب را به هیچ وجه به معنای برتری فرهنگ غرب

ندانید

گرفتن علم از دیگران، با گرفتن فرهنگ دیگران اشتباه نشود. این مغالطه بزرگی است که کسی بگوید علم غربی‌ها خوب است، پس فرهنگ و سیستم زندگی و اخلاقتان هم خوب است؛ نه، این‌ها با هم ملازمه‌ای ندارد. علمشان خوب است؛ اما این علم، پروریده و ساخته این فرهنگ نیست؛ حتی این فرهنگ دارد به این علم ضرر هم می‌زند. علم، مولدها و عناصر به وجود آورنده خاص خود را دارد؛ باید آن‌ها را پیدا کرد. فرهنگ بی‌بندوباری، بی‌دینی، خودپرستی، گرایش به پول و ماده و اصیل دانستن مادپرستی و ارزش‌های مادی، فرهنگ‌های غلطی است که امروز غرب دچار این‌هاست.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۹.

اگر آن مردم، پارسا و صالح و نیکوکار و کم اعتنا به زخارف دنیا بودند، این دانش برای دنیا مفید می‌شد؛ همچنان که در دوره شکوفایی اسلامی در قرن چهارم و پنجم و ششم هجری، برجستگان علمی‌یی به وجود آمدند و دانش را به اوج قله آن روز رساندند و به هیچ وجه فرهنگی که امروز در غرب رایج است - فرهنگ بی‌بندوباری و بی‌دینی و امثال این‌ها - بر آن‌ها حاکم نبود؛ مثل ابن سینا، محمدبن زکریای رازی‌ها، خوارزمی‌ها و دیگران. این‌ها در فرهنگ مثل فرهنگ غرب رشد نکردند؛ همچنان که دانشمندان بزرگ غرب و کسانی که دانش غرب را پایه‌گذاری کردند، هرگز در چنین فرهنگی رشد نکردند. بنابراین پیشروی و برتری علمی غرب را به هیچ وجه به معنای برتری فرهنگ غرب ندانید.^۱

۲۵. تهاجم فرهنگی حقیقی این است که در طول سال‌های متمادی به

مغز ایرانی تزریق کردند که تو نمی‌توانی

من که می‌گویم تهاجم فرهنگی، عده‌ای خیال می‌کنند مراد من این است که مثلاً پسری موهایش را تا این جا بلند کند. خیال می‌کنند بنده با موی بلند تا این جا مخالفم. مسئله تهاجم فرهنگی این نیست، البته بی‌بندوباری و فساد هم یکی از شاخه‌های تهاجم فرهنگی است؛ اما تهاجم فرهنگی بزرگ‌تر این است که این‌ها در طول سال‌های متمادی به مغز ایرانی و باور ایرانی تزریق کردند که تو نمی‌توانی؛ باید دنباله‌رو غرب و اروپا باشی. نمی‌گذارند خودمان را باور کنیم.

الان شما اگر در علوم انسانی، در علوم طبیعی، در فیزیک و در ریاضی و غیره یک نظریه علمی داشته باشید، چنانچه برخلاف نظریات رایج و نوشته شده دنیا باشد، عده‌ای می‌ایستند و می‌گویند حرف شما در اقتصاد، مخالف با نظریه فلائی است؛ حرف شما در روان‌شناسی، مخالف با نظریه فلائی است. یعنی آن‌طوری که مؤمنین نسبت به قرآن و کلام خدا و وحی الهی اعتقاد دارند،

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از برگزیدگان سپاه‌های جهانی و کشوری و افراد ممتاز آزمون‌های سراسری سال ۸۰ و ۸۱-۳۰۳/۷/۰۷/۱۳۸۱.



این‌ها به نظرات فلاّن دانشمند اروپایی همان اندازه یا بیشتر اعتقاد دارند! جالب این‌جا است که آن نظریات کهنه و منسوخ می‌شود و جایش نظریات جدیدی می‌آید؛ اما این‌ها همان نظریات پنجاه سال پیش را به عنوان یک متن مقدس و یک دین در دست می‌گیرند!

ده‌ها سال است که نظریات پوپر در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی کهنه و منسوخ شده و ده‌ها کتاب علیه نظریات او در اروپا نوشته‌اند؛ اما در سال‌های اخیر آدم‌هایی پیدا شدند که با ادعای فهم فلسفی، شروع کردند به ترویج نظریات پوپر! سال‌های متعددی است که نظریات حاکم بر مراکز اقتصادی دنیا منسوخ شده و حرف‌های جدیدی به بازار آمده است؛ اما عده‌ای هنوز وقتی می‌خواهند طراحی اقتصادی بکنند، به آن نظریات کهنه قدیمی نگاه می‌کنند! این‌ها دو عیب دارند: یکی این که مقلدند، دوم این که از تحولات جدید بی‌خبرند؛ همان متن خارجی را که برای آن‌ها تدریس کرده‌اند، مثل یک کتاب مقدس در سینه خود نگه داشته‌اند و امروز به جوان‌های ما می‌دهند. کشور ما مهد فلسفه است، اما برای فهم فلسفه به دیگران مراجعه می‌کنند!^۱

۲۶. علم می‌تواند در خدمت ارزش‌های معنوی قرار گیرد، می‌تواند در

خدمت حیوانیت و درندگی

در دنیا برای این که ثابت کنند که علم، ذات سکولار دارد و دانش با ارزش‌ها کاری ندارد، خیلی سعی شد و برایش فلسفه درست کردند؛ استدلال کردند و بحث کردند برای این که مفهوم دانش را یک مفهوم مجرد از ارزش‌ها معرفی کنند....

علم و عقل، ابزار دو جنبه‌ای است؛ می‌تواند در خدمت ارزش‌ها قرار بگیرد، می‌تواند در خدمت حیوانیت و سبّغیت قرار بگیرد. بستگی به این دارد که مدیریت علم با چه کسی است. اگر مدیریت علم به دست انسان‌های دنیا طلب

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جوانان، اساتید، معلمان و دانشجویان دانشگاه‌های استان همدان، ۱۳۸۳/۴/۱۷.

و قدرت‌طلب و زراندوز و سلطه‌طلب بود، همین می‌شود که امروز شما در دنیا مشاهده می‌کنید؛ یعنی علم، ابزاری برای استثمار، استثمار، تحقیر ملت‌ها، اشغالگری و برای ترویج فحشا، سکس و هروئین خواهد شد. اگر علم نبود، استثمار هم نبود. اروپایی‌ها به برکت علمشان توانستند در دنیا راه بیفتند و ملت‌ها را زیر سلطه‌ی استثمار بگیرند....

اگر مدیریت علم دست انسان‌های صالح باشد، این مسائل پیش نمی‌آید و علم در خدمت بشریت قرار خواهد گرفت؛ چون این ظرفیت را دارد و می‌تواند اینطور باشد. بنابراین، این که ما بیایم علم را سکولاریزه کنیم؛ ثابت کنیم که علم نمی‌تواند با ارزش همراه باشد، یک مغالطه بسیار بزرگ و فریب بزرگ برای ذهن انسان‌هاست؛ نخیر، علم می‌تواند با ارزش همراه باشد. معنویت اسلامی با حیوانیت، با فساد و با سوءاستفاده از علم مشکل دارد، نه با دانش و فناوری و تحقیق. می‌تواند معنویت همراه با علم باشد و می‌تواند نتایج دانش و پژوهش در جهت معنویت حرکت کند.^۱

۲۷. توصیه‌ای به دانشجویان مشغول به تحصیل در خارج از کشور

چیزی که من به همه دانشجویان هجرت کرده برای تحصیل به خارج از کشور، همیشه توصیه کرده‌ام، این است که هرچه می‌توانید، برای خود ذخیره علمی فراهم کنید و از دیگران بیاموزید. وقتی انسان چیزی را احتیاج دارد، باید شاگردی کند تا آن را یاد بگیرد؛ لیکن مهم این است که یک ملت و نسل جوان دانشجو بداند که همیشه نباید شاگرد ماند و دست نیاز برای تولید علمی دیگران دراز کرد؛ باید تولید علم کرد.^۲

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار هیأت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳/۴/۱.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از دانشجویان اتحادیه انجمن‌های اسلامی شرق اروپا، ۱۳۸۱/۵/۱۹.





۲۸. مسئله تحقیق و تولید علم، مدیریت سازمان یافته لازم دارد
 مادر دوران قبل از انقلاب سال‌های متمادی از علم دور ماندیم. یک دوره، دوره خواب و غفلت مطلق بود؛ یک دوره هم که بیداری و آگاهی به‌طور طبیعی در بین ملت‌ها به وجود آمد، دوره فریب بود. نمی‌گذاشتند علم به معنای واقعی کلمه وارد کشور شود؛ سرگرم می‌کردند و راه تحقیق را باز نمی‌کردند؛ استعمادهای را پرورش نمی‌دادند و تشویق نمی‌کردند. انقلاب آمد این دیوارها و این مرزها و این محدودیت‌ها را برداشت و خود آگاهی علمی به وجود آمد؛ اما این حرکت بدون مدیریت، بدون حرکت و بدون عزم و اراده به جایی نخواست رسید. همه کارها، از جمله مسئله تحقیق و علم، مدیریت سازمان یافته لازم دارد؛ لذا بایستی این کار را پیش بُرد.^۱

۲۹. تولید علم مسئله فردی نیست یک مطالبه عمومی است

ما از تک تک دانشجویان توقع نداریم تولید علم کنند. اصلاً این مسئله به این صورت، مسئله فردی نیست، شاید هم همه توانایی تولید علم را ندارند؛ باید این به عنوان یک مطالبه عمومی دریابید و سنت کار در دانشگاه بشود، که هم‌اشار فقط به فکر یادگرفتن آنچه دیگران به دست آورده‌اند، نباشیم، بلکه افزودن بر ذخیره به دست آمده به وسیله دیگران را هم وجهه همت قرار دهیم.^۲

۳۰. یکی از استراتژی‌های نظام سلطه این است که نگذارند کشورهای

تحت سلطه، دارای علم شوند

یکی از موضوع‌هایی که نمی‌گذارند در کشورهای زیر سلطه رشد کند و به شدت مانع آن می‌شوند، مسئله علم است؛ چون می‌دانند علم ابزار قدرت است. خود غربی‌ها با علم به قدرت رسیدند؛ این یکی از پدیده‌های تاریخ بود. البته

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار هیأت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲/۴/۱.
 ۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۲/۲۲.

علم بین شرق و غرب دست به دست گشته و برای مدتی هم آن‌ها در جهالت بودند. در همان دوره قرون وسطا، که خودشان توصیف می‌کنند، در این طرف دنیا وقت شکوفایی علم بوده است؛ اما به مجردی که آن‌ها به علم رسیدند، از علم به صورت یک ابزار برای اقتدار و کسب ثروت و گسترش سلطه سیاسی و جذب ثروت ملت‌ها و تولید ثروت برای خودشان استفاده کردند و از آن ثروت باز تولید علم کردند و علم را بالا بردند و دانش خودشان را رشد دادند.
 آن‌ها می‌دانند که علم چقدر در قدرت بخشیدن به یک ملت و به یک کشور، تأثیر دارد، لذا است که اگر بخواهند نظام سلطه؛ یعنی رابطه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر باقی بماند و حاکم بر نظم جهانی باشد، باید نگذارند آن بخشی که آن‌ها مایل‌اند سلطه‌پذیر باشند، دارای علم شوند؛ این یک استراتژی است که برو برگرد ندارد و الان رفتارشان هم در دنیا بر همین منوال است؛ لذا باید برای کسب علم و تحقیق جهاد کرد؛ باید کار کرد.^۱

۳۱. ما دنبال فناوری هسته‌ای هستیم نه تولید بمب هسته‌ای

بین فناوری هسته‌ای و سلاح هسته‌ای، خلط مبحث می‌شود و حقیقت قضیه غیر از این‌هاست، در حالی که این در ربطی به همدیگر ندارند و دو چیز هستند. سلاح هسته‌ای بر غنای بالای نود درصد اورانیوم و با تکنولوژی پیچیده متوقف است و کسی دنبالش خواهد رفت که انگیزه‌اش را داشته باشد. ما انگیزه‌اش را نداریم، دنبالش هم نرفته‌ایم و نمی‌خواهیم برویم؛ ما احتیاجی به بمب هسته‌ای نداریم. ما تا امروز اگر بر دشمنان خودمان غلبه کرده‌ایم، با بمب هسته‌ای غلبه نکرديم. ملت ایران بیست و پنج سال است آمریکا را شکست داده؛ مگر غیر از این است؟ آمریکا که بیست و پنج سال از ملت ایران شکست خورده، با چه شکست خورده؟ ما با بمب هسته‌ای آمریکا را شکست دادیم، با عزم، اراده، ایمان، آگاهی و با اتحاد خودمان؟ ما فهمیده‌ایم چه می‌خواهیم؛ فهمیده‌ایم دنبال چه چیزی هستیم؛ راه را هم شناختیم و حرکت هم کردیم و از

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار هیأت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲/۴/۱.





بسم الله الرحمن الرحيم

توپ و تشر این و آن هم نترسیدیم؛ ما این طوری غلبه پیدا کردیم؛ ما با بمب هسته‌ای که غلبه پیدا نکردیم.

شوروی سابق مگر بمب هسته‌ای نداشت؟ تعداد بمب‌های هسته‌ای شوروی سابق احتمالاً از تعداد بمب‌های هسته‌ای آمریکا بیشتر هم بود. شکست نخورد؟ پیروزی و شکست در صحنه‌های اساسی دنیا با این چیزها نیست. ما امروز یک الگو را به دنیای اسلام ارائه کردیم؛ الگوی مردم سالاری دینی، الگوی استقلال و عزت ملی. امروز دنیای اسلام علیه آمریکا در طول بیست و پنج سال بسیج شده‌اند و ملت‌ها مرگ بر آمریکا می‌گویند. مرگ بر آمریکا را چه کسی می‌گفت؟ غیر از جمهوری اسلامی و غیر از ملت ایران چه کسی می‌گفت؟ امروز همه دارند می‌گویند. ما با بمب اتم پیش نرفتیم. پیروزی در صحنه‌های عظیم و تاریخی و ماندگار که با این سلاح‌ها حاصل نمی‌شود.

امروز رژیم صهیونیستی مگر بمب هسته‌ای ندارد؟ آن‌طور که نقل می‌کنند، دویست یا شاید سیصد کلاهک هسته‌ای الان در داخل انبارهای رژیم صهیونیستی هست؛ اما رژیم صهیونیستی الان چند سال است که در برابر طرف مقابلش که تنگ هم ندارد و فقط سنگ دارد؛ البته سنگ هم‌راهِ با اراده و سنگی با پشتوانه ایمان، عاجز مانده است. مسئله ما مسئله بمب هسته‌ای نیست؛ ما بمب هسته‌ای را می‌خواهیم چه کار کنیم. وانگهی وقتی از بمب هسته‌ای استفاده می‌کنند، فقط آن‌هایی که دشمن هستند کشته نمی‌شوند، بلکه کسانی هم که دشمن نیستند، کشته می‌شوند و این بر خلاف عقیده ما است؛ بر خلاف ممشی و روش ما است. بمب هسته‌ای که بز و فاجر را می‌برد؛ خوب و بد را از بین می‌برد؛ تر و خشک را با هم می‌سوزاند، کار نظام اسلامی نیست.

و اما مسئله فناوری هسته‌ای و آن مقداری که ما دنبالش هستیم، مقوله دیگری است. این جا فقط اشتراکی که دارند، در ماده اورانیوم است. آن اورانیوم نود درصد و صنعت پیچیده سلاح‌سازی را احتیاج دارد، و این، اورانیوم بین سه و چهار درصد برای سوخت نیروگاه اتمی، که امروز ما در بوشهر داریم. اورانیوم غنی‌شده سه تا چهار درصد کجا و بالای نود درصد کجا! این چیزی

است که طبق مقررات بین‌المللی برای همه آزاد است و هیچ اشکالی ندارد؛ همه کشورها اگر به اورانیوم نیاز داشته باشند - یا نیاز هم نداشته باشند - می‌توانند آن را تا سه، چهار درصد تولید کنند.

معاهده بین‌المللی NPT هم وجود دارد که همه قبول کرده‌اند، ما هم قبول کردیم و از لحاظ مقررات جهانی هم هیچ اشکالی ندارد. اگر ما این فناوری را نداشته باشیم، معنایش این است که فردا که اکثر هسته‌ای بوشهر ساخته شد، ما برای سوختش باید برویم در خانه این کشور و آن کشور را بزنیم و بگویم به ما سوخت بدهید. اگر یک روز به هر دلیلی - به دلیل سیاسی، مسائل بین‌المللی و یا روابط دو جانبه - نخوابند به ما سوخت بدهند، یعنی این که ما دیگر نیروگاه نداریم؛ آن‌ها این را می‌خواهند. آن‌ها می‌خواهند شما بخاری را داشته باشید، نفت بخاری دست آن‌ها باشد. یعنی وابستگی را با ایجاد اکثر هسته‌ای بیشتر کنند، نه کمتر.^۱

۳۲. جنجال آمریکایی‌ها علیه ایران در جریان انرژی هسته‌ای

به دو علت است

آنچه امروز جنجال آمریکایی‌ها علیه ایران را به وجود آورده و این‌ها را دستپاچه کرده، این است که این‌ها دارند می‌بینند که ایران نیروگاه هسته‌ای را به وجود آورده و می‌تواند برق هسته‌ای تولید کند و سوخت و خوراک آن را هم خودش در داخل تولید می‌کند. این، اولین نقطه نگرانی این‌هاست. من یک وقت گفتم که اگر نفت در اختیار آن‌ها بود و ما احتیاج به نفت داشتیم، یک بطری نفت را به قیمت پدر و مادرشان به ما می‌فروختند. این‌طور نبود که یک بشکه نفت را مثلاً فرض کنید بیست، سی یا سی و پنج دلار - و در واقع مفت - که ما الان داریم می‌فروشیم، بفروشند. ولی می‌بینید که کشورهای دارای نفت، سرمایه‌تجدیدنشدنی خودشان را تبدیل می‌کنند به یک پول ناقابل‌می‌خواهند همین معادله را در مسئله سوخت اتمی به وجود بیاورند؛ یعنی کاری کنند که اگر ما

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار هیئت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳/۴/۸.



بسم الله الرحمن الرحيم





نیروگاه اتمی هم داریم، برای سوختش محتاج آن‌ها باشیم.

نقطه دوم نگرانی آن‌ها این است که از این ناراحت‌اند که این دانش در داخل رشد کرده و روئیده است؛ یعنی در واقع بومی است. البته این به معنای آن نیست که ما این دستگاه را اختراع کردیم؛ نه، بلکه به این معناست که ما برای فراگیری این کار در خانه آن‌ها نرفتم. محققان جوان خودمان - همین جوان‌هایی مثل شما - و صدها مغز متفکر و خوشفکر توانسته‌اند این دستگاه عظیم را راه‌اندازی کنند و به نتیجه برسانند؛ دانش را در میان خودشان بارور کنند؛ فناوری را به‌وجود بیاورند و در خانه این و آن نروند؛ این یکی از نگرانی‌های آن‌هاست؛ چرا، چون می‌بینید این درست بر خلاف آن فلسفه استکباری است که کشورهای که می‌خواهند تحت سلطه باشند، نباید در دانش و فناوری استقلال داشته باشند؛ باید دستشان دراز باشد؛ محتاج آن‌ها باشند. آن‌ها می‌دانند که اگر امروز کشور و ملت ایران توانست بر قله این فناوری بنشیند، سخن حق او در دنیا که همان استقلال امت اسلامی و عزت اسلامی است، بیشتر در بین مسلمان‌ها و در جوامع اسلامی جایگزین خواهد شد و ذهن‌ها بیشتر آن را قبول خواهند کرد؛ از این ناراحت‌اند؛ لذا چنگال می‌کنند. بنابراین حقیقت قضیه غیر از آن چیزی است که آن‌ها می‌گویند.^۱

۳۳. حرکت به سمت بومی کردن انرژی هسته‌ای در کشور، واجب و

وظیفه‌ای ملی است

پاوه‌گوها و پادشاهان می‌خواهند سعی نکنند اینطور بپراکنند که چه لزومی دارد این کار و چرا دنبالش می‌کنند؛ نه، این نیاز ملت ایران است. امروز کشورهای پیشرفته دنیا بیشترین یا سهم مهمی از انرژی برق خودشان را از نیروگاه‌های هسته‌ای تولید می‌کنند، نه از نفت که هم سرمایه دودزا است، و هم تمام شدنی و هم قابل تبدیل به چیزهای بسیار ارزشمندتر از سوخت. آن‌ها که می‌خواهند ملت‌های دارای نفت را از این موهبت محروم کنند، می‌گویند شما

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار هیأت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳/۴/۸.

که نفت دارید، دیگر به انرژی هسته‌ای چه نیازی دارید؟ مگر باید نفت را تمام کنیم، بعد دست به طرف شما حتماً دراز کنیم! سرنوشت ملت‌ها نیاز به شما است؟ آن‌ها می‌گویند نفت را مصرف کنید، بعد داستان که خالی شد، محتاج ما شوید؛ بیاید در خانه ما.

ملت ما نمی‌خواهد این را قبول کند و ما باید به سمت انرژی هسته‌ای برای تولید برق برویم؛ این نیاز کشور ما است؛ باید به این راه برویم، و آلتا عقب‌ماندگی‌های یکی دو قرن گذشته باز هم مضاعف خواهد شد و آن وقت یک قرن دیگر این ملت را عقب می‌اندازند. بنابراین رفتن دنبال این کار و وظیفه ملی است. وقتی که دنبال این کار می‌رویم، بایستی قضیه را بومی کنیم و اگر بومی نکنیم، باز همان وابستگی و باز همان نیاز است. وقتی می‌خواهیم وابسته نباشیم و کار بومی باشد، البته فشار هست. باید در مقابل فشارها مقاومت کرد.... وظیفه ملی ما امروز این است که دنبال این فناوری و فناوری‌های مشابه، هر چه که ما را به اوج قله علم نزدیک کند، برویم و امروز دنبال کردن آن برای ملت ما واجب است و برای کسانی که می‌توانند، وظیفه آن‌هاست تا بتوانند ملت را به عزت برسانند و از وابستگی رها کنند.^۱

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با هیئت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳/۴/۸.





جوانان

۳۳. اهمیت و نقش جوانی در شکل‌گیری شخصیت انسان‌ها

جوانی را از لحاظ معنوی، از لحاظ روحی و اخلاقی، هر طور گذرانندید،

پیری شما هم همان‌گونه خواهد گذشت.

امکان ندارد که انسان در جوانی در دورانی که عواطف و احساسات و خلیقات، در حال رویش و بالندگی و شکل‌گیری است غرق در مادیات و شهوات باشد، نه به فکر و یاد خدا، نه به فکر محبت خدا و محبت به اولیا، نه به فکر همگامی با اولیا، نه به یاد آدم‌های خوب و انسان‌های والا، بلکه با غفلت محض! بعد ناگهان پیر که شد، بگوید: از حالا آن طرفی می‌کنیم! بله، خدا دست رد به سینه کسی نمی‌زند، آدمی را که هفتاد سال هم گناه کرده باشد، به آن جاده و آن خط راه می‌دهند؛ اما نه آن‌گونه که انسان بتواند حرکت آن چنانی و یک سیر موفقیت‌آمیز بکند. نه آن چنان که غرق بشود و نورانیت پیدا کند، نه آن چنان که خودش را در عبادات، در محبت خدا و در یاد خدا مستغرق کند، دیگر نمی‌شود؛ مگر در جوانی درست عمل کرده باشید، مگر از جوانی شروع کرده باشید، آن وقت می‌شود در پیری استفاده کرد.



۳۶. ویژگی‌های جوان

جوان، مجموعه‌ای از زیبایی‌ها، برجستگی‌ها، درخشندگی‌ها، خوبی‌ها، استعدادها و امکانات است؛ که هرچه به طرف پیری می‌رود، این استعدادها و امکانات، مرتب به سمت نازیبایی کم می‌شود؛ حتی از لحاظ معنوی هرچه پیش می‌رود، فعلیت‌های تان بیشتر می‌شود؛ اما استعدادها و امکانات تان، مرتب کم

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار تعدادی از دانشجویان تشکل‌های اسلامی در مراسم افطاری، ۱۳۷۶/۱۱/۸.
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با دانشجویان شرکت‌کننده در طرح ولایت و مسئولان بسیج دانشجویی، ۱۳۸۳/۶/۹.

۳۵. جوانی، دوره‌ی اعتلای هویت و شخصیت انسانی و فکری

هر کاری که برای عظمت و اعتلای هویت و شخصیت انسانی و فکری خود باید بکنید، کاری است که در جوانی خواهید کرد. معرفت در جوانی، عبادت در جوانی، تفکر در جوانی، مجاهدت در جوانی، پرهیزکاری و پارسایی در جوانی، اجتناب از لغزشگاه‌ها در جوانی، شخصیت یک انسان را اعتلا و کمال می‌بخشد و او را منشأ بروز بسیاری از ارزش‌ها و تراوشات گران‌بها در دوران عمرش قرار می‌دهد؛ دوره‌ی جوانی یک چنین خصوصیتی دارد.^۲

این حالتی که شما در کسائی مثل امام (رضوان‌الله علیه) در سنین بین هشتاد و نود سالگی می‌پسید، ادامه‌ی حالات جوانی ایشان است. چون امام، تقریباً ۷۹ ساله بودند که به ایران آمدند و جمهوری اسلامی شروع شد؛ یعنی امام از نزدیک هشتاد سالگی این مسئولیت‌های سنگین را شروع کرده است؛ وقتی که همه انسان‌ها در این سنین، بازنشسته می‌شوند و اهل افتادن در یک گوشه و در بستر و بی‌نشاطی نسبت به همه کارها! امام در آن سن، بزرگ‌ترین کارهای عالم را شروع کرد؛ اداره‌ی یک کشور، بلکه ایجاد یک نظام و قدم به قدم پیش بردن این نظام!^۱

می‌کنید؟

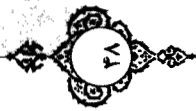
جوان، ثبات لازم دارد؛ و این ثبات هم به خودی خود، به دست نمی‌آید. باید آن را پیدا کرد. جوان، دائم در معرض تزلزل قرار می‌گیرد؛ البته همه جوان‌ها ایطور نیستند نمی‌خواهم بگویم که هر جوانی این گونه است به هر حال، این استعداد تزلزل هم مثل بقیه استعدادها، در جوان هست؛ که این به یک معنا استعداد خوبی نیست. البته به یک معنا هم خوب است؛ چون خود این هم یک تحول است. از همین هم می‌توان استفاده کرد، مرتب می‌شود بهتر شد و بالاتر رفت؛ اما باید مواظب باشید که این، وسیله‌ی لغزش، دور افتادن از راه و دور افتادن از خدا نشود، و به غلطیدن در آن پرتگاه‌هایی که انسان باید از آن‌ها پرهیز کند،

می‌شود! استعداد، چیز خیلی مهمی است. امکانات، چیز خیلی مهمی است. استعداد، یعنی توان؛ و توان خیلی مهم است.

با همه این چیزهای مثبت و جالب و درخشان در وجود جوان، جوان یک گرفتاری بزرگ دارد و آن، عدم ثبات است، احتمال تزلزل که هر چه سن بالاتر می‌رود، این حالات، کمتر می‌شود. التفات می‌کنید؟ این گرفتاری را حواستان باشد؛ این گرفتاری را در خودتان و در دیگران علاج کنید. کاری کنید که ثبات در عقیده داشته باشید. ببینید شما در دعاها، چه قدر «ثبات الیقین» می‌خوانید؟! در دعای سحر روز جمعه: «وَهَبْ لِي ثَبَاتَ الْيَقِينِ وَ مَخْضَ الْإِخْلَاصِ». در دعای ماه رمضان می‌خوانید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيْمَانًا لَا أَجَلَ لَهُ دُونَ لِقَائِكَ»؛ من از تو ایمانی می‌خواهم که تا هنگام لقای تو، هیچ پایانی ندارد هست، تا وقتی تو را ملاقات کنم «لَعَنِي مَا أَخْبَيْتَنِي عَلَيْه»؛ تا وقتی من را زنده نگه می‌داری، این ایمان را برای من نگهدار. «وَتَوَفَّنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي عَلَيْه»؛ وقتی جان من را می‌گیری «توفی»، یعنی گرفتن جان بر ایمان، جان من را بگیر. «وَابْنِنِي إِذَا بَنَيْتَنِي عَلَيْه»؛ حتی قیامت، وقتی من را برمی‌انگیزی، با این ایمان برانگیز. این دعاست!

امام، آنچه را که از خدا می‌خواهد در دعای ابو حمزه، آن هم در دعاها و بر حال و پر شور نشان دهنده این است که این، یک نیاز حتمی است؛ توجه





منتهی نشود.^۱

۳۷. امتیازهای پنج‌گانه جوانان دانشجو به عنوان بهترین مخاطبین

روحانیت

حضور در دانشگاه‌ها خیلی مهم است؛ چون مار و حانیون در پی این هستیم که مخاطبی پیدا کنیم و آنچه را که از رسالت الهی بر دوش ما است، به آن مخاطب برسانیم. اگر این نباشد که روحانیت معنایی ندارد؛ بالاخره این فکر «العلماء ورثة الانبياء» یک فکر رایج و قطعی در همه مفاهیم دینی است. تحریض به علم، بخش عمده‌اش برای این است که انسان، آن علم را به مخاطبینی برساند که به آن احتیاج دارند. بدیهی است که در معارف اسلامی، آن جایی که روی علم تکیه شده است، مراد، علم توحید و معرفت دینی است که تبلیغ آن و عمل به آن، این همه اهمیت، و کسب آن، این همه شرافت دارد.

پس اصل قضیه این است که این رسالت و این پیامبری را در این سطح نازلی که ما بر عهده داریم تحقق ببخشیم؛ به این که به مخاطبین خودمان برسانیم. خوب، امت‌ها متفاوتند، مخاطبین و شنوندگان پیام و رسالت پیغمبران متفاوتند؛ بهتر نشان کسانی هستند که جوان باشند که این تبلیغ شما برای مدت سی سال، چهل سال، پنجاه سال در زندگی او اثر بکند؛ این طوری است دیگر بالاخره امر دایر است بین این که به کسی یاد بدهیم که پنجاه سال می‌خواهد از آن استفاده کند، یا کسی که مدت کوتاهی می‌خواهد استفاده کند. پس جوان بودن، یک امتیاز است برای طول مدت استفاده.

دوم این که همین جوان بودن، امتیاز است برای خوب فراگیری و شکل‌گیری ذهن، به آنچه که ما به او می‌دهیم. فرق می‌کند که کسی ذهن شکل‌گرفته‌ای داشته باشد، یا این که ذهن آماده شکل‌گیری داشته باشد. جوان، این امتیاز دوم را هم دارد.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه تهران، ۱۳۷۶/۱۱/۱۱.

امتیاز سوم این است که جوان، حق‌پذیر است و آنچه به او گفته بشود - در وهله اول برای همه جوان‌ها باید اینطور فرض کرد - گوش می‌کند، برای یاد گرفتن و عمل کردن؛ مگر در موارد استثنایی که عواملی وجود دارد که بنای بر گوش نکردن و عمل نکردن دارد، و الا به طور طبیعی، جوان این گونه است و آمادگی پذیرش و عمل کردن هم دارد.

مخاطب شما غیر از این سه امتیازی که مربوط به جوانی است، امتیاز دیگری هم دارد، و آن این که با سواد و اهل معرفت است؛ او ترجیح دارد بر کسی که انسان برای فهماندن به او مشکل دارد و مطلب را درست درک نمی‌کند، جوان باسواد، این هم امتیاز چهارم.

امتیاز پنجم این است که آینده‌کشور در دست اوست. یعنی شما چنانچه بخواید مخاطبین را در کل کشور، مرتب و تقسیم و از هم جدا و افراز کنید، شاید بشود گفت بهترین و اشرف مخاطبین، این مخاطبینی هستند که شما با آنان در دانشگاه‌ها مواجهید؛ جوان، با سواد، اهل معرفت، آینده‌دار و مؤثر در آینده کشور، ببینید چقدر مهم است!^۱

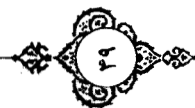
۳۸. کار تک تک جوانان کشور، در هر زمینه‌ای باشد، موجب اعتلای

کشور است

من بارها گفته‌ام که نسل جوان، گره‌گشای دوره‌های سخت و محنت‌های بزرگ است، و وقتی وارد میدان می‌شود - که الحمد لله امروز هم در میدان است - گره‌های ریز و سخت گشوده خواهد شد.

این کارهایی که جوانان می‌کنند، این‌ها کوچک نیست. همین درس خواندنی که من می‌گویم، همین کار تحقیق، همین کار هنری، همین کار ورزشی، این‌ها کارهای کوچک نیست. من خواهش می‌کنم، کسی که این کارها را انجام می‌دهد، تصور نکند که کارش کوچک است؛ نه، همین کار در مجموعه

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با نمایندگان محترم نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۷۶/۷/۱۶.





کلان کشور، به یک عنصر تعیین کننده تبدیل می شود. فرضاً هنرمندی به تنهایی تصمیم می گیرد که یک کار هنری برجسته ارائه بدهد. او نمی تواند بگوید که من یک کار فردی دارم انجام می دهم؛ خودم تنها هستم و این کار کوچکی است؛ نه، شما کارتان را که خوب انجام دادید، اگر صد نفر دیگر مثل شما فکر کنند، همان اعتلای عظیم و همان کار بزرگ اتفاق خواهد افتاد.

عین همین مسئله، در باب ورزش است؛ عین همین مسئله، در باب درس خواندن و در باب تحقیق است؛ عین همین مسئله در باب کارهای خاص جوانان است. این، درست مثل روز راهپیمایی است. اگر همه بگویند که حالا من یک نفر چه تأثیری دارم، این سیل عظیم میلیونی در روز بیست و دوم بهمن یا در نماز جمعه راه نمی افتد؛ اما هر کسی احساس می کند که تکلیف خودش را دارد انجام می دهد. من می خواهم تأکید و تکرار کنم که کار تک این جوانان - هر جا و در هر زمینه ای که دارند کار می کنند؛ در زمینه قرآن، در زمینه معلومات، در زمینه معارف، در حوزه، در دانشگاه، در کتاب نویسی - کاری مهم است؛ همان کاری است که ان شاء الله کشور را به اعتلاء خواهد رساند.^۱

۳۹. من از جوان سه چیز می خواهم: تحصیل، تهذیب و ورزش

دوره جوانی، دوره توانایی است. این توانایی در چه چیزهایی باید به کار برود؟ به اعتقاد من، باید عمدتاً در تحصیل علم، در ایجاد صفای نفس و روحیه تقوا در خود، و ایجاد نیروی جسمانی در خود - که ورزش باشد - به کار رود. این سه مورد، عمده است. یعنی اگر در یک جمله کو تاه از من بپرسند که شما از جوان چه می خواهید، به او خواهم گفت: تحصیل، تهذیب و ورزش. من فکر می کنم که جوانان باید این سه خصوصیت را دنبال کنند. تحصیل، اعم از تحقیق و کارهای علمی هم است. چون این نیرو در جوانان هست، بایستی در کار تحصیل علم خیلی تلاش کنند.

هر کاری هم نخواهید بکنید، در دوران جوانی می شود کرد؛ یعنی در هر سه

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جوانان به مناسبت هفته جوان، ۱۳۷۷/۲/۷.

زمینه - هم در زمینه علمی، هم در زمینه تهذیب نفس و هم در زمینه ورزش - باید در جوانی کار کنید.^۱

۴۰. گوهر شور و عشق و صفا و معنویت، در جوان فروزان است

از منظر دینی، جوان یک نقطه امید و یک نقطه شکوفایی است. این نقطه امید و شکوفایی، در همه چیز است؛ در مبارزات، در مجاهدات اجتماعی، در فعالیت های گوناگون جامعه، و در مجاهدت های شخصی و روحی و درونی. خطاب به جوان از سوی دین، همیشه یک خطاب ویژه است. با جوان، مخاطبه زیادی در مفاهیم اسلامی و فعالیت های دینی شده است؛ علت هم این است که در جوان، گوهر شور و عشق و صفا و معنویت فروزان است. هر انسانی از این گوهر بهره مند است، لیکن در جوان و در دوران جوانی، این جوهره انسانی کاملاً نمایان و فروزان و تابناک است؛ از آن باید استفاده کرد. اولین استفاده ای هم که هر انسانی باید از این روح شور و عشق و صفا و معنویت و نورانیت ببرد، این است که خود را، نفس خود را، اندرون خود را، معنا و حقیقت خود را تعالی ببخشد. این، قدم اول است. لذا ما همیشه برای خودسازی معنوی، به جوانان سفارش مؤکدی داریم.^۲

۴۱. دل های شما جوان ها نورانی است، این را قدر بدانید

«جوانی» است که «پیری» را شکل می دهد. قدر جوانی را بدانید، صفای جوانی، نورانیت جوانی. شما جوان ها مثل آن لباس تازه ای هستید که اگر آلودگی و چرکی هم پیدا کند، با یک بار شستن، دوباره تمیز می شود؛ با مختصری تمیز کردن، تمیز می شود. غیر از آن لباس کهنه بیست سال گذشته چرک مرده شده ای است که به هیچ وجهی نمی شود درشتش کرد. انسان در

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جوانان به مناسبت هفته جوان، ۱۳۷۷/۲/۷.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با دانش آموزان، دانشجوین و افسارمخلف مردم به مناسبت ۱۳ آبان، ۱۳۷۶/۸/۱۴.





انداخته اند؛ نه این که او سوار شده؛ اگر هم سوار شده، اسب سواری بلد نیست؛ دهانه در دستش است، اما نمی داند چه طوری باید سوار اسب بشود، نمی داند که کجا خواهد رفت؛ هر جا که اسب او را کشید، او هم مجبور است برود؛ و قطعاً نجاتی در انتظار او نیست. این اسب هم سرکش است.

اگر ما تقوا را با همین معنا در نظر بگیریم، به نظر من راحت می شود راه را طی کرد. البته باز هم نه آن طور که خیلی راحت باشد. به هر حال، می شود، ممکن است، واقعاً عملی است که یک جوان راه اسلامی زندگی کردن را پیدا کند؛ اگر متدین است، ببیند چه کار دارد می کند؛ این اقدام، این حرف، این رفاقت، این درس، این فعل و درک، آیا درست است یا درست نیست. همین که او فکر می کند درست است یا درست نیست، این همان تقوا است. اگر متدین نیست، چنانچه همین حالت را داشته باشد، این حالت او را به دین راهنمایی خواهد کرد. قرآن کریم می گوید: «هدی للمتقین؛ نمی گوید «هدی للمؤمنین».

«هدی للمتقین»، یعنی اگر یک نفر باشد که دین هم نداشته باشد، اما تقوا داشته باشد. ممکن است کسی دین نداشته باشد، اما به همین معنایی که گفتیم، تقوا داشته باشد. او بلا شک از قرآن هدایت خواهد گرفت و مؤمن خواهد شد. اما اگر مؤمن تقوا نداشته باشد، احتمالاً در ایمان هم پایدار نیست؛ بسگی به شانسش دارد؛ اگر در فضای خوبی قرار گرفت، در ایمان باقی می ماند؛ اگر در فضای خوبی قرار نگرفت، در ایمان باقی نمی ماند.

بنابراین، اگر بتوانیم از آن سه خصوصیت با تقوا کار بکشیم و درست هدایت بشود، به نظم خیلی خوب می شود جوانان در شکلی که اسلام می پسندد، زندگی می کنند؛ به خصوص خوشبختانه امروز کشور ما کشوری اسلامی است. این، چیز خیلی مهمی است.^۱

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جوانان به مناسبت هفته جوان، ۱۳۷۷/۲/۷.



سین بالا آن طور می شودا خدای نکرده اگر انسان، عمرش را با گناه گذرانده باشد، هر کاری هم بکند، آن رونق و شفافیت را پیدا نمی کند؛ ولی در جوانی چرا؛ شفافیت در جوانی، جزو ذات شما است. دل های شما نورانی است؛ این را قدر بدانید.^۱

۴۲. ویژگی های برجسته جوان مسلمان و نقش تقوا در شکوفایی آنها

من اساساً در بین خصوصیات مهمی که جوانان دارند، سه خصوصیت را خیلی بارز می بینم... آن سه خصوصیت عبارت است از: انرژی، امید، ابتکار. این ها سه خصوصیت برجسته در جوان است. اگر واقعاً رسانه ها در کمک های فرهنگی که به ما می کنید - چه گویندگان مذهبی، چه گویندگان مسائل فکری و فرهنگی، چه صدا و سیما، چه مدرسه ها - بتوانند این سه خصوصیت عمده را درست هدایت کنند، من خیال می کنم که خیلی راحت می شود یک جوان راه اسلامی را پیدا کند؛ چون اسلام هم چیزی که از ما می خواهد، این است که ما استعداد های خودمان را به فعلیت برسانیم. البته در قرآن یک نکته بسیار اساسی هست - بد نیست من این را به شما جوانان عزیز بگویم - و آن توجه دادن به تقوا است.

وقتی افراد می خواهند پیش خودشان تصویری از تقوا را درست کنند، به ذهنشان نماز و روزه و عبادت و ذکر و دعا می آید. ممکن است همه این ها در تقوا باشد، اما هیچکدام از آن ها معنای تقوا نیست. تقوا، یعنی مراقب خود بودن. تقوا، یعنی یک انسان بداند که چه کار دارد می کند، و هر حرکت خودش را با اراده و فکر و تصمیم انتخاب نماید؛ مثل انسانی که سوار بر یک اسب رهوار نشسته، دهانه اسب در دستش است و می داند کجا می خواهد برود. تقوا، این است.

آدمی که تقوا ندارد، حرکات و تصمیم ها و آینده اش در اختیار خودش نیست؛ به تعبیر خطبه نهج البلاغه، کسی است که او را روی اسب سرکشی

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار تمدادی از دانشجویان تشکل های اسلامی در مراسم افطاری شب بیست و سوم ماه رمضان، ۱۳۷۶/۱/۱.



انداخته اند؛ نه این که او سوار شده؛ اگر هم سوار شده، اسب سواری بلد نیست؛ دهانه در دستش است، اما نمی داند چه طوری باید سوار اسب بشود، نمی داند که کجا خواهد رفت؛ هر جا که اسب او را کشید، او هم مجبور است برود؛ و قطعاً نجاتی در انتظار او نیست. این اسب هم سرکش است.

اگر ما تقوا را با همین معنا در نظر بگیریم، به نظر من راحت می شود راه را طی کرد. البته باز هم نه آن طور که خیلی راحت باشد. به هر حال، می شود، ممکن است، واقعاً عملی است که یک جوان راه اسلامی زندگی کردن را پیدا کند؛ اگر متدین است، ببیند چه کار دارد می کند؛ این اقدام، این حرف، این رفاقت، این درس، این فعل و درک، آیا درست است یا درست نیست. همین که او فکر می کند درست است یا درست نیست، این همان تقوا است. اگر متدین نیست، چنانچه همین حالت را داشته باشد، این حالت او را به دین راهنمایی خواهد کرد. قرآن کریم می گوید: «هدی للمتقین؛ نمی گوید «هدی للمؤمنین».

«هدی للمتقین»، یعنی اگر یک نفر باشد که دین هم نداشته باشد، اما تقوا داشته باشد. ممکن است کسی دین نداشته باشد، اما به همین معنایی که گفتیم، تقوا داشته باشد. او بلا شک از قرآن هدایت خواهد گرفت و مؤمن خواهد شد. اما اگر مؤمن تقوا نداشته باشد، احتمالاً در ایمان هم پایدار نیست؛ بسگی به شانسش دارد؛ اگر در فضای خوبی قرار گرفت، در ایمان باقی می ماند؛ اگر در فضای خوبی قرار نگرفت، در ایمان باقی نمی ماند.

بنابراین، اگر بتوانیم از آن سه خصوصیت با تقوا کار بکشیم و درست هدایت بشود، به نظم خیلی خوب می شود جوانان در شکلی که اسلام می پسندد، زندگی می کنند؛ به خصوص خوشبختانه امروز کشور ما کشوری اسلامی است. این، چیز خیلی مهمی است.^۱

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جوانان به مناسبت هفته جوان، ۱۳۷۷/۲/۷.



۴۲. جوان‌های عزیز! ورود در میدان معرفت علمی، شما را از پیشرفت در میدان معرفت دینی و کسب فضائل اخلاقی باز ندارد.

شما جوان‌های عزیز توجه کنید که ورود در میدان معرفت علمی - حالا هر علمی؛ چه علوم انسانی، چه علوم قرآنی، چه علوم طبیعی یا انواع و اقسام علمی که امروز شماها در آن تلاش و کار می‌کنید - و ورود در میدان تحقیق علمی باید شما را از غور و پیشرفت در میدان معرفت دینی، تمرین اخلاقی و کسب فضیلت باز ندارد؛ باید این‌ها را با هم داشته باشید. آیه‌ای که برادر عزیزمان قرائت کردند: «وَيُؤْكِنُهمْ وَيُعَلِّمُهمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»^۱، خدای متعال پیغمبر را فرستاد، تا او تعلیم بدهد و تزکیه کند.

بنابراین، تعلیم و تزکیه با یکدیگر است؛ این دورا از هم جدا نکنید. این باور که هر کسی وارد میدان علم شد، به‌طور طبیعی بایستی از فضیلت و معنویت و اخلاق کناره بگیرد، فکری کاملاً غلط و وارداتی و متکی به پیشینه‌ای است که در اروپای مسیحی به‌وجود آمد و به کلی با محیط اسلامی و با فهم و تعالیم اسلامی سازگار نیست؛ چرا که اگر دانشمند بافضیلت و با اخلاق باشد؛ در هر رشته‌ای، از آن می‌توان امید برای اعتلای بشریت و اعتلای کشور خودش داشت؛ این دانشمند هدف‌ها را هدف‌های ارزشمند می‌کند و حرکتش حرکت به نفع انسانیت و به نفع عدالت و به نفع فضیلت و در جهت مقابله نابسامانی‌های عجیب دنیای امروز خواهد شد. شما سعی کنید این جور دانشمندانی در آینده باشید و هدف خودتان را این مسائل قرار دهید؛ انسان‌هایی باشید که می‌توانند چرخ دنیا را در جهت درست به حرکت دریاورند؛ این را برای خودتان هدف قرار دهید؛ و این ممکن است؛ البته باید کارهای مقدماتی فراوانی برای رسیدن به آن هدف انجام بگیرد.^۲

۱. سوره جمعه: آیه ۲.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جوانان نخبه و دانشجویان، ۱۳۸۳/۷/۵.



۴۳. تقوا، بزرگ‌ترین سرمایه‌ای است که موفقیت دنیا و آخرت جوانان را تضمین می‌کند.

گاهی با خود فکر می‌کنم جوان که در بهترین اوقات عمر خود به سر می‌برد، اگر بخواهد سرمایه‌ای را به دست بیاورد که موفقیت دنیایی و آخرتی او را تضمین کند، دنبال چه چیزی باید باشد؟ سؤال مهمی است. اولاً مورد نظر، موفقیت‌های دنیایی و اخروی است - جسم و جان، فکر و دل - ثانیاً این سؤال، مخصوص به یک دسته از جوان‌ها هم نیست.

پاسخی هم به که به ذهن من می‌رسد، باز مخصوص یک دسته از جوان‌ها نیست؛ یعنی این جور نیست که فرض کنیم این پاسخ، مخصوص جوان‌های کاملاً متدین و متعبد است. نه، حتی اگر جوانی را فرض کنیم که از لحاظ تعبد و تدبیر، در رتبه خیلی بالایی هم نباشد، باز این پاسخ درباره او صادق می‌کند. حتی اگر فرض کنیم جوانی را که در برخی عقاید خود مشکلی هم داشته باشد، باز این پاسخ درباره او صادق می‌کند.

جوانی که من به آن رسیده‌ام، این یک کلمه است: «تقوا! اگر جوان، در دوره جوانی سعی کند تقوا داشته باشد - با همان تعریفی که در فرهنگ دینی و قرآن از تقوا شده است - بزرگ‌ترین سرمایه را هم برای درس، هم برای فعالیت‌های سازندگی، هم برای عزت دنیوی، هم برای به دست آوردن دستاوردهای مادی، هم برای معنویت، اگر اهل معنویت است - به دست آورده است.

حتی برای آن آفاق بسیار دور و درخشان معنویت هم که معمولاً آدم‌های متوسط، قدری از آن آفاق، دور هستند - آفاق عرفانی و معنوی و همان چیزهایی که در کلمات عرفا و بزرگان و اهل عشق معنوی هم به آن‌ها اشاره شده است - تقوا سرمایه است.^۱

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با تشکلهای مختلف دانشجویی دانشگاه‌های تهران، ۱۳۷۷/۸/۲۴.



۴۵. نقاط ستایش برانگیز جوانی و تکلیف جوان‌ها در برابر آن

نقاط ستایش برانگیز جوان‌ها کدام است؟ اگر ما یک فهرست صد نقطه‌ای [نکته‌ای] را هم فراهم کنیم، باز زیادی نرفته‌ایم.

من در این جا چند نقطه از نقاط ستایش برانگیز جوان‌ها را عرض می‌کنم. جوان، حتی را آسان می‌پذیرد؛ این خیلی مهم است؛ جوان، راحت و صادقانه اعتراض می‌کند، و بی دغدغه و بدون هیچ گونه گرفتاری درونی، اقدام می‌کند؛ این هم بسیار مهم است. پذیرش آسان، اعتراض صادقانه و اقدام بی دغدغه را شما کنار هم بگذارید، ببینید چه حقیقت زیبایی به وجود می‌آید و چه کلیدی برای حل مشکلات است...

از جمله نقاط ستایش برانگیز جوانی، نیرو، قدرت، ابتکار و نشاط در وجود آن‌هاست؛ این‌ها در شما به طور طبیعی وجود دارد. این‌ها بخشی از فهرست طولانی امتیازات جوانی است. آیا جوان این امتیازات را کسب کرده است؟ نه، شما برای این که امتیاز حق طلبی، نیرو، نشاط، حوصله و همت جوانی را به دست آورید، تلاش بخصوصی نکرده‌اید؛ این یک مرحله طبیعی از عمر و زندگی است؛ پس یک موهبت است و در مقابل آن، تکلیف وجود دارد و باید جواب داد.

در این جا مغالطه‌ای وجود دارد که جزو همان خوش‌آمدگویی‌های به قصد عوام‌فریبی است؛ و آن این است که منطق اسلامی همه‌اش می‌گوید "تکلیف"؛ در حالی که گفتمان جدید دنیا می‌گوید "حق"؛ چرا همه‌اش از تکلیف می‌گویید؟ بعضی‌ها این حرف را رایج کردند و قصدشان این است که عده‌ای که از تکلیف گریزانند، از خوش‌آمدگویی‌های اغواگرانه و غیرصادقانه خوششان بیاید.

اولاً حق و تکلیف، دو روی یک سکه‌اند؛ هیچ حقی بدون تکلیف وجود ندارد. هر کس حقی دارد و در قبال آن، تکلیفی هم بر عهده دارد. بنابراین، این که از حق بگویید؛ اما از تکلیف نگویید، حرف سخیف و بی‌محتوا و بی‌منطقی است. ثانیاً در این جا صحبت از حق نیست. تکلیفی که ما در این جا مطرح

می‌کنیم، در مقابل یک حق نیست؛ در مقابل یک امتیاز است. شما امتیازی دارید؛ این امتیاز تکلیفی را به طور طبیعی بر دوش شما بار می‌کند. من که امتیاز جوانی شما را ندارم، برخی از تکالیف شما را هم ندارم البته ممکن است در بخشی دیگر، من از امتیازاتی برخوردار باشم؛ لذا در مقابل آن تکالیفی هم دارم.

بنابراین در این جا تقابل حق و تکلیف نیست؛ تلازم امتیاز و تکلیف است. تکلیف، ناشی از امتیازی است که شما در این مرحله از عمر دارید؛ ناشی از موهبتی است که خدا به شما داده است. توجه کنیم که این تکلیف در دوران کنونی، سنگین‌تر از همیشه است. چرا؟ چون قشر جوان به طور ویژه در جامعه نقش آفرین شده است؛ چون جمعیت جوان افزایش پیدا کرده است؛ چون کفه جوان در معادلات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی کشور، یک کفه سنگین است. بنابراین در این جا مسئله این نیست که جوان در رابطه با شخص خود تکلیفی دارد یا ندارد؛ نه، مسئله این است که جمعیت عظیم جوانان و حضور آن‌ها در صحنه و به خصوص آگاهی‌یی که امروز جوانان متعهد کشور ما از آن برخوردارند که در کمتر جایی در دنیا، این آگاهی، حساسیت و برانگیختگی وجود دارد تکالیف آن‌ها را سنگین و مهم می‌کند.

البته به شما بگویم؛ این تکلیف، از جمله تکالیفی است که اتفاقاً برای جوان همچنان انگیز هم هست؛ از آن تکالیف‌های خسته کننده کسل کننده نیست؛ تکلیفی است که با طبیعت جوانی هم همراه است و برای جوان، مشوق و پیشبرنده است.

البته بخشی از تکالیفی که ما متوجه جوان‌ها می‌دانیم، تکالیف شخصی آن‌هاست.

خودسازی علمی، خودسازی اخلاقی، خودسازی جسمی؛ این‌ها تکالیف مهمی است؛ مطالباتی است که ما حق داریم از جوان بکنیم، و جوان هم به این خودسازی‌ها احتیاج دارد؛ فعلاً بحث ما این نیست.

آنچه را که من امروز به عنوان یک تکلیف برای جامعه جوان کشور حس می‌کنم، این است که جوان‌ها باید از سرمایه هویت ملی و جمعی کشور با همه





وجود و همت خود دفاع کنند. هر مجموعه انسانی به یک هویت جمعی احتیاج دارد و باید احساس اجتماع و بستگی و هویت جمعی کند.^۱

۴۶. ستایشگری جوان نباید به خوش آمدگویی او تبدیل شود

طول مدت چهل و چند ساله معاشرت من با گروه‌های جوان موجب شده که من قلباً و عمیقاً جوانان را ستایش کنم. البته ستایش کردن جوانان با خوش آمدگویی آن‌ها تفاوت دارد.

من با خوش آمدگویی موافق نیستم؛ چیزی بگویم که شما خوششان بیاید، یا چیزی را که ممکن است شما از آن ناراحت شوید و بدتان بیاید، بر زبان جاری نکنم؛ نه، من به این چیزها عقیده ندارم؛ بلکه معتقدم که ستایش جوان به جای خود درست است و ستایشی واقعی و حق است و نقاط مورد ستایش هم از نظر من مشخص و روشن است و بعضی از آن‌ها را خواهم گفت؛ اما ستایشگری جوان نباید به خوش آمدگویی او تبدیل شود.

شما فرزندان من هستید؛ انسان فرزند خودش را خواه و ناخواه دوست دارد؛ چه آن فرزند بداند، چه نداند؛ چه بخواد، چه نخواهد؛ چه از محبت پدر یا مادر متشکر بشود، یا نشود این دوست داشتن موجب این نیست که اگر در کار او خطایی وجود دارد، گفته نشود تا مبدا بدش بیاید؛ نه، اتفاقاً انسان با فرزند خودش خیلی راحت‌تر از دیگران است. بنابراین من جوانی و ویژگی‌های عمده جوانی را در شما از ته دل دوست دارم و با همه وجود آن را ستایش می‌کنم؛ اما به خدا پناه می‌برم از این که به دام خوش آمدگویی جمعی که در مقابل من هستند یا جماعت‌های فراوانی که من به محبت آن‌ها احترام می‌گذارم، بی‌فتم.^۲

۴۷. مهم‌ترین مسائلی که جوان‌ها باید به آن اهتمام کنند

از جوان‌ها این انتظار وجود دارد که عدالتخواهی را از یاد نبرند. آزادی را با

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جوانان استان اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۱۲.
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جوانان استان اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۱۲.

همان مفهوم بسیار والای اسلامی چه آزادی فردی، چه آزادی اجتماعی و سیاسی، چه آزادی معنوی و روحی جزو خواست‌های همیشگی خود بدانند و از یاد نبرند. مبارزه با فقر و ایجاد رفاه عمومی را جزو مطالبات خود بدانند. امر به معروف و نهی از منکر هم جزو مهم‌ترین مسائلی است که جوان‌ها باید به آن اهتمام کنند. همچنین در برابر فریب رسانه‌ها در واژگونه جلوه دادن حقایق تسلیم نشوند.

امروز مهم‌ترین تلاش دشمن این است که از پیشرفته‌ترین ابزار و روش‌های ارتباطاتی مدرن و فوق مدرن استفاده کند؛ برای این که حقایق کشور ما را واژگونه جلوه دهد. تسلیم خواسته نشوید و اندیشمندان با مسائل برخورد کنید. تسلیم اختلافاتی که بین بعضی از مسئولان وجود دارد و متأسفانه بعضی از مطبوعات هم به آن دامن می‌زنند، نشوید. بین دو نفر مسئول مسئله‌ای پیش می‌آید؛ آن چنان به آن پر و بال می‌دهند که به یک مسئله اجتماعی و عمومی تبدیل شود و ذهن‌ها را به خود مشغول می‌کند....

به ورزش اهمیت بدهید؛ من به خصوص روی ورزش تأکید می‌کنم. من ورزش را به عنوان یک کار بین المللی، نمایشی و هیجانی، در درجه دوم می‌دانم؛ در درجه اول، ورزش برای تقویت و سلامت جسم است، که این را برای همه جوان‌های کشورمان از زن و مرد لازم می‌دانم.^۱

۴۸. اگر شما جوانان، این سه خصوصیت را در خودتان به وجود

آورید، در هر شرایطی و در همه زمینه‌ها موفق خواهید بود
جوان اولاً باید احساس مسئولیت کند؛ یعنی واقعاً خودش را مسئول بداند و بخواهد که زندگی را با پای خودش پیش ببرد و حرکت کند و مثل پر کاهی در امواج حوادث نباشد.

ثانیاً با ایمان حرکت کند، ایمان نقش بسیار مهمی در پیشرفت در همه میدان‌ها و نیز پیروزی بر همه موانع دارد؛

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جوانان استان اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۱۲.





ثالثاً بصیرت و آگاهی داشته باشد. اگر جوانان این سه خصوصیت را در خودشان تأمین کنند - که البته کار چندان آسانی نیست؛ اما بسیار ممکن هست - من خیال می‌کنم که هر وضعی دنیا پیدا کند - ارتباطات پیشتافت کند، تمدن‌های گوناگون به عرصه بازار تمدن‌ها در دنیا پا بگذارند، قدرت بزرگی در دنیا از بین برود، قدرت جدیدی به وجود آید؛ ایران چالش‌های گوناگونی در مسائل اقتصادی و سیاسی و غیره با دیگران داشته باشد، نداشته باشد - در همه زمینه‌ها شما می‌توانید موفقیت خودتان را تضمین کنید. سعی کنید این سه خصوصیتی را که من گفتم، در خودتان به وجود آورید. ببینید؛ من که می‌گویم سعی کنید به وجود آورید، اعتقاد این است که سعی‌ها یک اندازه نیست، یک اندازه هم موفق نیست؛ اما اعتقاد دیگر این است که هر کسی سعی کند، بالاخره توفیقی خواهد داشت.

آن احساس مسئولیتی که من می‌گویم، در مقابل حالت «ولش» قرار دارد. بعضی از جوانان هستند که اگر گفته شود این کار را بکن، می‌گوید ولش! مثلاً امتحانات درسی یا قضیه دیگری در پیش است، می‌گوید ولش! این «ولش» بدترین بلا برای جوانان است. احساس مسئولیت، یعنی رها کردن این حالت «ولش».

ایمان هم یعنی این که انسان واقعاً مؤمنانه وارد میدان شود. سعی کنید ایمانان را قوی کنید. الحمدلله همه شما دل‌های پاک و صاف است و ایمان‌ها در دل‌هایتان می‌درخشد - انسان می‌تواند این را حس کند - در عین حال بکوشید آن را عمیق کنید، تا با هر حادثه‌ای متزلزل نشود. با مطالعات خوب، با استفاده از انسان‌های والا و استادان خوب، آن را تقویت کنید.

در خودتان بصیرت ایجاد کنید. قدرت تحلیل در خودتان ایجاد کنید؛ قدرتی که بتوانید از واقعیت‌های جامعه یک جمع‌بندی ذهنی برای خودتان به وجود آورید و چیزی را بشناسید. این قدرت تحلیل خیلی مهم است. هر ضربه‌ای که در طول تاریخ ما مسلمانان خوردیم، از ضعف قدرت تحلیل بود. در صدر اسلام هم ضرباتی که خوردیم، همین‌طور بوده که حالاً این‌ها

بحث‌های تفسیری زیادی دارد. در دوره‌های گوناگون دیگر هم همین‌طور است. نگذارید که دشمن از بی‌بصیرتی و ناآگاهی ما استفاده کند و واقعیتی را واژگونه در چشمان جلوه دهد.^۱

۴۹. از حوصله جوان‌ها باید حداکثر استفاده را برد و به آنها میدان داد

نکته مهمی در مورد جوانی وجود دارد که من بارها آن را تکرار کرده‌ام. مهم‌ترین نکته جوانی، حوصله است. این را ما پیرها خوب می‌فهمیم؛ جوان‌ها خودشان در ست ملتفت نمی‌شوند. انسان وقتی گذشت زمان و گذشت عمر را تجربه کرد، گاهی استعداد هم دارد، میل هم دارد، کشتش هم دارد؛ اما حوصله ندارد. ابزار حوصله، مهم‌ترین بستر برای جوان است. جوان حوصله دارد، دنبال کار می‌رود و تا گاو و ماهی مسئله را می‌کاود؛ برای این که به نتیجه‌ای برسد. از این حوصله جوانی که به او روح کنکاش و کنجکاوی و پیگیری و ژرف‌کاوی می‌دهد، باید حداکثر استفاده را کرد. به این جوان‌ها باید میدان داد. استعدادها را هم باید در دانشگاه جذب کرد. در بیرون دانشگاه‌ها استعدادهای خیلی خوبی وجود دارد. تا آن جایی که ممکن است، باید این استعدادها را جذب دانشگاه‌ها کرد.^۲

۵۰. جوان، محور حرکت و مرکز تلاش و تحرک جامعه است

جوان در هر جامعه و کشوری، محور حرکت است. اگر حرکت انقلابی و قیام سیاسی باشد، جوانان جلوتر از دیگران در صحنه‌اند. اگر حرکت سازندگی یا حرکت فرهنگی باشد، باز جوانان جلوتر از دیگران‌اند و دست آن‌ها کارآمدتر از دست دیگران است. حتی در حرکت انبشای الهی هم از جمله حرکت صدر اسلام محور حرکت و مرکز تلاش و تحرک، جوانان بودند.^۳

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳.
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳/۸/۱۷.
۳. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه، ۱۳۷۰/۸/۱۵.





بستگان نظام، باید از این خیلی استفاده کنند؛ خیلی هم قابل استفاده است - این همه جوان - چون می دانید که وقتی آدم پیر شد، سست و ناتوان می شود. البته نه همه پیرها، بعضی از پیرها هستند که از جوانها هم سرحالتر و بانشاطتر و کاریتر و به روزترند؛ مثل امام قدس سره، واقعاً همین جور بود.

لیکن به طور قاعده - یعنی اکثراً و اغلب - این جور است. جوان برای حرکت کردن، منتظر هیچ چیز نیست؛ در آن راهی که فکر می کند، جاذبه ای برایش دارد - مادی یا معنوی - باید حرکت کرد. این برای نظام، فرصت خیلی خوبی است ... گاهی باید انسان به جماعتی مرتب بگوید، اصرار کند و به گوششان بخواند تا این حرکت انجام بگیرد؛ ولی جوان، اینها را ندارد. اگر ما آماده به کار باشیم، جوان نیز آماده به کار است. ما که خواستیم در راه خدا مسئولیت را بر دوش بگیریم و این سلوک را در راه خدا برای خودمان و دیگران هموار و آسان کنیم، فرصت خیلی خوبی است.

خوب، عیناً همین حالت برای دشمن هم هست؛ دشمن هم نگاه می کند، می گوید عجب فرصتی! همه جوانان! اگر بتوان اینها را منحرف کرد، اگر بتوان آنها را از حقیقت منحرف کرد، اگر بتوان از جاذبه های معنوی به سمت جاذبه های مادی سوق داد، اگر بتوان ایمانشان را به اساس این نظام، دچار اختلال کرد، خیلی دستاورد خواهیم داشت - دشمن می گوید، راست هم می گوید. پس یک پیکار و نبرد واقعی فرهنگی و سیاسی و فکری بین شما - که لشکر و عناصر انقلابید - و دشمن انقلاب هست.^۱

۵۲. شما جوانها که جزو خواص ملتاید؛ هر جا هستید، سعی کنید

محیط خودتان را بسازید

شما جوانها در این شرایط، مسئولیتان را مضاعف بدانید؛ در هر دانشگاهی که هستید، هر جای کشور چه دخترها، چه پسرها، سعی کنید سازنده باشید، محیط پیرامون خودتان را بسازید ... باید با فکر و تأمل و تلاش

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با نمایندگان ولی فقیه در دانشگاهها، ۱۳۷۷/۸/۱۸.



۵۱. شما جوانها، هر لحظه برای دو صحنه آماده باشید

امروز، شما جوانان وظیفه دارید انقلاب را با همه وجود، تا اعماق جانشان نفوذ و رسوخ بدهید و مفهوم انقلاب و مبانی فکری آن را از بن دندان درک کنید و برای هنگامی که این ملت بدان احتیاج دارد و در دو صحنه مبارزه می کند، آن را در خود ذخیره کنید. **صحنه اول**، صحنه ای است که انقلاب را از لحاظ اقتصادی یا نظامی و یا سیاسی تهدید می کند که باید آن ذخیره را برای دفاع از انقلاب و کشورتان به هرگونه که زمان و موقعیت اقتضا می کند به کار بندید. **صحنه دوم**، صحنه سازندگی است. بهترین سازندگان، سازندگان انقلابی اند. بهترین پدیدآورندگان دنیای آباد باغ انقلاب، کسانی هستند که از انقلاب جوشیده اند و انقلاب در جان آنها رسوخ کرده است. شما جوانان باید برای این دو صحنه، خودتان را هر لحظه آماده داشته باشید.^۱

۵۲. یأس، بزرگترین آفت جوان است

جوانان عزیز! دشمن روی شما سرمایه گذاری های زیادی می کند؛ حواستان جمع باشد. عده ای را به بی تفاوتی می کشاند و عده ای را دلسرد و مایوس می کند. یأس، بزرگترین آفت جوان است. جوانها بدانند که مناسفانه یأس به روح جوان زودتر راه پیدا می کند؛ همچنان که امید این گونه است. در مقابل یأسی که دشمن می خواهد به جوانها تلقین و تزریق کند، خودتان را مصونیت بدهید.^۲

۵۳. جوان بودن کشور، برای نظام و دشمنان نظام، فرصت بسیار

خوبی است

این روزها ... که اکثریت کشور جوانانند ... طرفداران و عشاق و کمر

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه، ۱۳۶۸/۸/۱۰.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه، ۱۳۶۸/۸/۱۰.



۵۶. بی تفاوتی و خون‌سردی نسبت به سرنوشت کشور جالب نیست برای نسل جوان، به خصوص نسل جوان دانشجوی بی تفاوتی و خون‌سردی جایز نیست. آن جوانی که به سرنوشت کشور نیندیشد و حوادث و خصومت‌هایی را که نسبت به کشورش در دنیا سازمانده می‌شود، نبیند و نسبت به آن‌ها نجوشد و نخروشد، آن جوان لایق این نیست که نام جوان شهروند یک ملت انقلابی را روی خودش بگذارد.^۱

۵۷. بی تفاوتی و بی‌مبالاتی نسل جوان برای یک کشور، از میکروب و با

بدتر است

کشوری که در هر صحنه‌ای از صحنه‌ها به مجرد احتیاج به یک حرکت عمومی، مردم به صحنه می‌آیند، یعنی مردم با نشاط حاضر و آماده به کارند؛ اگر دشمنان بخواهند این کشور را از صورت یک موجود «تسلیم نشو» خارج کنند، باید چه کار کنند؟ آیا راهی بهتر از این وجود دارد که و نسل رو به رشدش را بی تفاوت، بی‌موالات، بی‌اهتمام و بی‌نیت کنند؟ به عمل بی‌اعتقاد کنند، به همکاری و همبستگی ملی بی‌اعتقاد کنند، به ارزش و رسالت دین بی‌اعتقاد کنند! آیا این میکروب‌ها بدتر از وبا هست یا نه؟ اگر بتوانند، می‌کنند.^۲

۵۸. جوانان در مورد مسائل اساسی کشور جدی برخورد کنند

ما از جوان‌های عزیزمان - چه دخترها، چه پسرها - توقع داریم که در مورد مسائل اساسی کشور جدی باشند و جدی برخورد کنند. پیشنهاد می‌کنم روی این مسئله «جدی بودن» فکر کنید، بعد خواهید دید خیلی از کارهایی که در گوشه و کنار انجام می‌گیرد، ناشی از جدی نبودن است.^۳

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه، ۱۳۶۸/۸/۱۰.
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار تعدادی از دانشجویان تشکلهای اسلامی در مراسم انطاری، ۱۳۷۶/۱۱/۱.
۳. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضا تشکلهای و نخبگان دانشجویی، ۱۳۸۲/۸/۱۵.



درونی و ذهنی، آنچه را که فراگرفتید، شفاف‌تر و روشن‌تر و عمیق‌تر بکنید و هر روزی که می‌گذرد، از هر فرصتی که دارید استفاده کنید، برای این که در محیط تحصیلی و دانشجویی، منشأ روشنفکری برای دیگران باشید. یعنی محیط را با اشاعه افکار درست و روشنگری‌های خوب، زمینه‌هایی که خودتان تشخیص بدهید، بسازید. شما جزو خواص این ملتید... هر جامعه‌ای که بتواند راه خودش را به سمت بهشت، به سمت رضای الهی و به سمت آن سعادت حقیقی باز کند، خواص آن جامعه در آن، بزرگ‌ترین ثواب را پیش خدای متعال دارند.

اگر خدای نکرده جامعه‌ای دچار انحراف، دچار عقبگرد و دچار ضلالت و گمراهی بشود - این تعبیر ضلالت، تعبیر قرآنی است، بسیار هم تعبیر درستی است - گردن‌های خواص آن جامعه، پیش خداگیر است. شما خواصید - چه بخواهید، چه نخواهید - در همین دوره جوانی، جزو خواصید. سعی کنید در محیط خودتان، مؤثر و کارساز باشید.^۱

۵۵. جوان‌ها، عناصر فعال امروز و ستون‌های فردای انقلاب‌اند

شما دانشجویان و دانش‌آموزان و جوانان، برای نسل آینده و دوره بعد، پایه‌های اصلی انقلابید. امروز هم شما در انقلاب تأثیر زیادی دارید؛ چون جوانید. امروز هم شما در جبهه سیاسی و نظامی و سازندگی و هر جای دیگر که بتوانید حضور داشته باشید، عنصر فعال انقلابید؛ اما فردا شما پایه‌های انقلاب هستید. امروز، عناصر مؤثرید؛ ولی فردا ستون‌های انقلاب هستید. توجه کنید انقلاب را با ریشه‌ها و مبانی فکری و منطقی‌اش، به درستی بشناسید.^۲

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با تعدادی از دانشجویان سراسر کشور در مشهد، ۱۳۷۷/۵/۲۰.
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه، ۱۳۶۸/۸/۱۰.

۵۹. جوان باید فکر کند و این فکر را مطرح و مطالبه نماید
ما می‌خواهیم جوانان احساس کنند که باید فکر کنند و باید این فکر را مطرح
و آن را مطالبه کنند. نمی‌خواهیم کار نمایشی کنیم و نیازی هم به کار نمایشی
نداریم؛ اما به این که جوان ما - به خصوص مجموعه دانشجویی که در سطح
کشور بسیار گسترده و وسیع است - این احساس را در خودش تقویت کند که
در آینده کشور نقش و مسئولیت دارد و باید تعهدی در این زمینه در خود
احساس و برای آن تلاش کند، نیاز داریم.^۱

۶۰. جوانان و احساس مسئولیت نسبت به مسائل انقلاب

قشر جوان بایستی همیشه نسبت به مسائل انقلاب احساس مسئولیت کند
و خودش را از مسائل انقلاب برکنار نداند. انقلاب، امروز چه تکلیفی را به او
املا می‌کند؟ از او چه می‌خواهد؟ او چه نقشی می‌تواند در پیشبرد انقلاب داشته
باشد؟ وظیفه او چیست؟ قشر جوان باید از خیل عظیم مردم ماکه بحمدالله
همیشه در صحنه‌های انقلاب حاضرند جدا نشود و به رشد و آگاهی و
باسواد شدن آنان کمک کند. در دانشگاه باید به روی مردم باز باشد و دانشجوی
محیط دانشگاه محصور نباشد. دانشجو باید با اعضای خانواده خود و با
دوستانش، ارتباطات روشنگر داشته باشد و در مسائل کشور و مسائل جامعه
سهیم باشد.^۲

۶۱. نقش حضرت امام (ره) در جذب قلوب جوانان و پیدایش

انقلاب عظیم اسلامی

حسن بزرگ امام این بود که خودش را به عنوان یک شخص، مطرح نکرد و

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضا تشکل‌ها و نهنگان دانشجویی، ۱۳۸۲/۸/۱۵.
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمع کثیری از طلاب حوزه‌های علمیه و دانشجویان
دانشگاه‌ها، ۱۳۶۹/۹/۲۸.

برای خودش هم در مسائل مربوط به اسلام و مسلمین، به عنوان یک شخص،
مطرح نبود. امام به عنوان یک انسان حل شده در اسلام و یک انسان دل داده به
معارف الهی مطرح بود؛ که از بن دندان و از صمیم قلب، این معارف را پذیرفته
بود و جزو جان او شده بود. او حاکمیت خدا را بر زندگی انسان قبول کرده بود؛
کما این که در زندگی شخصی خودش حاکمیت خدا را حقیقتاً پذیرفته بود، عبد
خدا و مطیع خدا بود.

حاکمیت الهی از این جا شروع می‌شود؛ اول دلمان را بنده خدا بکنیم، خدا را
بر دلمان و بر وجودمان حاکم بکنیم و بعد در سمت ایجاد حاکمیت «الله» بر کل
فضای زندگی جامعه و کشور، حرکت کنیم، تا بعد به دنیا برسیم. یک چنین
انسان‌هایی می‌توانند کار کنند و پیش بروند و امام، حقیقتاً در این میدان، امام و
رهبر الهی بود؛ لذا فریادی که او سر داد، فریاد اسلام و فریاد خدا بود و به برکت
نام و راه خدا، با دل‌ها رابطه برقرار کرد و دل‌ها را در قبضه گرفت.

همیشه همین جور است که وقتی پای یک امر الهی به میان آمد، بافته‌های
طاغوتی به خودی خود کنار زده می‌شوند. مهم این است که آن امر الهی، آن عزم
و آن اقدام الهی، قدم به میدان بگذارد؛ «فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ»^۱. کنار که
بنشینند، هیچ اثری ندارد. بزرگ‌ترین انسان‌ها، بالاترین تقدس‌ها و دانش‌ها،
وقتی وارد میدان نشود و کنار بنشینند، همه امواج از روی سر او رد خواهد شد و
عقب می‌ماند؛ اما وقتی که آن چنان ایمان و عزمی، آن چنان دانش و دل‌پر نور و
با صفایی وارد میدان شد، آن وقت «سحر» با معجزه پهلوی نزنند، دل خوش دار.
هر سحری با آمدن معجزه، باطل می‌شود. وقتی عصای موسی وسط آمد،
«اما جنتم به السحر»، آن چیزی که شما به میدان آورده‌اید، جادو و فریب است؛
حقیقت نیست. حقیقت، عصای موسی است؛ وقتی وارد شد، همه آن سحر‌ها
مثل سایه‌ای که در مقابل فروزش یک چراغ از بین می‌رود، از بین می‌روند.

امام این کار را کرد؛ لذا دل‌ها جذب شد. بعضی تعجب می‌کنند؛ در تحلیل
این پدیده مانده‌اند که چطور شد در آن نظام فاسد و باطل که همه عوام

۱. سوره مائده: آیه ۲۳.

فرهنگی، جوان‌ها را به سمت فساد سوق می‌داد، ناگهان جوان‌ها جلو آمدند و این انقلاب عظیم، راه افتاد! علت، این است. این تحلیل جامعه‌شناختی و روان‌شناختی کاملاً واضحی هم دارد. امام با مَرکَبی وارد این میدان شد که هر که بر آن مَرکَب، سوار باشد، می‌تواند همه خفتگان سالم را بیدار کند.^۱

۶۲. بزرگ‌ترین فتح جمهوری اسلامی این بود که:

در قضیه فتح بستان در سال ۶۰ یا ۶۱ امام علیه السلام پیامی دادند، که در آن پیام، تعبیر «فتح الفتوح» بود. بعضی خیال کردند که «فتح الفتوح» جنگ بستان است؛ اما امام آن را نمی‌گفت؛ امام می‌فرمود: - به این مضمون - «فتح الفتوح»، فتح یا ساختن این جان‌های آگاه و بیدار است. واقعاً بزرگ‌ترین فتح جمهوری اسلامی این بود که توانست این جوانان را به این مرحله از عظمت و اعتلای روحی برساند که بتوانند احساس خودباوری کنند و بایستند و در مقابل تهاجم عظیم یکپارچه دنیا، از کشور و از موجودیتشان و از اسلام دفاع کنند؛ که مظهرش جنگ تحمیلی بود، و تا الان هم ادامه دارد. الان هم ما در مقابل تهاجم دنیا قرار داریم.^۲

۶۳. تلاش برای تربیت نسل جوان کشور حضور در خط مقدم دشوارترین کارها است

انسان‌سازی اهمیت خیلی زیاد دارد، به خصوص تربیت دبیر. ما الان در مدارسمان میلیون‌ها جوان و نوجوان داریم که بچه‌های انقلاب‌اند و فردای زود نه چهل سال دیگر، همین ده، پانزده سال دیگر بلاشک کشور در دست آن‌هاست. یکی از آن‌ها کارمند، یکی مدیریت، یکی نماینده مجلس و یکی وزیر است؛ این‌گونه است دیگر. و آن‌ها در زمان خودشان وظیفه دارند که این روند کشور به سمت هدف‌های انقلاب و اسلام را در یک مرحله عالی‌تر و در

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان بسیجی (طرح ولایت)، ۱۳۷۸/۶/۱۳.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جوانان به مناسبت هفته جوان، ۱۳۷۷/۲/۷.

پایگاه جلوتری پیش ببرند؛ چون توقف و رکود و این‌ها که نیست. آن‌ها که بیایند، باید از ما بهتر و پیشتر حرکت کنند.

این است دیگر، باید از مسئولین امروز بهتر باشند، باید جلوتر بروند؛ و این در حالی است که آن‌ها نه انقلاب را دیدند، نه قدرت مقایسه بین اوضاع انقلاب و اوضاع قبل از انقلاب را دارند؛ چون آن را هم که ندیدند فساد و انحطاط آن زمان، شهوت‌رانی، پستی، بی‌انکاری و وابستگی آن زمان... این بچه‌ها این‌ها را که ندیدند، امام را که ندیدند، جنگ و بمباران تهران را که ندیدند، آن وقت می‌خواهند تربیت بشوند برای این که بتوانند این کاروان عظیم انقلاب را تا آن جایی که ما رساندیم، از ما بگیرند و یک قدم جلوتر ببرند؛ ببینید چه کار سختی است! این کار را چه کسانی باید بکنند؟ همین‌هایی که شما تربیتشان می‌کنید؛ این دبیران، می‌توانند یا نه؟

یعنی شما با این چشم به کار خودتان نگاه کنید. هر کسی که امروز در کار آموزش و پرورش نسل جوان نقش دارد، باید خودش را آن چنان احساس کند که مبارزین دیروز قبل از انقلاب احساس می‌کردند؛ یعنی در خط مقدم دشوارترین کارها، باید این‌گونه و با این روحیه کار کند؛ باید احساس کند کاری را دارد انجام می‌دهد که اگر انجام ندهد، فوت کلی حاصل خواهد شد. چرا؟ چون این‌ها باید بچه‌ها را تربیت کنند.^۱

۶۴. صهیونیست‌ها برنامه‌ریزی می‌کنند تا در درجه اول جوان‌ها را از انقلاب جدا کنند

سیاستمدارهای باهوش صهیونیست دنیا دیده پا دم ساییده رند، فهمیدند که این انقلاب، انقلاب عظیمی است و باید با آن مقابله کنند. آن‌ها با این نیت، برنامه‌ریزی می‌کنند. آن‌ها در واقع از این حرکت عظیم در سطح تاریخ و اهامه دارند؛ لذا برنامه‌ریزی‌های بلند مدت می‌کنند، برای این که بتوانند ملت و در درجه اول جوان‌ها را که جوان‌های امروز، در واقع همه جمعیت فرداست از این

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دسته جمعی روزهای دوشنبه، ۱۳۷۷/۱/۳۱.

انقلاب، جدا کنند.^۱

۶۵ جوان‌ها و بالاصخ جوان‌های دانشجوی باید فهم سیاسی داشته باشند

حکومتی که می‌خواهد به دست مردم کارهای بزرگ را انجام بدهد، می‌خواهد نظام را بر دوش مردم و با قدرت بی‌پایان مردم به سر منزل برساند، مردم را همه چیز نظام می‌داند، مگر مردم چنین نظامی به خصوص جوان‌هایش و بالاصخ جوان‌های دانشجویش می‌توانند غیر سیاسی باشند؟! عالم‌ترین عالم‌ها و دانشمندترین دانشمندان را هم اگر مغز سیاسی و فهم سیاسی نداشته باشد، دشمن می‌تواند با یک آبیات ترشی آن طرف بیرد، مجذوب خودش بکند و برای خودش قرار بدهد. جوان‌های ما این نکات ریز را باید درک کنند.^۲

۶۶ امروز، جوان ما باید بداند در هر لحظه به سمت کدام هدف حرکت می‌کند

دنیای اروپا، دنیای مسلط امروز که عمدتاً همان دنیای غرب و من تبعش هستند مهم‌ترین خلاء را دارند و آن، خلاء یک فکر، یک اندیشه راهنما و به اصطلاح متداول، یک ایدئولوژی است که منکی به یک فکر صحیح و یک تلقی درست از عالم وجود باشد. مهم‌ترین خلاء آن‌ها نداشتن این است؛ لذا مرتب سعی می‌کنند ایدئولوژی‌های دروغی، درست و تزریق کنند. یک علت عمده‌ای که از این انقلاب می‌ترسند، همین است که این انقلاب، یک فکر صحیح درست‌ترریف شده منکی بر یک جهانی صحیح و یک تلقی مستدل و متین از آفرینش عالم دارد.

براساس این مجموعه، هر کسی می‌داند کجای دنیا و کجای راه قرار دارد و

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان بسیجی (طرح ولایت)، ۱۳۷۸/۶/۱۳.
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار، ۱۳۷۲/۸/۱۲.

دارد به سمت کدام هدف حرکت می‌کند. زندگی، هدفدار و مبارزه نیز هدفدار می‌شود. در مینا و تفکر اسلامی، هدف حیات انسان، رسیدن به درجات کمال است؛ کمال معنوی که حتماً آراستگی مادی را با خودش دارد؛ یعنی به تعبیر رایج، آخرتی که از دنیا عبور می‌کند. ایجاد یک جامعه عادلانه، یک جامعه صالح، یک کشور پیشرو و معنوی، در عین حال دارای قدرتهای والای مادی، با جهت‌گیری معنوی، با اخلاق انسانی و با احساس حقیقی انسانیت.

ببینید چه هدف والا و زیبایی است! غربی‌ها این را ندارند. همه این تمدنی که آن‌ها روی هم سوار کرده‌اند و این مسابقه‌ای که وجود دارد، براساس فربردستی و سودپرستی شخصی استوار است؛ لذا در این مسابقه، در یک جا پیشرفت‌هایی به دست می‌آورند، اما در چند جای دیگر، دچار اختلال می‌شوند. این اختلال‌های اخلاقی، این خلاءهای فکری، این اختلالات عصبی جوان‌ها، این آشفتگی و بی‌هدفی جوان‌ها ناشی از آن سودپرستی و خودپرستی و شخص‌پرستی است.

در نظام اسلامی، این جور نیست. تفکر فلسفی اسلام و فهم درست از مبانی اسلامی، کاری می‌کند که انسان در هر لحظه‌ای از لحظات، احساس می‌کند در کجای راه و به سمت کدام هدف حرکت می‌کند؛ قدرت تحلیل برای حوادث پیدا می‌کند و وظیفه خودش را در هر شرایطی تشخیص می‌دهد. امروز باید جوان ما این جور باشد.^۱

۶۷ از اختلاف سلیقه جوانان در مسائل سیاسی و اجتماعی نباید ترسید به شرط آنکه

از اختلاف سلیقه خیلی نباید ترسید. اختلاف سلیقه چیز بدی نیست، و اشکالی هم ندارد که حال که مثلاً دو سلیقه سیاسی وجود دارد، یک جوان به این سلیقه معتقد باشد، دیگری به آن سلیقه. آن چیزی که مضر است، اقدام بی فکر و

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان بسیجی (طرح ولایت)، ۱۳۷۸/۶/۱۳.



۶۸. بنده دلم می‌خواهد جوان‌های ما روی ریزترین پدیده‌های سیاسی دنیا فکر کنند و تحلیل بدهند

بین حرف ما و حرف آمریکایی‌ها، از زمین تا آسمان فاصله است؛ ما می‌گوییم شکل این‌ها را نمی‌خواهیم ببینیم، رابطه با این‌ها را تا آخر نمی‌خواهیم داشته باشیم، آن‌ها می‌گویند اگر می‌خواهید با ما رابطه داشته باشید، باید این کار را بکنید و آن کار را بکنید. اصلاً چه نسبتی بین این دو حرف هست؟^۱

گویا دارند با کشوری صحبت می‌کنند که آن کشور، ده واسطه انداخته است که می‌خواهیم با شما رابطه داشته باشیم! شرط که می‌گذارند! چه شرطی آقا؟ ما برای رابطه با کشوری که آن همه فجایع، پشت سر او و در تاریخ او وجود دارد، شرط داریم؛ شرط ما توبه آن کشور است، شرط ما قطع آن همه فاجعه‌آفرینی برای دنیا است. حالا شما می‌آیید برای ما شرط می‌گذارید؟! رابطه را مشروط می‌کنند، اما ملاک‌ها را غیر مشروط! درست توجیه بکنید. بنده دلم می‌خواهد این جوان‌های ما، شما دانشجوی‌ها - چه دختر و چه پسر - و حتی دانش‌آموزهای مدارس، روی این ریزترین پدیده‌های سیاسی فکر کنید و تحلیل بدهید.^۱

۶۹. تکلیف جوانان در دوران کنونی سنگین‌تر از همیشه است

توجه کنیم که این تکلیف در دوران کنونی، سنگین‌تر از همیشه است. چرا؟ چون قشر جوان به طور ویژه در جامعه نقش آفرین شده است؛ چون جمعیت جوان افزایش پیدا کرده است؛ چون کفه جوان در معادلات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی کشور، یک کفه سنگین است. بنابراین در این جا مسئله این نیست که جوان در رابطه با شخص خود تکلیفی دارد یا ندارد؛ نه، مسئله این است که جمعیت عظیم جوانان و حضور آن‌ها در صحنه و به خصوص آگاهی‌یی که امروز جوانان متعهد کشور ما از آن برخوردارند که در کمتر جایی در دنیا، این

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار، ۱۳۷۷/۸/۱۲.

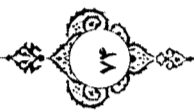


بی‌مطالعه و تصمیم‌گیری‌های سریع و جوشی شدن و بی‌مطالعه کار کردن است. من جوانان عزیز را از این حالت بر حذر می‌دارم. جوانی، لزوماً به معنای سرعت تصمیم‌گیری نیست.

البته جوانی، به معنای بی‌باکی در اقدام هست؛ به معنای این هست که انسان خیلی دچار پیچ و خم‌های کاری که می‌خواهد انجام گردد، نشود؛ اما به معنای جوشی شدن، اقدام بی‌رویه کردن و اقدام نسنجیده کردن نیست. جوان می‌تواند نسنجیده کاری کند، می‌تواند هم سنجیده کاری کند؛ یعنی کاملاً با فکر و با تأمل کار کند. اگر این خصوصیت، یعنی خصوصیت تأمل و اندیشمندی و مطالعه و حق جویی وجود داشته باشد - که همه این‌ها خصوصیتی است که کاملاً در جوان می‌تواند باشد؛ بعضی‌اش هم مثل حق جویی، اصلاً جزو خصوصیات جوانان است - اختلاف سلیقه هیچ مانعی ندارد و موجب گمراهی نخواهد شد؛ حداقل ضررهای عمده پیدا نخواهد شد.

حالت نفی غیر - این که انسان در مسائل اجتماعی، موضعی را اتخاذ کند و بگوید صدها درصد این است و جز این نیست - درست نیست؛ این حالت خوبی نیست. البته در بعضی از اصول عقاید، باید همین گونه بود؛ یعنی بایستی با فکر دنبالش رفت و در یک نقطه ثابت و مستحکم ایستاد و قاطع گفت: این است و جز این نیست. در این جا، «این است و جز این نیست»، بد نیست؛ خوب است؛ اما در مسائل اجتماعی، در مسائل سیاسی، در برخوردهای گوناگون اجتماعی، «این است و جز این نیست»، درست نیست. به نظر من، انسان بایستی نظرات طرف مقابل را تحمل کند، و در مورد ترتیب اثر بر فکر و نظر خودش، سنجیده کاری را معیار و ملاک کار خویش قرار بدهد. اگر این باشد، به نظر من هیچ مشکلی وجود نخواهد داشت.^۱

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جوانان به مناسبت هفته جوان، ۱۳۷۷/۲/۲۸.



آگاهی، حساسیت و برانگیختگی وجود دارد تکالیف آن‌ها را سنگین و مهم می‌کند.^۱

۷۰. نسل جوان در چنین میدانی تکلیف و مسئولیت دارد

ما امروز در دوران حساسی هستیم؛ آیا جوان می‌تواند بی تفاوت بماند؟ حمله دشمن به ما یک امر طبیعی است، هیچ لازم نیست که ما دستگاه‌های ویژه‌ای داشته باشیم تا از اعماق کارهای برای ما خبر بیاورند که البته خبرهای ویژه هم داریم؛ این طور نیست که نداشته باشیم اما اگر آن خبرها را هم نداشته باشیم، خیلی واضح و منطقی و طبیعی است که دشمن علیه ما توطئه کند. عده‌ای می‌آیند و بحث توهم توطئه را مطرح می‌کنند. در دانشگاه و محیط روشنفکری کشور، انسانی خجالت نکشد و بگوید توطئه توهم است؛ دشمن علیه ما توطئه نمی‌کند؛ آمریکا علیه ما توطئه نمی‌کند! - گفت: مادر من چه اشتباه می‌کند؛ به خیالش که گریه هم لولوست! - آمریکایی‌های به این نازنینی! ...^۲

۷۱. همهٔ همت جوان باید این باشد که از نظام حراست کند

جوان، با هوشیاری و حوصله و همت جوانی‌اش باید در محیط کار و تحصیل و مسئولیت‌های آینده، همه همش این باشد که از نظام حراست کند. تکمیل و برطرف کردن عبوب نظام یک حرف است؛ مقابله و نفی و همراهی با براندازان نظام حرف دیگری است. انسان از ته دل غمگین می‌شود که بشنود در یک محفل دانشگاهی، یک وقت یک عنصر به اصطلاح دانشگاهی بگوید، مرد کسی است که در کشور بماند و با این نظام مبارزه کند تا ریشه آن را خشک نماید! کسی که تلاش می‌کند ریشه این نظام اسلامی و الهی و مردمی را خشک کند، مرد است!^۳

نظامی که این همه تلاش انسانی و مردمی در راهش به کار رفته؛ نظامی که

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جوانان استان اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۱۲.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جوانان استان اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۱۲.

این همه جوان برای آن فداکاری کرده‌اند؛ نظامی که خون‌های این همه شهید در راهش بر زمین ریخته شده است؛ نظامی که دلسوزان این کشور، این همه سختی و ناهمواری و ناگواری را در راه استحکام آن تحمل کرده‌اند؛ نظامی که یک ملت بزرگ با همه وجود خود، آن را سر پا نگهداشته است؛ نظامی که در دنیا مایه عزت اسلام و شرف و سربلندی ایران شده است؟! تلاش برای خشکاندن ریشه این نظام، مردانگی است؟! این بزرگ‌ترین نامردی است. البته این پندارهای کاملاً کوتاه نظرانه، جز از دل‌های معلول و معیوب صادر نمی‌شود. ریشه این نظام خیلی مستحکم است؛ جزو عمیق‌ترین ریشه‌هاست و دشمنی‌های بزرگ هم به فضل الهی نتوانسته آن را تکان دهد.^۱

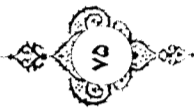
۷۲. لزوم توجه نسل جوان به مسائل تاریخی کشور و چگونگی

شکل‌گیری انقلاب

نسل امروز به خصوص نسل جوان ما باید از تاریخ کشورش اطلاع داشته باشد؛ به خصوص از زمان مشروطیت به این طرف را بداند. شما در هر رشته‌ای که تحصیل می‌کنید، چون جزو نخبگان جامعه هستید بعد از این هم ان‌شاءالله جزو نخبگان برتر خواهید بود باید بدانید که کشور شما در چه موقعیتی قرار داشته دارد. شما باید به خصوص تاریخ رژیم گذشته را بدانید. نسل امروز ما درست نمی‌داند که انقلاب اسلامی چگونه این کشور را از چنگال آن رژیم خلاص کرده است؛ این را ما که با همه پوست و گوشت و همه هستی خود آن رژیم را حس کردیم، خوب می‌دانیم؛ این‌ها باید منعکس و گفته بشود.

آگاهی‌های شما از مسائل جهان باید بالا برود. من گمانم این است هر کسی، هر جوانی و هر دانشجویی که بداند این انقلاب و این نظام، کشور را از دست چه گرگ‌های خون‌آشامی گرفته و چه زحماتی را در این بیست و دو سال طی کرده تا به این جا رسیده و چه دشمنی‌هایی با آن شده و الان هم در کمین آن هستند، کاملاً می‌فهمد که در این نظام چه باید بکند؛ وظیفه خودش را حس می‌کند و تشخیص

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جوانان استان اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۱۲.



می‌دهد. جوان ایرانی، هم روشن‌بین و باهوش است، هم سیاسی است؛ لذا جای ابهام باقی نمی‌ماند. بنابراین، علایی که من پیشنهاد می‌کنم، کتابخوانی، افزایش مطالبه و کشاندن اجتماعات دانشجویی به بحث‌های صحیح و حقیقی نه بحث‌های انحرافی است. البته بحث خودسازی و درون‌سازی و نورانی کردن دل و امثال این‌ها هم بحث‌های مفصلی است که در جای خود باید مورد تأکید قرار گیرد.^۱

۷۳. جوان، طالب اصلاحاتی است که در آن عدالت، آزادی‌های مشروع و آرمان‌های اسلامی تحقق یابد

جوان به طور طبیعی طالب اصلاح است. البته من به تعبیرهای رایج اصلاح طلب و محافظه کار و امثال این‌ها هیچ کاری ندارم؛ اصلاح طلبی به عنوان یک پز سیاسی، مورد نظر من نیست. بعضی‌ها دم از اصلاح طلبی می‌زنند، در حالی که اصلاح نمی‌دانند چه می‌خواهند و دنبال چه هستند. بعضی‌ها دم از اصلاح طلبی می‌زنند، در حالی که آن چیزی که ته ذهنشان قرار دارد، در واقع اصلاح طلبی نیست؛ نوعی ارتجاع و برگشت به عقب است. می‌بینید که بعضی‌ها زیر نام زیبا و جذاب اصلاح طلبی، دنبال این هستند که به دورانی برگردند که درین فقط جنبه تشریفات در زندگی انسان داشته باشد و نه بیشتر؛ این دیگر اصلاح طلبی نیست؛ این نقطه مقابل اصلاح طلبی است. اصلاح طلبی با تکامل و پیشرفت همراه است، نه با عقب‌گرد.

اصلاحات آمریکایی است.

من یکی دو سال پیش در نماز جمعه مطرح کردم که ما اصلاحات انقلابی داریم و اصلاحات آمریکایی. اصلاح آمریکایی مظهرش این است که جرثومه فساد مثل محمدرضای پهلوی دوباره به ایران برگردد و امور را در قبضه خود

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۸/۲۹.

بگیرد؛ بعد هم آن را در سینی تفرقه به اربابان آمریکایی تقدیم کند. این که شما می‌بینید رسانه‌های آمریکایی و انگلیسی و سیاستمداران‌شان دم از اصلاحات در ایران می‌زنند، منظورشان چنین چیزی است؛ یعنی جرثومه فساد که تابع و مرید و آلت دست و کوچک ابدال آن‌ها باشد؛ چنین کسی در کشور سر کار بیاید و همه چیز را در خدمت آن‌ها قرار دهد.

البته بعضی هم هستند که صادقانه اصلاح طلبند در این شکی نیست و واقعاً از کمبودها، نارسایی‌ها، عقده‌ها و انحرافات رنج می‌برند و دنبال اصلاح آن‌ها هستند، که این به جای خود مطلوب است. جوان، این گونه اصلاح طلب است؛ یعنی به طور طبیعی طالب عدالت، آزادی‌های مشروع و تحقق آرمان‌های اسلامی است. حقایق و آرمان‌های اسلامی، او را به هیجان می‌آورد و در او جاذبه ایجاد می‌کند.

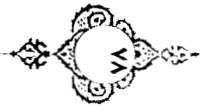
تصوربری که در ذهن او از سیمای امیرالمؤمنین نقش بسته، او را به هیجان می‌آورد؛ نواقص موجود را با او تطبیق و مقایسه می‌کند و طالب اصلاح می‌شود؛ این چیز بسیار برجسته‌ای است.^۱

۷۴. جوانان باید در همه میدان‌ها حضور داشته باشند، ولی با انضباط

جوانان عزیز! شماها امیدهای انقلاب و اسلامید. رفتار شماها می‌تواند این مملکت را در جهت شکوفایی، با سرعت به پیش ببرد. وقتی جوان مملکت هوشیارانه، با تدبیر، با حلم، با توجه به موقعیت‌ها، حرف بزنند و تصمیم بگیرند و عمل کنند، کشور گلستان خواهد شد. وقتی هیجانات کور، با وسط بگذارند، دشمن فوراً استفاده خواهد کرد.

بارها گفته‌ام، باز هم تکرار می‌کنم؛ من معتقدم که جوان مملکت بایستی در همه میدان‌ها حضور و آمادگی داشته باشد؛ متها با انضباط. این‌گونه حرکاتی که ملاحظه شد کسانی به دانشگاه حمله کنند، ناشی از بی‌انضباطی است؛ با هر نامی انجام بگیرد، غلط و محکوم است. اگر با نام دفاع از دین هم انجام بگیرد، غلط

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جوانان استان اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۱۲.



است؛ اگر با نام دفاع از ولایت هم انجام بگیرد، غلط است. مگر من بارها نگفتم که در اجتماعات کسانی که مخالفاند، هیچ کس نباید رفتار خشونت‌آمیز داشته باشد؛ چون این، دشمن را خوشحال می‌کند.

بارها ما این حرف را گفتیم، چرا گوش نکردند؟! چرا گوش نمی‌کنند؟! حتی اگر یک چیزی که خون شما را به جوش می‌آورد مثلاً فرض کنید اهانت به رهبری کردند باز هم باید صبر و سکوت کنید. اگر عکس من را هم آتش زدند و یا پاره کردند، باید سکوت کنید. نیرویتان را برای آن روزی که کشور به آن نیازمند است، برای آن روزی که نیروی جوان و مؤمن و حزب‌اللهی باید در مقابله با دشمن بایستد، حفظ کنید؛ والا حالا فرض کنیم یک جوانی، یا یک دانشجوی فریب‌خوردۀ‌های هم حرفی زد و کاری کرد، چه اشکالی دارد؟ من از او صرف‌نظر می‌کنم.^۱

۷۵. نکته مهمی که در مورد فرهنگ غربی وجود دارد و دلم می‌خواهد

شما جوانان به آن توجه کنید

نقی غرب، به هیچ وجه به معنی نقی فنآوری و علم و پیشرفت و تجربه‌های غرب نیست و هیچ عاقلی چنین کاری را نمی‌کند. نقی غرب، به معنای نقی سلطه غرب است که هم سلطه سیاسی مورد نظر است، هم سلطه اقتصادی و هم سلطه فرهنگی. من در این فرصت اندک، در زمینه سلطه فرهنگی غرب چند جمله می‌گویم، شاید آن‌شاء‌الله برای شما مفید باشد.

ببینید؛ فرهنگ غرب، مجموعه‌ای از زیبایی‌ها و زشتی‌ها است. هیچ کس نمی‌تواند بگوید فرهنگ غرب یکسره زشت است؛ نه، مثل هر فرهنگ دیگری، حتماً زیبایی‌هایی هم دارد. هیچ کس با هیچ فرهنگ بیگانه‌ای این گونه برخورد نمی‌کند که بگوید ما در خانه‌مان را صدها رد روی این فرهنگ ببندیم؛ نه. **فرهنگ غرب، مثل فرهنگ شرق، مثل فرهنگ هر جای دیگر دنیا، یک فرهنگ**

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمعی از دانشجویان به همراه انتشار مختلف مردم، ۱۳۷۸/۴/۲۱.

است که مجموعه‌ای از خوبی‌ها و بدی‌ها است. یک ملت عاقل و یک مجموعه خردمند، آن خوبی‌ها را می‌گیرد، به فرهنگ خودش می‌افزاید، فرهنگ خودش را شفی می‌سازد و آن بدی‌ها را رد می‌کند. همان‌طور که گفتیم، در این زمینه، بین فرهنگ اروپایی، غرب، آمریکایی، آمریکای لاتین، آفریقا و ژاپن فرقی نیست و هیچ تفاوتی ندارد و در این حکمی که می‌گویم، همه یکسان هستند. ما در مقابل هر فرهنگی که قرار می‌گیریم، به‌طور طبیعی تا آن جایی که می‌توانیم، باید محسّنات آن را بگیریم و چیزهایی که مناسب ما نیست - بد و مضّر است - و با چیزهایی که به نظر ما خوب است، منافات دارد، آن را رد کنیم. این اصل کلی است. **منتها در زمینه فرهنگ غربی نکته مهمی وجود دارد که من دلم می‌خواهد شما جوانان به این نکته توجه کنید. فرهنگ غرب - یعنی فرهنگ اروپایی‌ها - عیبی دارد که فرهنگ‌های دیگر، تا آن جایی که ما می‌شناسیم، آن عیب را ندارند، و آن «سلطه‌طلبی» است. این، قطعاً دلایل انسانی و جغرافیایی و تاریخی دارد.**

از اول که این‌ها در دنیا به یک برتری علمی دست یافتند، سعی کردند همراه با سلطه سیاسی و اقتصادی خودشان - که به شکل استعمار مستقیم در قرن نوزدهم انجامید - فرهنگ خودشان را هم حتماً تحمیل کنند. این‌ها با فرهنگ ملت‌ها مبارزه کردند؛ این بد است. ملتی می‌گوید فرهنگ من باید در این کشور جاری شود این چیز قابل قبولی نیست. هر چند هم خوب باشد، آن ملتی که این فرهنگ بر او تحمیل می‌شود، این را نمی‌پسندد.

شما یقیناً خوردن نان و ماست را به میل و اشتهای خودتان، ترجیح می‌دهید به این که چلوکباب را به زور در دهانتان بگذارند و بگویند باید بخوری! وقتی کاری زورکی و تحمیلی شد؛ وقتی از موضع قدرت انجام گرفت و وقتی متکبرانه و مستکبرانه تحمیل گردید، هر ملتی آن را پس می‌زند؛ باید هم بزند. مثلاً کراوات یک پدیده غربی است. غربی‌ها این را می‌خواهند، دوست می‌دارند و با استشنان هماهنگ است؛ اما شما که اهل فلان کشور دیگر هستید و تصادفاً کت و شلوار را انتخاب کرده‌اید، اگر کراوات نزنید، یک آدم بی‌ادب محسوب می‌شوید؟! چرا؟! این فرهنگ شماست؛ تقصیر من چیست؟! اگر کت





و شلوار پوشیدید، باید پایون و کراوات بزنید، و الا در فلان مجلس رسمی راه ندارید و یک آدم بی ادب و غیر منضبط و بی نزاکت تلقی می شوید! این، آن تحمیل فرهنگ غربی است. زن غربی، روش هایی دارد. آن ها نسبت به مسئله زن و روش زن و پوشش زن و ارتباطش با مردان و حضورش در جامعه، فرهنگی دارند. خوب یابد، بحثی سر آن نداریم - اما سعی دارند این فرهنگ را به همه ملت های دنیا تحمیل کنند! در باب فرهنگ غربی، این بد است.^۱

۷۶. علت مقابله ملت ایران با فرهنگ غربی

سعی شده است از طریق رؤسای کشورها و رژیم های فاسد، فرهنگ غربی به ملت ها تزریق شود. رژیم و خاندان فاسد پهلوی - که خدا از این ها به خاطر آنچه که به ملت ایران کردند، نگذرد - از این قبیل بودند. این ها با انواع روش ها و شیوه ها سعی کردند فرهنگ غربی را بر کشور ما حاکم کنند. به خاطر این، ملت ایران را تحقیر می کردند؛ فرهنگ ملی را تحقیر می کردند؛ باورهای ملی را تحقیر می کردند.

شما ببینید در دوران حکومت پهلوی ها و اندکی قبل از آن در اواخر حکومت قاجار ها، که همین حمله غربی ها شروع شده بود و در دوران پهلوی ها به اوج خود رسید، پرورش یافته های آن دوران، ملت ایران را اصلاً قابل این نمی دانستند که بتواند خودش را اداره کند، بتواند کاری بکند، بتواند چیزی بسازد، چیزی به دنیا ارائه دهد و یا بر معلومات دنیا اضافه کند. این به خاطر چیست؟ این به خاطر تحقیر فرهنگ ملت، تحقیر هویت ملی و تحمیل فرهنگ بیگانه است. هویت ملی با «فرهنگ» شکل می گیرد. هویت هر ملتی، فرهنگ اوست؛ این را بنیستی زخمی و جریحه دار کرد. علت مقابله ملت ایران با فرهنگ غربی این است.^۲

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳.

۷۷. عمده ترین موانع ازدواج جوان ها، موانع فرهنگی است

مسئله اشتغال با مسئله ازدواج ارتباط هم دارد و یکی از موانع ازدواج، همین مسئله اشتغال است؛ لیکن در مورد ازدواج، من عرض بکنم: عزیزان من! موانع فرهنگی ازدواج را دست کم نگیرید. ازدواج برای جوان ها لازم است و جوان ها هم آن را می خواهند؛ اما موانعی هم وجود دارد؛ ولی همه موانع اقتصادی نیست؛ موانع اقتصادی بخشی از مشکل است؛ عمده، موانع فرهنگی است - عادات ها، تفاخر ها، تکاثر ها، چشم و هم چشمی ها، تعجل طلبی ها - این هاست که یک مقدار نمی گذارد آن کاری که باید انجام بگیرد، صورت بگیرد. باید خود شما و خانواده هایتان این گروه را باز کنید. من از این ازدواج های دانشجویی که هر سال برگزار می شود، بسیار خشنود و خرسندم. اگر عادت کنند که ازدواج ها را ساده، بی پیرایه و بی تشریفات انجام بدهند، فکر می کنم که خیلی مشکلات حل خواهد شد. اساس ازدواج در اسلام بر سادگی است؛ در اوایل انقلاب هم همین طور بود؛ متأسفانه این فرهنگ تکاثر و تفاخر و سرمایه داری یک خرده کار را مشکل کرد.^۱

۷۸. نباید به ذهن و دل جوان چیزی بدهیم که او را به سمت گناه و فساد بفرزاند

ما نباید به ذهن و دل جوان چیزی را بدهیم که او را به سمت گناه و فساد می نراند؛ این غیر از آزاد گذاشتن فکر برای انتخاب در مسئله ای است. شما می دانید که مسائل احساساتی به کسی فرصت انتخاب نمی دهد؛ انسان را به سمتی می کشاند، بدون این که قدرت انتخاب داشته باشد! را نمی پسندم. انسان در خیلی از فیلم ها و کار های نمایشی مشاهده می کند که برای جلوه دادن به کار، از جاذبه های جنسی استفاده می کنند، در موسیقی یک طور دیگر! در بعضی از هنر های دیگر طور دیگر، باید به گونه ای باشد که هنرمند بتواند آزادانه هنر

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیر کبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۹.





خودنمایی و تبرج باشد، عیبی ندارد.
در اسلام، «تبرج» ممنوع است. تبرج، یعنی همان خودنمایی زنان در مقابل مردان، برای جذب و فتنه انگیزی. این، یک نوع فتنه است و خیلی اشکالات دارد. اشکالش فقط این نیست که این دختر جوان، با این پسر جوان به گناه می افتند. این اولی‌اش است؛ شاید بتوانم بگویم کوچک‌ترینش است. دنباله‌اش به خانواده‌ها می‌رسد. اساساً آن گونه رابطه‌ی بی‌قید و شرط و بی‌بند، برای بنای خانواده سم مهلک است؛ چون خانواده با عشق زنده است. اصلاً بنای خانواده با عشق است. اگر این عشق - عشق به زیبایی، عشق به جنس مخالف - در صد جای دیگر تأمین شد، دیگر آن پشتوانه قوی‌یی که استحکام خانواده باید داشته باشد، از بین خواهد رفت و خانواده‌ها متزلزل می‌شود؛ به همین وضعی درمی‌آید که امروز متأسفانه در کشورهای غربی است.^۱

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جوانان به مناسبت هفته جوان، ۱۳۷۷/۲/۷.



خودش را بدون این اجباری که گفتیم - اجبار به سمت مشتری طلبی - عرضه کند تا هنر، صحیح و کامل از آب در بیاید.^۱

۷۹. نوگرایی، آرایش، پوشش و نحوه برخورد جوانان با آن

اصل گرایش به زیبایی و زیباسازی و زیاده‌وستی، یک چیز فطری است. البته این شاید با مقوله نوگرایی مقداری تفاوت بکند؛ نوگرایی چیز عامتری است. این مسئله آرایش و لباس و این چیزها مقوله خاصی است که انسان، به خصوص جوان، از زیبایی و زیباسازی خودش می‌آید و دلش می‌خواهد که خودش هم زیبا باشد؛ و این عیبی هم ندارد؛ یک چیز طبیعی و فطری است؛ در اسلام هم منع نشده است. آن چیزی که منع شده، فتنه و فساد است.
این زیبایی و زیباسازی، بایستی موجب این نشود که در جامه انحطاط و فساد به وجود بیاید؛ یعنی ابتذال اخلاقی نباید به وجود بیاید. چگونه؟ راه‌های مشخص است.

اگر ارتباط بی‌قید و شرط و بی‌بندوباری در روابط زن و مرد وجود داشته باشد، این موجب فساد خواهد شد.

اگر به صورت افراطی به شکل مدیریت در بیاید، این به فساد نخواهد انجامید.

اگر این مقوله زیباسازی و رسیدن به سر و وضع و لباس و امثال این‌ها، مشغله اصلی زندگی بشود، انحراف و انحطاط است؛ مثل این که در دوره طاغوت، آن خانم‌های اعیان و اشراف، پشت میز آرایش می‌نشستند. فکر می‌کنید چند ساعت می‌نشستند؟ شش ساعت! این واقعیت دارد، و ما خبرهای دقیق داشتیم که شش ساعت می‌نشستند! یک انسان، این مدت برای آرایش صرف وقت کند، که می‌خواهد مثلاً به عروسی برود و موی سرش را، یا صورتش را این طوری درست کند! اگر کار به این شکل دربیاید، انحراف و انحطاط است؛ اما فی نفسه، رسیدن به سر و وضع و لباس، بدون این که در آن

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع اصحاب فرهنگ و هنر و اندیشه کشور، ۱۳۸۰/۵/۸.



هنر و موسیقی

۸۰. هنر یک موهبت الهی و یک حقیقت بسیار فاخر و در عین حال

تکلیف آور است

[هنر] گویا گرانبهای است که ارزش و گرانبهای آن فقط بدین جهت نیست که دلها و چشمهایی را به خود جذب می کند - خیلی از چیزهایی که هنری نیست، ممکن است چشمها و دلهایی را به خود جذب کند - نه، این یک موهبت و عطیه الهی است. حقیقت هنر - هر نوع هنری - یک عطیه الهی است.

اگر چه بروز هنر در چگونگی تبیین است، اما این، همه حقیقت هنر نیست؛ پیش از تبیین، یک ادراک و احساس هنری وجود دارد؛ نکته اصلی آن جاست. بعد از آن که زیبایی یک ظرافت و یک حقیقت ادراک شد، از آن هزار نکته باریک تر ز مو که گاهی آدمهای غیر هنرمند نمی توانند یک نکته اش را هم درک کنند، هنرمند با همان روح هنری و با آن چراغ هنر که در درون او برافروخته شده است، ظرافت و دقایق و حقایق را برآز می کند؛ این می شود هنر واقعی و حقیقی، که ناشی از یک ادراک و یک بازتاب و یک تبیین است.





در واقع هنر یک موهبت الهی و یک حقیقت بسیار فاخر است. به طور طبیعی آن کسی که این موهبت از سوی پروردگار به او داده شده است، مثل همه ثروت‌های دیگر، باید بار مسئولیتی را هم برای خودش قائل باشد؛ یعنی داده‌های خدا همراه با انجام تکلیف‌هاست. این تکلیف‌ها لزوماً همه دینی و شرعی نیست؛ تکلیف‌هایی است که خیلی از آن‌ها از دل انسان برمی‌خیزد.

وقتی شما چشم دارید، این نعمتی است که بعضی‌ها آن را ندارند؛ اما این چشم به طور طبیعی غیر از لذت‌ها و برخورداری‌هایی که به شما می‌دهد، تکلیفی را هم بر دوش شما می‌گذارد؛ «چون می‌بینی که نابینا و چاه است» این تکلیف به خاطر چشمی است که شما دارید. لازم نیست که دین به آدم بگوید، یا یک آیه قرآن درباره‌اش نازل شده باشد؛ این را دل شما می‌فهمد. یا هیچ کس در دنیا نیست که فروتمندی را -ولو آن برخورداری، باکد، یمین و عرق جبین خودش به دست آمده باشد- ملامت نکند، هنگامی که ببیند او نسبت به مستمندان، بی‌خیال و بی‌تفاوت و طعنه‌زن است؛ در حالی که آن فروتمند ممکن است به شما بگوید خودم این ثروت را به دست آوردم و مال خودم است؛ اما شما از او نمی‌پذیرید. وقتی ثروت و موهبت و دستاوردی وجود دارد، در قبال آن تکلیفی هم خواهد بود.

البته هنر از آن چیزهایی نیست که یکسره با کد یمین و عرق جبین به دست آمده باشد. تا قریحه و استعداد هنری در شما نباشد، هر قدر هم که زحمت بکشید، باز همچنان در آن خم اول باقی خواهید ماند. آن قریحه، کار و دستاورد شما نیست؛ آن را به شما داده‌اند. خدا همه نعمت‌ها را به انسان می‌دهد؛ هر چند مجرای آن، جامعه و پدر و مادر و محیط و چیزهای دیگر است. شما زحمت کشیده‌اید، اما فرصت و همت زحمت‌کشیدن را هم خدا به شما داده است، تا توانستید در وجود خودتان هنر را به اعتلا برسانید.^۱

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع اصحاب فرهنگ و هنر و اندیشه کشور، ۱۳۸۰/۵/۱.

۸۱. من برای هنر نقش واقعی، جدی و اساسی قائل‌ام

بنده جزو دوستاناران هنر و معتقد به رسالت هنر هستم؛ یعنی من از بن‌دندان به هنر معتقدم. عده‌ای هنر را تجملاتی و تشریفاتی و مثل زعفران روی قاب پلو به حساب می‌آورند؛ ولی بنده اینطور عقیده ندارم. من برای هنر نقش واقعی، جدی و اساسی قائل‌ام. امروز هم بیشترین ضربه‌ای که دارد در دنیا به ما می‌خورد، از کارکرد هنر است. حتی کارهای ارتباطاتی که انجام می‌دهند، اگر آن را با هنر آمیخته نکنند، اثر ندارد. همین پروپاگاندهای معروف دنیا خودش یک هنر است؛ این‌ها با کارهای غیر هنری و غیر فیزیکی حل نمی‌شود؛ هنرمندی لازم دارد تا بتواند یک پیام را در اصمق جان مخاطب خود حق جلوه دهد؛ در حالی که باطل محض است. دنیا دارد این‌طوری عمل می‌کند.^۱

۸۲. نحوه برخورد با هنر و هنرمند

مسئله هنر و هنرمند، جزو مسائلی است که هم ظریف است، هم به شدت حساس و دقیق است و مرزهای دشواری در این زمینه وجود دارد. اگر ما به این مرزها بی‌توجه باشیم، ممکن است خطا کنیم و برخلاف آنچه که شایسته است، عمل نماییم؛ البته این مربوط به ما است. سخن درباره مرزهایی که هنرمند باید رعایت کند، نیست؛ آن ماجرای دیگری است. ما که با مسئله هنر و هنرمند با این موضوع مهم در اداره کشور مواجه‌ایم، باید مرزها را درست بشناسیم تا بتوانیم درست قضاوت کنیم و بر اساس قضاوت عمل نماییم.^۲

۸۳. هنرمند، هم در باب فرم و قالب هنر و هم در باب قالب مضنون،

تعهد دارد

بعضی‌ها می‌گویند در هنر متعهد، کلمه اول با کلمه دوم تناقض دارد. هنر، یعنی آن چیزی که مبتنی بر تخیل آزاد انسان است و متعهد، یعنی زنجیر شده؛

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۱/۹/۲۶.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع اصحاب فرهنگ و هنر و اندیشه کشور، ۱۳۸۰/۵/۱.





است. من مطلبی را به گمانم از قول رولان خوندادم که گفته بود در یک کار هنری، یک درصد هنر، نود و نه درصد اخلاق یا احتیاطاً این طوری بگوییم: ده درصد هنر، نود درصد اخلاق به نظرم رسید که این حرف، حرف دقیقی نیست. اگر از من سؤال کنند، من می‌گویم صد درصد هنر و صد درصد اخلاق؛ این‌ها با هم منافات ندارند.

باید صد درصد کار را با خلاقیت هنری ارائه داد و صد درصد آن را از مضمون عالی و تمالی بخش و پیش‌برنده و فضیلت ساز پر کرد و انباشت. آن چیزی که دغدغه برخی آدم‌های دلسوز در زمینه مسائل هنری است، این است که ما به بهانه آزادی تخیل یا آزادی هنری، فضیلت سوزی و هنک اخلاق نکنیم؛ این بسیار مهم است. بنابراین هنر متعهد یک واژه درست است.

هنرمند باید خود را به حقیقتی متعهد بداند. آن حقیقت چیست؟ این که هنرمند در چه سطحی از اندیشه قرار دارد تا بتواند همه و یا بخشی از آن حقیقت را ببیند و شناسد، بحث دیگری است. البته هر چه اندیشه و فکر و درک عقلانی بالاتر باشد، می‌تواند به آن درک ظریف هنری کیفیت بیشتری بدهد.

حافظ شیرازی صرفاً یک هنرمند نیست؛ بلکه معارف بلندی نیز در کلمات او وجود دارد؛ این معارف هم فقط با هنرمند بودن به دست نمی‌آید؛ بلکه یک پشتوانه فلسفی و فکری لازم دارد. باید متکا یا نقطه عزیمت و خاستگاهی از اندیشه والا، این درک هنری و سپس تبیین هنری را پشتیبانی کند. البته همه در یک سطح نیستند؛ توقع هم نیست که این چنین باشند. این در مورد همه رشته‌های هنری صادق است. شما از معماری بگیریید تا نقاشی و طراحی و مجسمه سازی و تالارهای سینما و تئاتر و شعر و موسیقی و بقیه رشته‌های هنری، همین معنا در آن‌ها وجود دارد.

یک وقت شما معماری را می‌بینید که اندیشه‌ای دارد؛ یک وقت یک معمار از لحاظ اندیشه، لخت و بی‌هویت است و متکی به فکری نیست؛ این‌ها اگر بخوانند بنایی را ایجاد کنند، دو گونه طراحی می‌کنند. اگر ساخت یک شهر را به دست دو نفر آدم این طوری بدهند، یک نیمه آن با نیمه دیگر به کلی متفاوت



این دو چگونگی با هم می‌سازد! این یک تصور است؛ البته تصور درستی نیست. بحث مسئولیت و تعهد هنرمند، قبل از هنرمند بودن او به انسان بودن او برمی‌گردد.

بالاخره یک هنرمند قبل از این که یک هنرمند باشد، یک انسان است؛ انسان که نمی‌تواند مسئول نباشد. اولین مسئولیت انسان در مقابل انسان‌هاست. اگر چه انسان در مقابل طبیعت و زمین و آسمان هم تعهد دارد، اما مسئولیت بزرگ او در قبال انسان‌هاست. در عین حال هنرمند به خاطر ویژگی بسیار ممتازش، تعهد جداگانه‌ای غیر از آن بیانی که قبلاً گفتیم، دارد.

هنرمند، هم در باب فرم و قالب هنر خودش و هم در قالب مضمون تعهد دارد. کسی که قریحه هنری دارد، نباید به سطح پابین اکتفا کند؛ این یک تعهد است. هنرمند تنبل و بی‌تلاش، هنرمندی که برای کار هنری خودش و ایجاد خلاقیت تلاش نمی‌کند، در حقیقت به مسئولیت هنری خودش در قبال قالب عمل نکرده است.

هنرمند باید دائم تلاش کند. البته ممکن است انسان یک وقت به جایی برسد که بیش از آن نمی‌تواند تلاش کند بحثی نیست اما تا آن جایی که می‌تواند، باید برای اعتلای قالب هنری تلاش کند این تعهد در قبال قالب، بدون یک احساس شور و عشق و مسئولیت - البته این شور و عشق هم مسئولیت است؛ آن هم یک دست قوی است که انسان را وادار به کاری می‌کند و نمی‌گذارد که احساس تنبلی و تن‌آسایی، او را از کار باز بدارد - به دست نمی‌آید.

علاوه بر این، تعهد در قبال مضمون است. ما چه می‌خواهیم ارائه بدهیم؟ اگر انسان محترم و عزیز است، دل و ذهن و فکر او هم عزیز و محترم است. نمی‌شود هر چیزی را به مخاطب داد، فقط به صرف این که او نشسته و دارد به حرف‌های ما گوش می‌دهد، باید ببینیم به او چه خواهیم بدهیم.

البته بحث این که ما وارد کدام دسته بندی سیاسی بشویم یا نشویم این حرف‌هایی که بعضی از دوستان می‌زنند مسائلی است که شما باید از این‌ها عبور کرده باشید؛ این‌ها محل کلام نیست؛ محل کلام؛ اخلاق و فضیلت

خواهد بود به هر حال این تعهد لازم است.

هنر ملتزم و متعهد، یک حقیقت است؛ ما باید به آن اقرار کنیم؛ نمی توان رها و پله و پی هوا و بانگیزه های روز به روز و احياناً پايين و پست يا ناسالم، دنبال هنر رفت و سرافراز بود؛ چون آن ابتهاجی که در - هنر مند وجود دارد - هنر مند بهجت و یزه های دارد که با شادی های معمولی فرق دارد و در غیر هنر مند اصلاً دیده نمی شود - در صورتی حقیقتاً به وجود خواهد آمد که بدانند دنبال چه چیزی دارد می رود و چه کار می خواهد بکند، تا با هنر مندی خودش احساس رضایت و بهجت کند که دارد آن کار را انجام می دهد، در این صورت باید اخلاق انسانی، فضیلت ها و معارف والای دینی و الهی مورد توجه باشند.^۱

۸۴ هنر دینی، هنری است که بتواند مجسم کننده و ارائه کننده

آرمان های دین اسلام باشد

پیروی از هنر دینی را نباید با هنر قشری و تحقیر گرا و به تعبیر دوستان پیروی از روش های فلاں مجموعه جاهل و نادان اشتباه کرد؛ هنری که بتواند مجسم کننده و ارائه تهمت نریند. هنر دینی عبارت است از هنری که بتواند مجسم کننده و ارائه کننده آرمان های دین اسلام که البته برترین آرمان های ادیان الهی است باشد. این آرمان ها همان چیزهایی است که سعادت انسان، حقوق معنوی انسان، اعتلای انسان، تقوا و پرهیز گاری انسان و عدالت جامعه انسانی را تأمین می کند. البته هیچ الزام و اجباری وجود ندارد که این گونه عمل بشود یا نشود. کسانی که با نظرات من در این زمینه آشنا هستند، می دانند که بنده معتقد نیستم که هنر با بخشنامه و دستور و فرمان و حکم و این طور چیزها درست می شود؛ این از آن چیزهایی است که با حکم درست نمی شود؛ باید انگیزه وجود داشته باشد؛ هر چند انگیزه های ناپاک هم وجود دارد.^۲

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع اصحاب فرهنگ و هنر و اندیشه کشور، ۱۳۸۰/۵/۱.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع اصحاب فرهنگ و هنر و اندیشه کشور، ۱۳۸۰/۵/۱.

۸۵ هنر باید جهت و غایت داشته باشد و هنرمند بداند کارش برای چیست؟

یکی از اشکالات هنر، انحطاط است. هنر، انحطاط پیدا کرده و پایین رفته است. اشکال دیگر، مهار گسیختگی است؛ یعنی از حدود خارج شده است. اشکال بعدی، گم کردن و نایافتن جهت است. هنر، ولو سالم هم باشد، باید جهت آن مشخص باشد؛ ما با این هنر چه کار می خواهیم بکنیم.

تر «هنر برای هنر» از دروغ های معروفی بود که کسانی هم که این را به ما یاد دادند، خودشان هیچ معتقد نبودند. بعضی از کسانی که قبل از انقلاب شعار «هنر برای هنر» را می دادند، تا صحبت می شد، می گفتند این چیزها را داخل نکنید؛ اما بعد فهمیدیم هیچ اعتقادی ندارند.

این ها چون آن روز می دیدند هنر - که البته آنچه در دستگاه دوستان ما بود، عمداً شعر بود - در خدمت اهداف و آرمان هایی دارد به کار می رود، می خواستند مانع بشوند؛ والا وقتی نوبت خودشان رسید، همه هنر هایی که داشتند و نداشتند، در خدمت آرمان های دستگاه های استکباری قرار دادند؛ از زندان ها آزاد شدند و رفتند در دفتر فرح و دیگران شغل هنری گرفتند؛ «هنر برای هنر» را برای دیگران می خواستند؛ مثل اروپایی ها که امروز خیلی از چیزها را برای کشورهای جهان سوم می خواهند؛ اما وقتی نوبت به خودشان می رسد، لازم نیست.

به کار بردن سلاح اتمی و سلاح شیمیایی، ساختن سلاح های کشتار جمعی، بد اخلاقی کردن با ملت ها، غارت اموال ملت ها و تعرض به حیثیت و هویت آن ها؛ در صورتی که خودشان بکنند، ایرادی ندارد؛ اما اگر نسبت به آن ها انجام بگیرد، ایراد دارد آن ها هم همین طوری بودند. بنابراین من هیچ عقیده ای به این تر ندارم. هنر باید جهت و مفاد و غایت داشته باشد و هنر مند بداند کارش برای چیست؛ معلوم باشد چه می خواهد بُروز و ظهور کند و شکوفا شود و سپس به اجرا درآید و در خارج تحقق پیدا کند.^۱

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۱/۹/۲۶.

۸۶ هنر نباید در خدمت شهوت، خشونت، استبدال و استحاله هویت انسان و جامعه قرار گیرد.

هنر دینی به هیچ وجه به معنای قسری‌گری و تظاهر ریاکارانه دینی نیست و این هنر لزوماً با واژگان دینی به وجود نمی‌آید؛ ای بسا هنری صد در صد دینی باشد، اما در آن از واژگان عرفی و غیر دینی استفاده شده باشد. نباید تصور کرد که هنر دینی آن است که حتماً یک داستان دینی را به تصویر بکشد یا از یک مقوله دینی مثلاً روحانیت و غیره صحبت کند.

هنر دینی آن است که بتواند معارفی را که همه ادیان و بیش از همه، دین مبین اسلام به نشر آن در بین انسان‌ها همت گماشته‌اند و جان‌های پاکی را در راه نشر این حقایق نثار شده است، نشر بدهد، جاودانه کند و در ذهن‌ها ماندگار سازد. این معارف، معارف بلند دینی است؛ این‌ها حقایقی است که همه پیامبران الهی برای آوردن آن‌ها به میان زندگی بشر، بارهای سنگینی را تحمل کردند. نمی‌شود ما این جایشینیم و تلاش‌های زنده‌ترین انسان‌های عالم را که مصالحان و پیامبران و مجاهدان راه خدا بودند تخطئه کنیم و نسبت به آن بی تفاوت بگذریم.

هنر دینی این معارف را منتشر می‌کند؛ هنر دینی عدالت را در جامعه به صورت یک ارزشی معرفی می‌کند؛ ولو شما هیچ اسمی از دین و هیچ آیه‌ای از قرآن و هیچ حدیثی در باب عدالت در خلال هنر تان نیاورید. مثلاً هیچ لزومی ندارد که در محاورات سینمایی یا در تئاتر، نام و یا شکلی که نماد دین است، وجود داشته باشد تا حتماً دینی باشد؛ نه، شما می‌توانید در باب عدالت، رساترین سخن را در هنر‌های نمایشی بیاورید، در این صورت به هنر دینی توجه کرده‌اید.

آن چیزی که در هنر دینی به شدت مورد توجه است، این است که این هنر در خدمت شهوت و خشونت و استبدال و استحاله هویت انسان و جامعه قرار نگیرد.^۱

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع اصحاب فرهنگ و هنر و اندیشه کشور، ۱۳۸۰/۵/۸.

۸۷ توقع انقلاب از هنر و هنرمند این است که:

توقع انقلاب از هنر و هنرمند، مبتنی بر نگاه زیباشناختی در زمینه هنر است؛ توقع زیادی هم نیست. مثلاً در یک دفاع هشت ساله با همه وجود به میدان آمد. جوانان به جبهه رفتند و از فداکاری در راه ارزشی که برای آن‌ها وجود داشت، استقبال کردند البته عمدتاً به خاطر دین رفتند؛ هرچند ممکن است عده‌ای هم برای دفاع از مین و مرزهای کشور دست به فداکاری زده باشند مادران و پدران و همسران و فرزندان و کسانی که پشت جبهه تلاش می‌کردند نیز طور دیگری حماسه آفریدند.

شما خاطرات هشت سال دفاع مقدس را مرور کنید، ببینید برای یک نگاه هنرمندانه به حالت و کیفیت یک جامعه، چیزی از این زیباتر پیدا می‌کنید؟ شما در عالی‌ترین آثار دراماتیک دنیا، آن جایی که به فداکاری یک انسان برخورد می‌کنید، او را تحسین و ستایش می‌کنید.

وقتی فیلم، آهنگ، تابلوی نقاشی، زندگی فلان انقلابی مثلاً ژاندارک یا سرباز فداکار فلان کشور را برای شما به تصویر می‌کشند، در دل و باطن وجدان خودتان نمی‌توانید کار او را تحسین نکنید. هراتان حادثه به مراتب با ارزش‌تر و بزرگ‌تر از آنچه که در این اثر هنری نشان داده شده، در دوران هشت سال دفاع مقدس و در خود انقلاب، در خانه شما اتفاق افتاد؛ آیا این زیبایی نیست؟ هنر می‌تواند از کنار این قضیه بی تفاوت بگذرد؟ توقع انقلاب این است و توقع زیاده‌خواهانه‌ای نیست. می‌گویند چرا زیبایی دیده نمی‌شود؟ کسی که به این مقوله بی‌اعتنا است، نمی‌خواهد این زیبایی را ببیند؟

عزیزان من! عده‌ای از شما با تاریخ به خوبی آشنا هستید؛ من هم با تاریخ آشنا هستم. من سطر سطر ورق‌های تاریخ هفتاد، هشتاد سال گذشته و قبل از آن را مکرر در مکرر خوانده‌ام. ما حقیقتاً یکی از گرفتارترین ملت‌ها در پنجه گردن کلفتی و قدرتی قدرتهای جهانی بوده‌ایم.

بنده در باب شبه قاره هند مطالعات مفصّلی داشته‌ام و کتابی هم در این زمینه

نوشته‌ام. وقتی وضعیت ایران را با شبه قاره مقایسه می‌کنم، می‌بینم با این که آن جا استعمار مستقیم انگلیسی‌ها وجود داشت، اما به لحاظ فشار انسانی بر یک کشور از ناحیه قدرت‌های اهریمنی دنیا، وضع ما از بد، بدتر بود. آن‌ها از طرف نیروهای خودی و میهنی خودشان دچار خیانت و نفاق و فساد و وابستگی نبودند؛ یک مشت انگلیسی به آن کشور وارد شده بودند. خودی‌های آن‌ها عبارت بودند؛ از گاندی و نهرو و مولانا محمدعلی و مولانا شوکت علی و جناح و غیره. آن‌ها با انگلیسی‌ها جنگیدند و خیلی هم زجر کشیدند؛ اما وضع ما این گونه نبود.

انگلیسی‌ها رضاخان را به عنوان یک عامل دست نشانده سر کار آوردند تا کار مورد نظر آن‌ها را انجام دهد. این حرف‌ها جای انکار نیست؛ حرفی نیست که من بزنم؛ این حرف جزو واضح‌ترین تاریخ است؛ هم گزارش‌گران نوشته‌اند و هم اسنادی که بعد از سی، چهل سال منتشر شده، گویای آن است.

همین چند روز پیش در سندی از همین قبیل می‌خواندم که در جلسه‌ای که سید ضیا و رضاخان و مأموران انگلیسی بودند، رضاخان گفته بود که من سیاست سرم نمی‌شود و وارد نیستم؛ هر چه شما دستور بدهید؛ من گوش به فرمانم. همین طور هم بود؛ اما لحظه‌ای که احساس کردند یک ذره حالت گوش به فرمانی‌اش متزلزل شده و گرایش، آن هم نه به سمت استقلال حقیقی، بلکه به سمت آلمان هیتلری پیدا کرده است طبیعتاً وقتی رضاخان به هیتلر نگاه کند، به هیجان می‌آید و لذت می‌برد او را کنار زدند و پسرش را سر کار آوردند. این‌ها جزو واقعیات کشور است.

کشور ایران با همه این خصوصیات فرهنگی عمیقی که شما می‌گویید و راست هم می‌گویید و من هم به همین‌ها اعتقاد دارم، تحقیر شد. پنجاه، شصت سال کسانی بر ما حکومت کردند که آورنده آن‌ها، نه این که ما نبودیم چون در ایران حکومت مردم به این صورت اصلاً سابقه نداشت بلکه دل‌آوری خودشان هم نبود.

ای کاش اگر دیکتاتور بودند، اقلاً مثل نادر ساه باز بر بازوی خودشان، یا

مثلاً قاجار محمدخان با حيله گری خودشان سر کار آمده بودند؛ اما این طور نبود؛ دیگران آمدند و این‌ها را بر این ملت مسلط کردند و تمام منابع مادی و معنوی این ملت را به غارت بردند. با رنج‌ها و محنت‌های بسیاری، حرکت عظیمی در مقابل این پدیده شوم اتفاق افتاد و توانست با فدا کردن جان‌ها و با قربان کردن سینه‌ها در مقابل دشمنه دشمن قذّار، به جایی برسد؛ این زیبا نیست؛ هنر چگونه می‌تواند از کنار بی تفاوتی بگذرد؟ این توقع انقلاب است.

هنر انقلابی که ما از اول انقلاب همین طور گفتیم و آن را درخواست کردیم، این است. آیا این توقع، زیادی است؟ موسیقی و فیلم و تئاتر و نقاشی و سایر رشته‌های هنری شما باید به این مقوله بپردازد؛ این‌ها چیزهای لازمی است.

توقع انقلاب از هنر و هنرمند، یک توقع زورگو یانه و زیاده‌خواهانه نیست؛ مبتنی بر همان مبانی زیباشناختی هنر است. هنر آن است که زیبایی‌ها را درک کند. این زیبایی‌ها لزوماً گل و بلبل نیست؛ گاهی اوقات، انداختن یک نفر در آتش و تحمل آن، زیباتر از هر گل و بلبلی است. هنرمند باید این را ببیند، درک کند و آن را با زبان هنر تبیین نماید.^۱

۸۸ اثرات متقابل هنر و سیاست بر یکدیگر

همیشه توصیه من به هنرمندها و کسانی که با کار هنری سر و کار دارند، این است که این‌ها را به بازی‌هایی خطی و سیاسی نکشایند؛ بحث حالا هم نیست؛ از زمانی که بنده رئیس جمهور بودم، هرگاه با وزرای ارشاد وقت و مسئولان گوناگون مواجه می‌شدم، این نکته را می‌گفتم؛ توصیه‌های خاصی هم نسبت به اشخاص گوناگون داشتم که همه در این جهت بوده که نگذارید خطوط سیاسی و جناح‌های سیاسی و شبه حزب‌ها بیایند و وارد این مقوله شوند و آن را قبضه کنند؛ زیرا در این صورت همه چیز تباہ خواهد شد.

اما اشتباه نکنید؛ آن جایی که پای حفظ ارزش‌ها و تداوم بخشیدن به آن‌هاست، یا صحبت از استحاله ارزش‌هاست، یک خط کشی وجود دارد؛ شما

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع اصحاب فرهنگ و هنر و اندیشه کشور، ۱۳۸۰/۵/۱.



نمی‌توانید بگویید من نه این طرف هستم، نه آن طرف؛ مگر می‌شود؟ این می‌شود می‌هویتی، مگر می‌شود آدم به یک ارزش، هم معتقد باشد، هم نباشد؛ یک ارزشی را، هم پاس دارد، هم ندارد؟ این جا باید موضع انتخاب کند و پای آن بایستد. البته من هیچ نفی نمی‌کنم؛ ممکن است کسی اشتباه کند؛ در این صورت انسان خطا را جبران می‌کند؛ کما این که در مواردی به بعضی از دوستانی که آثار خودشان را به من ارائه کردند یا از طریق دیگری من آن آثار را دیدم و به نظرات تقاضاهای رسیدم چه در بازی‌ها، چه در محاوره‌ها و به قول شما دیالوگ‌ها، چه در برخی از صحنه‌پردازیهایی که آن‌ها گفتیم، البته بعضی اصلاح کردند، بعضی هم اصلاح نکردند. ما از آن‌هایی که اصلاح کردند، تشکر کردیم؛ اما از آن‌هایی که اصلاح نکردند، هیچ وقت گله نکردیم که چرا اصلاح نکردید؛ چه برسد بالاتر از گله.

به هر حال در این جا حدودی وجود دارد؛ مگر می‌شود نسبت به این حدود بی‌تفاوت بود؟ همان طور که در ابتدا گفتم، نمی‌شود نسبت به ارزش‌ها بی‌تفاوت بود؛ این را نباید به حساب خط و جناح سیاسی الف و ب گذاشت اما یک نکته وجود دارد و آن این است که ببینید عزیزان من! سیاست در دنیای امروز از هنر استفاده ناشایسته می‌کند. اگر بگوییم نمی‌کند، دلیل اطلاعی است، نه فقط امروز استفاده می‌کند، بلکه از سابق استفاده می‌کرده است.

چند روز پیش سندی از اسناد منتشر شده وزارت خارجه آمریکا درباره جریان کودتای ۲۸ مرداد را ترجمه کرده و برای من آوردند. البته به هنگام وقوع این حادثه، سن من زیاد نبود چهارده، پانزده سال داشتم چیزهای اندکی یاد هست؛ اما از زبان‌ها خیلی شنیده‌ام و در آثار هم زیاد خوانده‌ام؛ ولی به این تفصیل هیچ جا وجود ندارد.

آن‌هایی که خودشان دست‌اندرکار این جریان بودند، این اسناد را نوشتند و برای وزارت خارجه و سازمان سیا فرستادند. این اسناد متعلق به آمریکایی‌ها است، البته عملیات بین آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها مشترک بوده که در این گزارش کاملاً منعکس شده است. آن بخش مورد توجه من این است: کیم

روزولت می‌گوید وقتی ما به تهران آمدیم، یک چمدان بزرگ پر از مقاله‌هایی که نوشته شده بود و باید ترجمه می‌شد و در روزنامه‌ها چاپ می‌گردید، و نیز کاریکاتورهایی را با خودمان آوردیم! شما فکرتان را بکنید، دستگاه سی‌ای آمریکا برای ساقط کردن حکومتی که با او ناسازگار بود و منافع آن‌ها را تأمین نمی‌کرد؛ حکومتی که به آرای مردم متکی بود - برخلاف همه حکومت‌های دوران پهلوی، این یک حکومت ملی بود که قانونی و با آرای مردم سرکار آمده بود - تحت عنوان این که ممکن است پشت پرده آهنگین شوروی برود، از همه ابزارها از جمله از ابزار هنر علیه آن استفاده کرد.

البته آن روز کاریکاریستی که هم به درد این‌ها بخورد و هم بتواند مورد اعتمادشان قرار بگیرد، لابد نبوده است؛ لذا با خودشان کاریکاتورهای آماسه را آورده بودند. در آن اسناد آمده است که ما به بخش هنری سازمان سیا سفارش

کردیم که این چیزها را تهیه کند!

اتفاقاً دو، سه سال پیش نیز ایتالیایی‌ها کتابی نوشتند که به فارسی هم ترجمه شده است؛ آن جا هم به وجود بخش هنری سازمان سیا و فعالیت‌های گوناگونش اشاره شده است. سیاست، این گونه دارد از هنر استفاده می‌کند؛ شما در این جا می‌خواهید چه کار کنید؟

اگر همه سیاستمداران و مستکبران و قلدران و صاحب اختیاران دنیا می‌آمدند در مقابل کتاب مقدس خودشان قسم چاله می‌خورند که از سیاست استفاده نکنند، می‌شد آدم نسبتاً خیال راحتی پیدا کند و بگوید خیلی خوب، الحمدلله، هنر خلاص شد؛ اما آن‌ها دارند از هنر استفاده می‌کنند. شما می‌خواهید چه کار کنید؟ آیا شما می‌خواهید در مقابله با مظلومی که آن‌ها به وسیله هنر به آن می‌رسند، از این ابزار بهره نبرید؟ این خردمندانه است؟ نه، این خردمندانه نیست.^۱

۱. پیانات رهبر معظم انقلاب در جمع اصحاب فرهنگ و هنر و اندیشه کشور، ۱۳۸۰/۵/۱.



بی تفاوت بماند؛ در حالی که دشمن دارد از ابزار هنر استفاده می‌کند؟^۱

۹۱. ویژگی‌های موسیقی حلال و حرام، قابلیت‌های اجتماعی موسیقی

پرسش: جدای از آن جنبه‌های فقهی که قبلاً به آن پرداخته و از حضورتان سؤال شده، نظراتان به‌طور خاص در مورد قابلیت‌های اجتماعی موسیقی به عنوان یک هنر چیست و این که در جامعه امروزی ما، با مقتضیات امروزی ما، با مقتضیات جوان امروز ما، با نوگرایی‌هایی که جوان ما طالب آن است، فکر می‌کنید موسیقی چه شرایطی باید داشته باشد؟ همچنین نظر خود را در خصوص جنبه‌های ویژه در موسیقی غیرسنتی، به‌عنوان این که زبانی بین‌المللی - و نه غربی - است، بفرمایید. آیا به این موضوع قائل هستید که بهترین راه مبارزه با تهاجم فرهنگی - که یکی از مهم‌ترین روش‌هایش نفوذ از راه هنر و به ویژه از راه موسیقی است - ارائه الگوهای پاک و سره و ناب و متناسب با شرایط ملی و مذهبی کشورمان است؟

پاسخ: این که ما بگوییم موسیقی بهترین راه مقابله با تهاجم فرهنگی است، نه؛ من به این معتقد نیستم که موسیقی یک چنین کششی داشته باشد.

بهتر است بگوییم یکی از راه‌های مبارزه با تهاجم فرهنگی است. بله؛ یکی از راه‌هاست. البته با شرایطی می‌تواند باشد؛ اما بهترین راهش را این نمی‌دانم. ببینید؛ در مورد موسیقی دو حرف وجود دارد: یکی این که ببینیم اساساً مشخصه‌های موسیقی حلال و حرام چیست و دیگر این که بیایم در مصداق، مرزهایی را مشخص کنیم تا به قول شما، جوانان بدانند که این یکی حرام و این یکی حلال است. البته این دومی کار آسانی نیست. کار دشواری است که انسان از این اجرای موسیقی‌های گوناگون - موسیقی خارجی، موسیقی ایرانی هم با انواع و اقسامش؛ با کلام، بی کلام - بخواهد یکی یکی این‌ها را مشخص کند؛ اما مشخصه‌های کلی‌ای دارد که آن را می‌شود گفت

موسیقی‌ای که انسان را به بی‌کارگی و ابتذال و بی‌حالی و اخوردگی از

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع اصحاب فرهنگ و هنر و اندیشه کشور، ۱۳۸۰/۵/۸.

۸۹. از جاذبه‌های جنسی برای جلوه دادن به کارهای نمایشی، فیلم و

موسیقی استفاده نکنید

ما نباید به ذهن و دل جوان چیزی را بدهیم که او را به سمت گناه و فساد می‌لغزاند؛ این غیر از آزاد گذاشتن فکر برای انتخاب در مسئله‌ای است. شما می‌دانید که مسائل احساساتی به کسی فرصت انتخاب نمی‌دهد؛ انسان را به سمتی می‌کشاند، بدون این که قدرت انتخاب داشته باشد! را نمی‌پسندم.

انسان در خیلی از فیلم‌ها و کارهای نمایشی مشاهده می‌کند که برای جلوه دادن به کار، از جاذبه‌های جنسی استفاده می‌کنند، در موسیقی یک طور دیگر! در بعضی از هنرهای دیگر طور دیگر. باید به گونه‌ای باشد که هنرمند بتواند آزادانه هنر خودش را بدون این اجباری که گفتم اجبار به سمت مشتری طلبی عرضه کند تا هنر، صحیح و کامل از آب در بیاید.^۱

۹۰. وظیفه هنرمندان در قبال فعالیت‌های بخش هنری سازمان

سیا (CIA)

سازمان سیا بخش هنری دارد و فیلم‌هایی که بعد از انقلاب علیه ما و علیه شیعه و اسلام درست کردند، بسیار زیاد است. شما که یک فیلساز و سینماگر و بازیگر سینما و تئاتر و موسیقیدان و آهنگساز ایرانی هستید و این واقعیت و مظلومیت را ادراک می‌کنید، تکلیفشان چیست؟ آیا هیچ تکلیف مردمی وجود ندارد؟

من شنیده‌ام که در قضایای جنگ جهانی در روسیه، شور علی اف - آهنگ معروفی است که البته من نه آهنگش را شنیده‌ام، نه درست می‌دانم چیست؛ آقایان می‌دانند - در تهییج مردم برای وارد شدن به میدان جنگ، بیشترین تأثیر را داشت؛ یعنی در خدمت اهداف مردمی قرار گرفت. به طور طبیعی این توقع از هنرمند هر کشوری وجود دارد؛ بنابراین چه طور می‌تواند نسبت به این قضیه

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع اصحاب فرهنگ و هنر و اندیشه کشور، ۱۳۸۰/۵/۸.



واقعیت‌های زندگی و امثال این‌ها بکشاند، موسیقی حلال نیست؛ موسیقی حرام است.

موسیقی چنانچه انسان را از معنویت، از خدا و از ذکر غافل کند، حرام است. موسیقی‌ای که انسان را به گناه و شهوترانی تشویق کند، حرام است؛ از نظر اسلام این است.

موسیقی اگر این خصوصیات مضر و موجب حرمت را نداشته باشد، البته آن وقت حرام نیست. این‌هایی را که من گفتم، بعضی‌اش در موسیقی بی‌کلام و در سازهاست؛ بعضی هم حتی در کلمات است. یعنی ممکن است فرضاً یک موسیقی ساده‌ی ضرری را اجرا کنند، لیکن شعری که در این موسیقی خوانده می‌شود، شعر گمراه‌کننده‌ای باشد؛ شعر تشویق‌کننده به بی‌بندوباری، به ولنگاری، به شهوترانی، به غفلت و اینطور چیزها باشد؛ آن وقت حرام می‌شود. بنابراین، آن چیزی که شاخص حرمت و حلیت در موسیقی است و نظر شریف امام هم در اواخر حیات مبارکش آن که آن نظریه را در باب موسیقی دادند - به همین مطلب بود، این است. موسیقی لهوی داریم. ممکن است موسیقی - به اصطلاح فقهی‌اش - موسیقی لهوی باشد. «لهو» یعنی غفلت، یعنی دور شدن از ذکر خدا، دور شدن از معنویت، دور شدن از واقعیت‌های زندگی، دور شدن از کار و تلاش و فروغلتیدن در ایندوباری. این موسیقی می‌شود حرام. اگر این با کیفیت اجرا حاصل شود، اگر با کلام حاصل شود؛ فرقی نمی‌کند.

شما می‌گویید زبان بین‌المللی. آن موسیقی‌ای که به قول خود شما مرزها را درنور دیده و در جاهایی پخش شده، آیا لزوماً موسیقی خوبی است؟ صرف این که یک موسیقی از مرز فلان کشور خارج شد و توانست به مثلاً کشورهای مختلف برود و یک عده طرفدار پیدا کند، مگر دلیل خوب بودن موسیقی است؟ نه؛ به هیچ وجه. ممکن است موسیقی‌ای باشد که به شهوترانی و تحریکات و نشاط‌های شهوی جوانی تحریک می‌کند؛ طبیعی است که یک مشت جوانی که غفلت زده هستند، از این موسیقی خوششان می‌آید. هر جایی که در دنیا دستشان به این نوار بیفتد، از آن نوار استفاده می‌کنند. این دلیل خوب بودن

موسیقی نیست.

من نمی‌توانم به‌طور مطلق بگویم که موسیقی اصیل ایرانی، موسیقی حلال است؛ نه، این طور نیست. بعضی خیال می‌کنند که مرز موسیقی حلال و حرام، موسیقی سنتی ایرانی و موسیقی غیرونتی است؛ نه، این طوری نیست. آن موسیقی‌ای که منادیان دین و شرع همیشه در دوره‌های گذشته با آن مقابله می‌کردند و می‌گفتند حرام است، همان موسیقی سنتی ایرانی خودمان است که به شکل حرامی در دربارهای سلاطین، در نزد افراد بی‌بندوبار، در نزد افرادی که به شهوات تمایل داشتند و خوض در شهوات می‌کردند، اجرا می‌شده است. این همان موسیقی حرام است.

بنابراین، مرز موسیقی حرام و حلال، عبارت از ایرانی بودن، سنتی بودن، قدیمی بودن، کلاسیک بودن، غربی بودن یا شرقی بودن نیست؛ مرز آن چیزی است که من عرض کردم. این ملاک را می‌شود به دست شما بدهم، اما این که آیا این نوار جزو کدام‌ها است، این را من نمی‌توانم مشخص کنم.

البته الان دستگاه‌هایی هستند که ممیزی می‌کنند؛ اما من خیلی هم اطمینان ندارم که این ممیزی‌ها صددرصد درست باشد. گاهی می‌آیند به ما می‌گویند که یک نوار بسیار بد یا مبتذلی را به صورت مجاز پخش می‌کنند؛ گاهی هم ممکن است عکس این اتفاق بیفتد. من الان نمی‌دانم واقعاً این ممیزی‌ها چقدر از روی واقع‌بینی و ضابطه‌مندی انجام می‌گیرد؛ اما آن چیزی که من می‌توانم به شما به عنوان یک جوان خوب و به عنوان کسی که مثل فرزندان خودم هستید به عنوان نصیحت و نظر خودم بگویم، این است که عرض کردم.

به نظرم می‌رسد که موسیقی می‌تواند گمراه‌کننده باشد، می‌تواند انسان را به شهوات دچار کند، می‌تواند انسان را غرق در ایندال و فساد و پستی کند؛ می‌تواند هم این نباشد و می‌تواند عکس این باشد. مرز حلال و حرام این‌جا است. من امیدوارم که شما جوانان با این زاد تقوا بتوانید وارد میدان شسود و تولیدهایی داشته باشید که به معنای حقیقی کلمه هم خصوصیات موسیقی خوب و بلیغ را داشته باشد و به معنای حقیقی تأثیرگذار مثبت باشد و حقیقتاً





هفت دستگاه اصلی موسیقی و دستگاه‌های فرعی آن، که تنها مربوط به موسیقی ایرانی نیست، بلکه در همه آهنگ‌های جهان وجود دارد، به گونه‌ای تکوین یافته، که هر صدایی شما در بیاورید، در یکی از آن دستگاه‌ها هست، و در واقع همه آهنگ‌های غربی و شرقی در مجموعه این دستگاه‌ها می‌گنجد اگر توجه داشته باشید، مقام‌ها و گوشه‌های مختلف هر دستگاه از بدو شروع تا نقطه پایان، روند منظمی را طی می‌کنند. یعنی از جایی آغاز می‌شوند؛ فرود می‌آیند؛ فراز دارند؛ تا جایی که تمام می‌شوند. همه این‌ها مبین حکمفرما بودن نظم در این هنر است.

بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت: هنر موسیقی تلفیقی از دانش، اندیشه و فطرت خدادادی است؛ که مظهر فطرت خدادادی، در درجه اول، حنجره انسان‌ها، و در درجه دوم، سازهایی است که به دست انسان‌ها ساخته شده است. پس می‌بینید که پایه، پایه‌ای الهی است.

حال اگر در این زمینه به سراغ سروده‌های مولوی برویم و بگوییم «موسیقی، انعکاس صدای افلاک است»؛ و آن را به عالم عرفانی مورد اشاره او وصل کنیم، از واقعیات به تخیلات نقبی زده‌ایم. زیرا گفته‌های او در این خصوص شبیه خیال است و نه واقعیت؛ و طبعاً مفهوم دیگری خواهد داشت. اما بی آنکه دنبال خیال‌پردازی برویم، در عالم واقع، صدایی که از حنجره خواننده صادر می‌شود، با یک پایه الهی و خلقی که مربوط به خدای متعال است، مانند بنایی مستحکم و وسیع بر جاذبه و رنگین شکل می‌گیرد.

اولین نتیجه‌ای که این بیان دارد، آن است که ما این هنر را در راه خدا مصرف کنیم. من این نکته را می‌خواهم به شما آقایان اعم از خواننده، نوازنده، آهنگساز و موسیقیدان عرض کنم که این هنر ساخته و پرداخته نعمت‌های الهی راه، که براساس یک ذوق و قریحه ذاتی و یک نظم و انتظام خردمندانه شکل می‌گیرد، و در واقع جان دادن به بی‌جان‌هاست، در راه خدا و رضای او مصرف کنید.^۱

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در بازدید از صدا و سیما و سخنرانی در جمع اهالی موسیقی، ۱۳۷۵/۵/۹.

جوانان و روح‌ها را به صفا و به معنویت و به حقیقت رهنمون کند.^۱

۹۲. هنر موسیقی تلفیقی از دانش، اندیشه و فطرت خدادادی است، این

هنر را در راه خدا مصرف کنید

مقوله موسیقی جزو مقولات مطرح در جامعه، و به خصوص در صدا و سیماست. البته در صدد نیستیم که تبیین کلی ذاتی در امر موسیقی داشته باشیم، چون پرداختن به این مقوله نیازمند شرایط و خصوصیات دیگری است. اینجا داخل استودیوی موسیقی جا دارد از بعد دیگری راجع به این هنر صحبت کنم: اساساً موسیقی که در تقسیم‌بندی‌های علوم قدیم، از شعب ریاضی است، و چون با دقت و محاسبه و اندازه‌گیری دقیق سر و کار دارد، جزو بخش‌های دانش ریاضی محسوب می‌شود، هنر دقیقی است. به تعبیری دیگر هنر موسیقی محاسبه متکی به طبیعت و فطرت بشری است؛ که خرد انسانی آن محاسبه را براساس تجربه استخراج کرده، و برای آن، قواعدی - موازینی گذاشته است.

البته امروز اروپایی‌ها و غربی‌ها در باب موسیقی پیشرفت‌های زیادی کرده‌اند و قواعد دقیق و منظمی وضع نموده‌اند، وضعیت‌طور دیگری است. گذشته که صحبت از مسائل مبتلا به امروز موسیقی نبود و بدیهه نوازی و بدیهه خوانی رواج داشت، خواننده‌ای بنای خواندن می‌گذاشت و نوازنده‌ای هنر مندی هم که بغل دست او نشسته بود، به نواختن می‌پرداخت. نوازنده اصلاً از قبل نمی‌دانست که خواننده چه می‌خواهد بخواند. لذا تا خواننده برای خواندن دهان باز می‌کرد، او هم ساز خود را کوک می‌نمود و به همنوایی مشغول می‌شد. یعنی هیچ قاعده‌ای که بر مبنای آن نت نوشته‌ای وجود داشته باشد، در کار نبود. من در این زمینه‌ها تجربه و آشنایی ندارم، اما از کسانی که از اهلیت در این هنر برخوردار بوده‌اند، شنیده‌ام، حتی در زمان متداول نشدن نت آنان که در امر نوازندگی یا خوانندگی فعال بودند، طبق فطرت و ذوقی سلیم، نظم منطقی را در کار معمول می‌داشتند، و قواعد را رعایت می‌کرده‌اند.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳.

۹۳. جایگاه و نحوه پیدایش موسیقی در غرب و شرق

ما از دوران جوانی خودمان حرف‌های برخی از اهالی هنر را می‌شنیدیم، که روشنفکران آگاه و واقعاً بی‌پایه و اساس، مبتنی به این نکته بود که «ما هنر را در راه فکر و پیش‌بینی و سیاست، به کار نمی‌بندیم». آن‌ها که ادعاهایی چنین داشتند، هنرشان اعم از شعر و دیگر فنون بیش از سایرین در خدمت سیاست‌ها قرار می‌گرفت. قصد ورود به چنین بحث‌هایی را ندارم، اما می‌خواهم بگویم: هرکاری که متکی به اراده انسان است، باید برای هدفی انجام گیرد.

هرچه هدف متعالی‌تر باشد، آن کار یا هنر ارزشمندتر می‌شود. متأسفانه هدف موسیقی در شرق، در حد تعالی خود موسیقی نبوده است. اینکه می‌گویم «شرق» منظورم ایران و کشورهای عربی است. وگرنه از وضعیت موسیقی در هند و چین و سایر ممالک خاور دور، خبر ندارم. به هر حال تاریخ موسیقی ایران در طول قرون متمادی چه قبل و چه بعد از اسلام را خوانده‌ام، و از سیر و سرنوشت موسیقی عرب به خصوص بعد از اسلام مطلع‌م.

آنچه براساس مطالعات خود می‌توانم بگویم، این است که موسیقی در منطقه ما برای هدف‌های متعالی به کار نرفته است. و این، به خلاف سیر موسیقی در اروپا است. می‌دانید که من به طور طبیعی از جمله آدم‌های غرب ستیزم. چنان‌که هیچ ویژگی غرب، مرا مبهورت و مجذوب نمی‌کند. در عین حال ویژگی‌های مثبت غرب را از روی محاسبه تأیید می‌کنم. یکی از آن ویژگی‌ها مقوله موسیقی است.

درست است که در غرب، موسیقی رقص و لهو و سایر موسیقی‌های منحط وجود دارد، اما در همان نقطه از جهان، از دیرباز موسیقی‌های آموزنده و معنادار هم بوده است؛ موسیقی‌ای که برای گوش سپردن به آن، انسان عارف واقف خردمند، می‌تواند تهیه کند، در سالن اجرای کنسرت بنشیند و ساعتی، از آن لذت ببرد. در غرب موسیقی‌هایی که گاهی یک ملت را نجات داده و گاهی یک مجموعه فکری را به سمت صحیحی هدایت کرده، کم نبوده است. غرب برخوردار از چنین ویژگی‌ای نیز بوده و هست.

در شرقی که راجع به آن گفتیم (یعنی در محدوده جغرافیایی مورد اشاره) متأسفانه موسیقی از چنین اعتبار و جایگاهی برخوردار نبوده است. موسیقی در اینجا عبارت از آهنگ‌ها و آلات و ادوات لهو بوده؛ که فقها از آن، به «موسیقی لهوی حرام» تعبیر کرده‌اند.

فرض بفرمایید: فلان خلیفه، شبی دچار بی‌خوابی می‌شده است. موسیقی‌دان‌ها همراه با کبیرکان معنی، بایستی می‌آمدند تا اسباب طرب او را فراهم کنند. موسیقیدان با آن خصوصیتی که گفتیم «اهل خرد و قریحه و ذوق است»، بایستی خود را می‌شکست، پای تخت خلیفه می‌نشست، و انواع و اقسام هنرهای خویش را نثار می‌کرد، تا خلیفه از حالت افسردگی که لازمه خردریزی‌ها، قساوت‌ها و خیانت‌های وی بود بیرون می‌آمد! این وضعیت موسیقی در بارگاه خلفا و امرای عرب بود. عین همین قضیه، در مورد سلاطین ایران هم صدق می‌کند. پادشاهانی که اهل موسیقی لهو بوده، و دربار‌های موسیقی طلب داشته‌اند کم نیستند، که از آن جمله می‌توان به دربار قاجار و پادشاهان آن سلسله اشاره کرد.

توجه می‌کنید که موسیقی در خدمت چه جریان‌ها و کسانی بوده است؟! اینکه می‌بینید در کلمات فقها موسیقی مقول‌ای حرام و ممنوع و دست‌نزدنی و نزدیک‌نشدنی است، به همین خاطر است.^۱

۹۴. در این صورت می‌توان موسیقی را پاک و مقدس نامید!

در منطقه‌ای که تاریخ موسیقی ما در آن شکل گرفته است، موسیقی معنای صحیح ندارد. شما باید به آن معنا و مفهوم صحیح بدهید؛ و در واقع باعث نجات آن شوید.

حرف من با موسیقی‌دان‌ها این است که موسیقی را به سمت معنا و هدف‌های متعالی ببرید؛ هدف‌هایی فراتر از هدف عیاشی فلان عاشق کلاژی که

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در بازدید از صدا و سیما و سخنرانی در جمع اهالی موسیقی، ۱۳۷۵/۵/۹.



بهمان معشوقه کذایی تر را دوست می داشت، و چون مورد بی اعتنائی وی قرار گرفته و دلش شکسته است می خواهد پای فلان ساز بنشیند، و در اثر آهنگ و ترانه سوزناک اشکی از ره فراق بریزد! چنین هدفی در استعمال موسیقی ارزشمند نیست. چه ارزشی دارد که به خواهش دل یک نفر بسازند و بخوانند و بنوازند، و آن اندیشه ریاضی و محاسبه علمی و منطقی را که اعتبار موسیقی است چنین خوار و ذلیل کنند؟! ارزش و هدف و تعالی در موسیقی، این نیست. موسیقی متعالی، موسیقی ای است که برای هدف متعالی باشد. اگر چنین باشد، آن وقت می شود موسیقی را پاک و مقدس نامید. آن وقت می شود ما هم مثل غربی ها کنسرتی داشته باشیم (عنوانش را مثلاً «مخفل خوانندگی» بگذاریم، تا اصطلاح غربی به کار نبرده باشیم) که مردم اعم از معمولی و متدین بلیت تهیه کنند و برای شنیدن ساز و آواز شما، به آن مخفل بیایند.

توجهی که بعد از پیروزی انقلاب بایستی از طرف دست اندرکاران موسیقی نسبت به موسیقی صورت می گرفت، نگرفت. البته، این بدان معنا نیست که کارهای خوبی انجام نشده است. مسلماً شده است که ما اینجا می نشینیم و به کار شما گوش می سپاریم. بنده آدمی نیستم که اگر موسیقی حرامی نواخته شد، بنشینم و به آن گوش سپارم. آنچه در این مقوله، حرام بوده، هنوز هم حرام است. در برخورد با حرام هم جای ملاحظه نیست؛ و من هم به عنوان فردی متشرع، که ملاکم فقه است، ملاحظه کاری نمی کنم. متنها، تلاش هایی که بعضی از افراد دلسوز و مخلص در زمینه موسیقی از اول انقلاب کرده اند، خوب بوده است. و این، البته منهای توجه همه جانبه ای است که گفتیم بایستی می شد، اما نشد.

به هر حال از این بعد می گویم که خواننده ها و نوازنده های ما، مردمان متدینی هستند، که در مقوله موسیقی، اصولی را ملاحظه می کنند. رعایت اصول از جانب آن ها موجب شده که نواهای موسیقی، تا حدودی، از حال و هوای گذشته خارج شود. امروز نواهایی وجود دارد که یا مشکوک است و یا پاک و بی اشکال است. البته در کنارش نواهای دارای اشکال هم وجود دارد. اخیراً در

پاسخ به سؤال برخی از دوستان گفتم مسلماً کلام بر جهت گیری کار مجموعه شما، تأثیر می گذارد.

به تعبیر دیگر، در بعضی اوقات، کلامی که با آهنگ نواخته شده همراه است، وجه هدایت گری دارد. و این وجه، در معنای عرفانی، اخلاقی، اجتماعی یا سیاسی کلام، نهفته است. آن وقت است که می توان گفت: کلام هدایت گری، موسیقی را دارای جهت متعالی می کند.

یک وقت است که آهنگ را با کلامی گمراه کننده همراه می کنید. فرض بفرمایید کلام، مبین سوز و گداز یک عاشق کاملاً جسمانی و مادی، برای معشوقه خود است. سوز و گداز کذا هم به خاطر این است که عاشق به معشوقه دست پیدا کند و شبی را با او تا صبح بگذراند! هیچ هدف دیگری ندارد، و از صدد رسیدن هدف مادی است، مسلماً کلامی که برای این مقصود گفته شود، حرام است.

این، هنر شما است که بگردید و شعرهای خوب را پیدا کنید. البته شعرهای حافظ و سعدی هم، همیشه عرفانی نیست. چه بسا شعر جسمانی و مادی هم دارند. شعری را پیدا کنید و کلامی را بیابید که حقیقتاً معنای عرفانی یا اخلاقی داشته باشد؛ مثل خیلی از غزل های صائب و بعضی از شعرای سبک هندی، که از جنبه اخلاقی خوب و قابل قبولی برخوردار است. کلام هایی چنین را، روی آهنگ های خود بگذارید تا آثار پسندیده ای به وجود بیاورید.^۱

۹۵. موسیقی را هدفدار، جهتدار و معنادار اجرا و طراحی کنید و صبغه های لهو را از آن بزدایید

درخواست من از شما آقایان موسیقی دان ها و افرادی که در این زمینه بسیار مهم صاحب نظر و هنر هستید، این است که احساس مسئولیت کنید، و موسیقی را نجات دهید. البته من دلم نمی خواهم مفاهیم با هم مخلوط شود.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در بازدید از صدا و سیما و سخنرانی در جمع اهالی موسیقی، ۱۳۷۵/۵/۹.



بعضی از موسیقیدان‌های سنتی اصیل و ریشه‌دار گاهی می‌گویند که «موسیقی قبل از انقلاب دچار ابتذال شده بود؛ ولی در دوران انقلاب الحمدلله، آن ابتذال از بین رفت.» من این را نمی‌خواهم بگویم. از دید یک متخصص، همان است که موسیقی دچار ابتذال شده بود. خوشبختانه، به خاطر محدودیت‌های قهری انقلاب، آن ابتذال‌ها از پیکر موسیقی فرو ریخت. من تقسیم دیگری را می‌خواهم مطرح کنم. چون تنها به اینکه آن ابتذال‌ها از بین برود، قانع نیستم. بلکه می‌گویم: در همین موسیقی غیر مبتذل سنتی عالمانه هم، شما وظیفه دارید جهت‌گیری درست ایجاد کنید. توقع من از شما، هدفدار کردن موسیقی است. من این توقع را هم از آقایان آهنگساز و موسیقیدان دارم. اگر شما توانستید این کار را بکنید، بدانید خشتی را خواهید گذاشت که نه برای تمدن ایران اسلامی، بلکه برای کل جهان محفوظ به همان سیاستی که قبلاً عرض کردم، مبارک خواهد بود. حتی ممکن است دیگران هم در آینده، از این اهتمام شما بهره ببرند.

گفتم که، از وضعیت موسیقی در هند و چین و خاور دور اطلاع زیادی ندارم، و نمی‌خواهم درباره آن قضاوت کنم، اما بدانید، در صورت هدفدار کردن موسیقی از طرف شما، موسیقی جهان عرب و شاید دیگر ممالک اسلامی هم منتفع خواهد شد. موسیقی را هدفدار، جهت‌دار و معنادار، اجرا و طراحی کنید، و صیغه‌های لهورا، از آن بزادید. هنر انسانی بی‌نهایت است. اگر به این اصل معتقدید، چه لزومی دارد گوشه‌های مطربی و لهوری را، که موجود تحرکات فیزیکی است، از موسیقی حذف نکنید؟! شما می‌توانید با حذف آن گوشه‌های مخرب، گوشه‌های جدیدی به وجود آورید.

کسانی که قبلاً گوشه‌های کذا را وضع، تبیین و تدوین کرده‌اند، مگر بالاتر از شما بوده‌اند؟! البته، انسان‌های با ذوق و دانشی بوده‌اند؛ چنان که شما هم هستید. من دعوت به غم‌انگیز بودن و بی‌ذوقی نمی‌کنم؛ بلکه دعوت من به متعالی شدن و پدیده موسیقی را از ابتلائات مادی بشر بیرون کشیدن و فراتر آوردن است. امیدوارم به این دعوت، جواب مثبت داده شود، و موسیقی را به سمت متعالی

شدن سوق دهید. اگر شما هم اقدام نکنید، بالاخره گروهی می‌آیند و به این روش تکاملی عمل می‌کنند. به هر حال بشر در زندگی ناگزیر از تکامل است. در زمینه موسیقی باید آثاری پدید آورد که برای ملت‌ها و انسان‌های صاحب اندیشه و خردمند، راهگشا باشد. و الا اینکه هر آدم بی‌سر و پا و هر لات عرق خوری از موسیقی التناذی ببرد و خیال کند ویژه او ساخته شده است، ارزش و اهمیتی ندارد. موسیقی ارزشمند است که انسان‌های خردمند و صاحب اندیشه، و افرادی که یک حرکت و تشخیص شان گاهی دنیایی را نکان می‌دهد، از آن بهره ببرند و استفاده کنند.

به یاد دارم، در زمان گذشته که ما مشغول مبارزه بودیم، یک وقت بحث از موسیقی و سمفونی‌های بنه‌وون پیش آمد. از برخی مطلعین شنیدم که ش. و. «علی‌اف» در جنگ جهانی، باعث نجات شوروی شده بود! از همین آهنگ‌شور موسیقی شما، آهنگساز و نوازنده ای در شوروی، قطعه‌ای ساخته، که ملنی، نکان داده است!

من اگر چه «علی‌اف» را نمی‌شناسم و شور او را ننشیده‌ام اما می‌دانم «شور» چیست، و می‌دانم که انسانی با قریحه می‌تواند با یک آهنگ ملنی را مقلب کند؛ و نکان دهد. به دنبال مسائلی چنین، در وادی موسیقی باشید. موسیقی باید در این جهت برود. و صدا و سیما، موظف‌ترین و مسئول‌ترین مرکز برای این کار است. اینکه از صدا و سیما اسم می‌برم، بدین معنا نیست که وزارت ارشاد را فراموش کنیم. وزارت ارشاد هم جزو مسئول‌ترین‌ها است. اما شما چیزی متعهدترین و موظف‌ترین‌ها هستید. پس به سراغ این کار بروید.^۱

۹۶. نباید در دانشگاه‌ها موسیقی ترویج شود

الان در دانشگاه‌های کشور موسیقی ترویج می‌شود؛ نباید بشود. ترویج موسیقی، کاری است برخلاف مذاق اسلام. درست است که هر نوع موسیقی‌ای

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در بازدید از صدا و سیما و سخنرانی در جمع اهالی موسیقی، ۱۳۷۵/۵/۹.

حرام نیست، اما معنای ترویج موسیقی این نیست که با دقت بگردند موسیقی
غیرحرام را پیدا کنند و آن را تعلیم دهند و ترویج کنند.^۱



۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۱/۹/۲۶.